



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
معاونت فرهنگی و تبلیغی
گروه تولید محتوا

دو فصلنامه علمی-تخصصی

سال سوم شماره پنجم

پاییز و زمستان ۱۴۰۳

رمضان ۱۴۴۶ ه. ق

تبلیغ و تحولات خانوادگی

راهکارهای خانواده در مقابله با استحاله فرهنگی و نفوذ دشمن
دکتر علی کاظمی

مدگرایی زنان در مردانه پوشی
سیده طاهره موسوی

اصول اساسی مدیریت اقتصاد خانواده (راهنمایی برای خانوارها)
محمد حسین افشاری

شناخت عوامل موثر در ایجاد محبت خانوادگی
اعظم نوری

بررسی آثار رعایت عدل و احسان و رسیدگی به نزدیکان در آیه ۹۰ سوره نحل
سید علی اصغر موسوی

الگوی مقاومت زنان در آیات و روایات
نفیسه قنبری

خانواده متعادل در کلام امام علی علیه السلام
فرج الله میرعرب

سپاسگزار و قدردان دیگران بودن
زهرا اخلاقی

انواع خانواده از منظر قرآن کریم
علیرضا انصاری

نقش تربیتی مدارا در تحکیم خانواده
دکتر مرضیه قنبری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
معاونت فرهنگی و تبلیغی
گروه تولید محتوا

تبلیغ فغانوادی

صاحب امتیاز: معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

مدیر مسئول: سعید روستاآزاد

سر دبیر: مصطفی آزادیان

کارشناس اجرایی: اکبر اسماعیل پور

دوفصلنامه علمی - تخصصی

سال سوم - شماره پنجم

پاییز و زمستان ۱۴۰۳

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

سید محمد اکبریان

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

عبدالکریم پاک‌نیا تبریزی

استاد سطح عالی حوزه علمیه قم

ناصر رفیعی محمدی

عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه

سعید روستاآزاد

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

میر تقی قادری

استاد سطح عالی حوزه علمیه قم

علی نظری منفرد

استاد سطح عالی حوزه علمیه قم

نشریه «تبلیغ و خانواده» بر

اساس پروانه انتشار به شماره

ثبت ۹۶۳۳۴ تاریخ

۱۴۰۳/۰۳/۰۷ معاونت امور

مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی

وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی، به عنوان دوفصلنامه

تخصصی منتشر می‌شود.

شمارگان: ویراستار:

۳۰۰ نسخه مرتضی غلامی

قیمت: صفحه‌آرا:

۸۰۰۰۰ تومان اکبر اسماعیل پور

چاپ:

مؤسسه بوستان کتاب

آدرس: قم، چهارراه شهدا، معاونت فرهنگی و تبلیغی، طبقه اول، گروه تولید محتوا، کدپستی: ۳۷۱۵۷۹۱۸۱۱ -

تلفن: ۰۲۵ - ۳۱۱۵۲۰۲۱ - پایگاه اینترنتی: <http://jpf.dte.ir> - پست الکترونیک: tabligh@dte.ir



امام خمینی (قدس سره):

نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است؛ برای این که بانوان علاوه بر این که خودشان یک قشر فعال در همه ابعاد هستند، قشرهای فعال را در دامن خودشان تربیت می کنند. خدمت مادر به جامعه از خدمت معلم بالاتر است، و از خدمت همه کس بالاتر است، و این امری است که انبیا می خواستند. می خواستند که بانوان قشری باشند که آنها تربیت کنند جامعه را، و شیرزنان و شیرمردانی به جامعه تقدیم کنند.

صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۹۷.

رهبر معظم انقلاب اسلامی (مد ظله العالی):

زن مسلمان ایرانی، تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان گشود و ثابت کرد که می توان زن بود، عقیف بود، محجبه و شریف بود، و در عین حال، در متن و مرکز بود؛ می توان سنگر خانواده را پاکیزه نگاه داشت و در عرصه سیاسی و اجتماعی نیز، سنگرسازی های جدید کرد و فتوحات بزرگ به ارمغان آورد.

در انقلاب اسلامی و در دفاع مقدس، زنانی ظهور کردند که می توانند تعریف زن و حضور او در ساحت رشد و تهذیب خویش، و در ساحت حفظ خانه سالم و خانواده متعادل، و در ساحت ولایت اجتماعی و جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و جهاد اجتماعی را جهانی کنند و بن بست های بزرگ را درهم بشکنند.

<https://www.leader.ir/fa/speech/10428/>

پیام به کنگره هفت هزار زن شهید کشور ۱۳۹۱/۱۲/۱۶

فهرست مطالب

- سخن نخست ۵
- راهکارهای خانواده در مقابله با استحاله فرهنگی و نفوذ دشمن ۹
دکتر علی کاظمی
- مدگرایی زنان در مردانه‌پوشی ۲۱
سیده طاهره موسوی
- اصول اساسی مدیریت اقتصاد خانواده (راهنمایی برای خانوارها) ۳۱
حجت الاسلام والمسلمین محمدحسین افشاری
- شناخت عوامل موثر در ایجاد محبت خانوادگی ۴۳
اعظم نوری
- بررسی آثار رعایت عدل و احسان و رسیدگی به نزدیکان در آیه ۹۰ سوره نحل ۵۳
سید علی اصغر موسوی
- الگوی مقاومت زنان در آیات و روایات ۶۷
نفیسه قنبری
- خانواده متعادل در کلام امام علی علیه السلام ۷۷
فرج الله میرعرب
- سپاسگزار و قدردان دیگران بودن ۸۷
زهرا اخلاقی
- انواع خانواده از منظر قرآن کریم ۹۷
حجت الاسلام والمسلمین علیرضا انصاری
- نقش تربیتی مدارا در تحکیم خانواده ۱۰۸
دکتر مرضیه قنبری

سخن نخست

استقامت در دین‌ورزی راز دست‌یابی به بهروزی و سعادت دنیوی و اخروی است. جوامع ایمانی وقتی ماندگار و پابرجا می‌مانند که در راه اهداف و اعتقادات راستین خود استقامت و پایداری ورزند: «وَأَنَّ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا»^۱ و اینکه اگر آنها [= جن و انس] در راه (ایمان) استقامت ورزند، با آب فراوان سیرابشان می‌کنیم!» به نظر می‌رسد مطابق این آیه شریفه، بالاتر از ایمان، پایداری و استقامت در راه ایمان است. تنها با استقامت است که آثار و برکات دنیوی و اخروی ایمان ظاهر خواهد شد. امام باقر علیه السلام فرمود: مراد از «اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ» استقامت در مسیر اهل بیت علیهم السلام است و از امام صادق علیه السلام نقل شده است که اگر مردم بر ولایت ما استقامت داشته باشند از علم کثیر کامیاب می‌شوند. «لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا»^۲.

استقامت در دین‌ورزی مستلزم پابندی به همه لوازم ایمان، اعم از لوازم شناختی، عاطفی و ارادی است؛ در راس این لوازم، شوق به معرفت الله و انجام واجبات و ترک محرمات و در عرصه اجتماع و سیاست، دفاع از حریم آموزه‌های دین و مقاومت در برابر خواسته‌ها و ترفندهای دشمنان دین، بویژه آمریکای جنایت‌کار و رژیم صهیونی کودک‌کش قرار دارد.

الحمد لله خداوند متعال توفیق درک حضور ماه سراسر نور و پر خیر و برکت رمضان را به همه ما عنایت فرمود. این ماه عزیز، بهترین فرصت برای نیل به اهداف عالی اسلام در عرصه‌های فردی و جمعی است. نیل به مقامات بالای اخلاقی و عرفانی و درک حضور حضرت

۱. جن: ۱۶.

۲. محسن قرآنی، تفسیر نور، ج ۱۰، ص ۲۵۱.

باری تعالی در همهٔ صحنه‌های زندگی و اطاعت محض و خالصانه از فرامین الهی و حضرت رسول اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت گرامی ایشان، و نیز استقامت در دین‌ورزی و عاقبت‌بخیری در این ماه نورانی میسور خواهد بود. توفیق روزه‌داری با حفظ همه مراتب آن، شب زنده‌داری، قرائت و تدبر در آیات قرآن کریم، حضور در مساجد و مجالس وعظ و خطابه، حضور فعال در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی و دغدغه‌مندی نسبت به مظلومان، مستضعفان و محرومان و... از برکات درک ماه مبارک رمضان است. «ماه رمضان به معنای جامع کلمه، ماه مبارکی است. تعبیر «ماه مبارک» یک تعبیر تعارف‌آمیز نیست؛ به معنای واقعی کلمه این ماه، مبارک است؛ یعنی از جوانب مختلف، این ماه قابلیت‌های معنوی درونی انسان را رشد می‌دهد و ارتقاء می‌دهد. . . اینکه گفتیم از جوانب مختلف، یعنی از جانب روزه، از جانب تلاوت قرآن. . . از ناحیهٔ تضرع و دعاها و مناجات‌هایی که در این ماه وارد است، از ناحیهٔ لیلۃ‌القدر که یک فرصت فوق‌العاده مهمی است که «خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»،^۱ و از جهات مختلف».^۲

خدا را سپاس می‌گوییم که توفیق عنایت فرمود تا ره‌توشه‌های ماه مبارک رمضان را در قالب‌های ذیل آماده و در اختیار مبلغان ارجمند قرار دهیم:

● فصلنامه ره‌توشه؛ این فصلنامه کوشیده است در ذیل عناوین "عقاید و اندیشه"، اخلاق و معنویت، "خانواده"، و "مباحث سیاسی و اجتماعی"، سی مقاله و نوشتار را متناسب با نیازهای روز جامعه تألیف نماید. عناوین مقالات ره‌توشه عبارتند از: اهمیت و ارزش معرفت‌الله؛ شیرینی ارتباط با خدا از طریق مدیریت فکر و اندیشه؛ ظهور اعمال در قیامت از دیدگاه قرآن و روایات؛ راه‌های افزایش ایمان در زندگی؛ رهنمودها و نگرانی‌های امیرمؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَام درباره قرآن کریم؛ تحلیل و تبیین مؤلفه‌های آرمان شهر مهدوی با تاکید بر دعای افتتاح؛ شناخت نفس و درمان بیماری آن؛ تحلیلی اجمالی از مقام رضا و تسلیم از منظر قرآن کریم؛ نقش انفاق در تهذیب و تکامل مؤمن و جامعه ایمانی؛ دنیاگرایی و راهکارهای پیشگیری از آن از دیدگاه امام علی عَلَيْهِ السَّلَام؛ توصیه‌های امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام به کمیل بن زیاد نخعی؛ اوصاف ماه رمضان در دعای ۴۴ صحیفه سجاده؛ نگاهی به سلامت و بهداشت در سیره معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَام؛ عوامل تحکیم خانواده

۱. قدر: ۳: «شب قدر بهتر از هزار ماه است!»

۲. <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1631>

در سیره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ اصول و روش های تربیتی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره دعوت به نماز فرزندان؛ جامعه مؤمنان و ازدواج جوانان؛ نقش حمایتی خانواده در کاهش آسیب های اجتماعی فرزندان از دیدگاه قرآن و روایات؛ تاثیر رسانه ها و فضای مجازی بر تربیت فرزندان؛ ازدواج سفید و آسیب های آن؛ مسئولیت والدین در برابر فرزندان؛ دشمن شناسی در آیات و روایات؛ حمایت جمهوری اسلامی از جبهه مقاومت؛ چرایی، آثار و استلزامات؛ تحلیلی بر دو دستاورد مهم مقاومت در برابر جنایات صهیونی؛ بررسی دشمنی دیرینه و تمدنی یهود صهیونیست با مسلمانان؛ دعا برای مرزبانان اسلام؛ ایمان و وعده الهی به برتری جامعه مؤمنان؛ اتحاد و همبستگی مؤمنان در برابر دشمن؛ ولایت و پیوستگی میان مؤمنان؛ و بهار در بهار.

برای مشاهده و دریافت فصلنامه ره توشه می توانید به نشانی: <http://rahtoosheh.dte.ir>

مراجعه کنید.

● **فصلنامه تبلیغ و خانواده؛** این فصلنامه برای همه مبلغان به ویژه مبلغان محترمی که در عرصه خانواده تبلیغ می کنند، آماده شده است. مقالات این فصلنامه عبارتند از:

راهکارهای خانواده در مقابله با استحاله فرهنگی و نفوذ دشمن؛ مدگرایی زنان در مردانه پوشی؛ اصول اساسی مدیریت اقتصاد خانواده (راهنمایی برای خانوارها)؛ خانواده الگو و محبت به همسر و فرزندان؛ بررسی آثار رعایت عدل و احسان و رسیدگی به نزدیکان در آیه ۹۰ سوره نحل؛ الگوی مقاومت زنان در آیات و روایات؛ خانواده متعادل در نهج البلاغه؛ انواع خانواده از منظر قرآن کریم؛ نقش تربیتی مدارا در تحکیم خانواده.

برای مشاهده و دریافت فصلنامه تبلیغ و خانواده به نشانی: <http://jpf.dte.ir> مراجعه شود.

● **فصلنامه تبلیغ و تقریب؛** رویکرد فصلنامه تبلیغ تقریبی است و برای همه مبلغان، به ویژه مبلغانی که در مناطق مشترک شیعه و سنی به تبلیغ مشغولند، تالیف و آماده شده است. مقالات این فصلنامه به شرح ذیل است:

دفاع از مسلمانان مظلوم از دیدگاه فقیهان مذاهب اسلامی؛ مساله فلسطین از دیدگاه مقام معظم رهبری؛ شاخصه های مکتب شهید سید حسن نصرالله؛ مبانی شهادت طلبی در قرآن و متون فریقین؛ بایسته های اعتقادی تشکیل امت اسلامی؛ مجاهدان متحد محبوبان خدا؛ روش های علمای شیعه و سنی در مبارزه با استحاله فرهنگی؛ ایمان ثابت و ایمان عاریتی؛ دوستی با مومنان و دشمنی با دشمنان در قرآن کریم؛ زندگی عزت مندانه در روایات فریقین؛ و

امام حسن عسکری علیه السلام در منابع اهل سنت.

برای مشاهده و دریافت فصلنامه تبلیغ و تقریب به نشانی: <http://jpp.dte.ir> مراجعه شود.

● ره‌توشه پیوستی؛ در کنار سه فصلنامه فوق، "ره‌توشه پیوستی" قرار دارد. این ره‌توشه شامل مجموعه‌ای از مقالات مهم و مناسبی است که در سال‌های گذشته در فصلنامه ره‌توشه به چاپ رسیده و همچنان قابل استفاده است. ره‌توشه پیوستی در پایگاه خبری بلاغ به نشانی <https://www.balagh.ir> در دسترس است.

انتظار می‌رود مبلغان گرامی با مطالعه و استفاده از مطالب این فصلنامه‌ها، ما را از پیشنهادات و انتقادات سازنده و تجربیات ارزشمند خود بهره‌مند سازند. در پایان لازم می‌دانم از نویسندگان فرهیخته و همه کسانی که در تولید و عرضه این مجموعه ارزشمند تلاش کردند، به ویژه حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی آزادیان رئیس محترم گروه تولید محتوای فرهنگی و تبلیغی و همکاران گرامی ایشان صمیمانه تقدیر و تشکر و موفقیت و خوشبختی آنان را از خداوند متعال مسئلت نمایم.

سعید روستا آزاد

معاون فرهنگی و تبلیغی

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

راهکارهای خانواده در مقابله با استحاله فرهنگی و نفوذ دشمن

دکتر علی کاظمی*

اشاره

فرهنگ به عنوان بنیان محوری جوامع، زیربنای نظام‌های فکری، سیاسی و اقتصادی آن را می‌سازد. از این رو تعالی و پیشرفت یک ملت تنها از مسیر تحول و بازسازی فرهنگی امکان‌پذیر می‌باشد. چنانکه رهبران انقلاب اسلامی تبیین کرده‌اند: «راه اصلاح یک مملکتی فرهنگی آن مملکت است... اگر فرهنگ درست بشود، یک مملکت اصلاح می‌شود».^۱ همچنین «فرهنگ مایه اصلی هویت ملت‌هاست. فرهنگ یک ملت است که می‌تواند آن ملت را پیشرفته، عزیز، توانا، عالم، فناور، نوآور و دارای آبروی جهانی کند...».^۲

دشمنان جهت تضعیف قدرت ایران به دنبال استحاله ارزش‌ها و باورهای فرهنگی - مذهبی هستند. طبق مستندات تاریخی، کشورهای استکباری برای دستیابی به اهداف استعماری خود در خاورمیانه همواره در تلاش برای نفوذ به ایران بوده‌اند. «نفوذ هوشمند و روشمند، سیطره بر نخبگان، تفرقه افکنی دینی، تفرقه افکنی ملی، مهندسی ترجیحات، تغییر باورها و پنداره‌ها (پورش‌های شناختی)، محدودسازی کنشگری و تغییر رفتار جمعی از جمله استراتژی‌های نفوذ فرهنگی انگلیس بوده است».^۳ رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام درباره این نفوذ فرهنگی می‌فرمایند: «دشمن از راه اشاعه فرهنگ غلط (فرهنگ فساد و فحشا) سعی می‌کند جوان‌های ما را از ما

* دکترای مدیریت استراتژیک گرایش خط مشی گذاری.

۱. روح‌الله خمینی، صحیفه امام، ج ۱، ص ۳۹۰.

۲. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3232>

۳. هادی تاجیک، «استراتژی انگلیس در نفوذ فرهنگی به جمهوری اسلامی ایران و ارائه راهکارهای مقابله با آن»، نشریه بحران‌پژوهی جهان اسلام، ص ۱۹.

بگیرد. کاری که دشمن از لحاظ فرهنگی می‌کند یک تهاجم فرهنگی بلکه باید گفت یک شیخون فرهنگی و یک قتل عام و غارت فرهنگی است.^۱ صیانت از هویت، مذهب، فرهنگ و تمدن کشور وظیفه‌ای است که خانواده، به‌عنوان نخستین مرجع انتقال ارزش‌ها و باورها به نسل آینده، بر عهده دارد. بنابراین باید با تقویت بنیان‌های فرهنگی و مذهبی، از نفوذ بیگانگان و تاثیرات منفی آن بر فرهنگ ایرانی-اسلامی پیشگیری کند. در این نوشتار به راهکارهایی پرداخته می‌شود که والدین می‌توانند برای مقابله با استحاله فرهنگی و نفوذ دشمن به کار گیرند.

تعریف برخی واژه‌ها

قبل از بیان راهکارها توجه به تعریف دو واژه مورد استفاده در این نوشتار، حائز اهمیت است: فرهنگ: مفهومی گسترده و پیچیده است که شامل آداب، اندیشه‌ها، شیوه‌های زندگی، دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات و هر گونه توانایی و عادت است که انسان به‌عنوان عضوی از جامعه به دست می‌آورد.^۲

استحاله فرهنگی: بر اساس تعریف مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، استحاله فرهنگی، تلاش دشمنان یک ملت برای گرفتن اعتقادات، فرهنگ، آداب و ارزش‌های مردم آن جامعه است. دشمن تلاش می‌کند تا به شیوه‌های گوناگون، فرهنگ آنان را مورد هجوم قرار داده، و فرهنگ آن ملت را نابود نماید.^۳

ملتی را رفت چون آئین ز دست
مثل خاک اجزای او از هم شکست^۴

راهکارهای خانواده در مقابله با استحاله فرهنگی و نفوذ دشمن

برای مقابله با نفوذ و استحاله فرهنگی دشمن، والدین می‌توانند از راهکارهای مختلفی استفاده کنند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) تقویت اعتقادات

یکی از شیوه‌های استحاله فرهنگی، تضعیف اعتقادات جوانان است. از این‌رو خانواده‌ها برای

1. <https://farsi.khamenei.ir/keyword-print?id=1010>

۲. داریوش آشوری، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، ص ۷۵.

3. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/100703>

۴. اقبال لاهوری، رموز بیخودی، بخش ۱۷.

مقابله با هجوم فرهنگ‌های بیگانه باید ایمان به اصول دینی مانند توحید، معاد و نبوت را در ذهن و قلب فرزندان نهادینه کند. باورهای دینی نه تنها موجب ایستادگی در برابر باورهای فرهنگ بیگانه می‌شوند، بلکه به عنوان راهنمایی برای زندگی، از انحراف جوانان جلوگیری کرده و آنها را قادر می‌سازد تا هویت دینی خود را حفظ کرده و از آموزه‌های خود در برابر دشمنان و بیگانگان دفاع کنند. به عبارتی باورهای دینی موجب هدایت افراد می‌شود، همانطور که در قرآن آمده است: «يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ»^۱ پروردگارشان به سبب ایمانشان هدایتشان می‌کند.

والدین می‌توانند برای شیوه‌های آموزش، از روش‌های تربیتی قرآن کریم بهره ببرند. برای مثال با جوانان به روش نیکو و نرم سخن بگویند نه با خشونت و درشتی! و یا اینکه زیبایی‌های دین اسلام را برای آنها تبیین کرد؛ زیرا همانطور که زینت‌های ظاهری، سبب کشش انسان به آنها می‌شود، امور معنوی نیز با زینت مخصوص خود، سبب تمایل به سوی آنها می‌شود. همچنین باید راهکارهایی که با فطرت کمال جویی و خداشناسی هماهنگ است، انتخاب کرد برای نمونه می‌توان از احتجاجات ابراهیم علیه السلام که در جهت بیدارسازی فطرت خداشناسی بوده، الگو گرفت و برای رسیدن به اهداف تبلیغی، از بیان رسا و روشن استفاده کرد و متناسب با شرایط مکلف و البته در چارچوب دستورات دینی، انعطاف‌پذیری لازم را داشت.^۲

ای وای که این خرمن سوزان بسر آید
وین راه سراسر گنه و شور و پریشان بسر آید
یاران! همه هستی ما نیست پیشیزی
ای کاش که این عمر به ایمان بسر آید

ب) تقویت هویت دینی و ملی

دشمن جهت آسیب‌پذیری نسل نوجوان و جوان با جوسازی و ایجاد تردید نسبت به هویت دینی و ملی، آنها را دچار تضادهای اطلاعاتی می‌کند. از این‌رو نوجوانان پیوسته در نظام‌سازی فرهنگی جهانی در معرض اطلاعات جدید درباره ادیان و ملل مختلف قرار می‌گیرند و این رویارویی منجر به مقایسه و بررسی ارزش‌ها و باورها با القائنات بیگانگان می‌شود.

تقویت هویت دینی و ملی می‌تواند در قالب‌های زیر صورت گیرد:

۱. یونس: ۹.

۲. علیجان کریمی، «راهکارهای تقویت باورهای دینی در جامعه از منظر قرآن»، مجله افق تبلیغ، دوره ۱، شماره ۳،

دی ۱۴۰۰، صص ۳۷-۲۳۸.

۱. بیان معارف دینی

یکی از روش‌های هوشمند در برابر استحاله فرهنگی و تقویت هویت دینی و ملی، بیان معارف بلند اسلام است، «چنانچه معارف الهی، به گونه‌ای صحیح و مبتنی بر منطق و منابع معتبر روایت شود، فرزندان ما دچار سردرگمی در انتخاب معارف نمی‌شوند»؛^۱ زیرا آموزه‌های اسلامی، غنی‌ترین و قوی‌ترین فرهنگ نسبت به دیگر فرهنگ‌ها هستند. امام صادق علیه السلام به ضرورت آموزش معارف دینی به فرزندان تاکید دارند و سفارش می‌فرمایند قبل از آنکه گروه‌های انحرافی به تسخیر سنگرهای عقیدتی فرزندان شما پردازند، آنها را با احادیث اهل بیت علیهم السلام آشنا کنید: «بَادِرُوا أَحْدَاثِكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُزَجَّغَةُ»؛^۲ احادیث اسلامی را به نوجوانان خود بیاموزید، پیش از آن‌که مخالفان گمراه بر شما پیشی گیرند». از این رو والدین باید نقش تأثیرگذار خود را ایفا کنند. خانواده‌های واجد هویت ملی و دینی منسجم، به فرزندان خود اجازه بیان تضادهای دریافتی و اطلاعاتی خود را می‌دهند و فضایی آزاد برای تعامل و گفتگو ایجاد می‌کنند تا فرزند ابهامات ایجاد شده در رابطه با مفاهیم ملی و مذهبی را بازگو نماید. پس از آن والدین باید با بهره از استدلال و منطق به رفع ابهامات فرزندان می‌پردازند؛ در این میان هرگونه فرافکنی و یا طفره روی از سوی والدین «در هم ریختگی عقیدتی نوجوان را در بر خواهد داشت، زیرا عدم تحکیم ارزش‌های پایدار و مثبت در میان والدین و فرهنگ، همچنین رویارویی با ایدئولوژی نامنسجم و غیرقابل اعتماد نوجوان را دچار سردرگمی می‌کند».^۳

۲. بصیرت افزایی

یکی از راهکارهای حفظ هویت دینی - ملی، تقویت بینش دینی و آگاهی سیاسی در جامعه است که نقش مهمی در توانمندسازی افراد برای مقابله با توطئه‌های دشمنان و ایستادگی در برابر نفوذ فرهنگی بیگانگان دارد. در این مسیر، کسب آگاهی نسبت به حقایق اسلام، وقایع تاریخی و مسائل روز کشور وظیفه‌ای است که بر عهده تمام اقشار جامعه قرار دارد. والدین، به عنوان اولین

۱. رضا جعفری هرنندی و مرضیه ملکپها، «تعیین نقش انسجام و جهت‌گیری ارتباطی خانواده در هویت ایرانی -

اسلامی نوجوانان»، مطالعات ملی، دوره ۲۵، شماره ۹۹.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۷.

۳. به نقل از اریکسون: بررسی تاثیر نقش خانواده در حفظ هویت ملی و دینی جوانان، ص ۱۱.

مربیان فرزندان، مسئولیت مهمی در انتقال آموزه‌های دینی و ملی، بصیرت افزایی و نیز تقویت قدرت تفکر انتقادی نسبت به القانات فرهنگ بیگانه را بر عهده دارند.

مقام معظم رهبری علیه السلام می‌فرمایند: «... آنچه وظیفه همه ملت اسلام و همه امت اسلام است، مبارزه برای روشنگری است، که در درجه نخست هم علما مسئول‌اند هم روشنفکران، هم تحصیل کرده‌ها، و هم همه کسانی که منبری دارند، میز خطابه دارند؛ همه مسئول‌اند که روشنگری کنند و حقایق دنیای اسلام را برای مردمی که نمی‌دانند بیان کنند؛ این روشنگری جهاد است.»^۱ بنابراین والدین برای تعمیق باورها و سنت‌های دیرین در اعتقادات فرزندان خود باید با کمک افراد موثر فامیل و جامعه به تبیین ارزش‌های تمدن ایرانی - اسلامی بپردازند.

ارزش انسان ز علم و معرفت پیدا شود بی‌هنر گر دعوی بی‌جا کند رسوا شود
در مسیر زندگی هرگز نمی‌افتد به چاه با چراغ دین و دانش گر بشر بی‌نا شود

۳) شبکه‌سازی ارتباطات خانوادگی

والدین می‌توانند با ایجاد ارتباط و پیوند مؤثر میان فرزند و گروه‌های قابل اعتماد موجب رشد و توسعه هویت دینی و ملی او شوند. «عضویت فرزند در گروه‌های اجتماعی موجب پابندی به هنجارها، ارزش‌ها و عقاید خاص خود و منحرف نشدن از آن‌ها می‌شود. افراد به منظور محافظت از خود در مقابل طرد شدن از سوی گروه گرایش زیادی به انعطاف نسبت به عقاید متفاوت و جدید نشان نخواهند داد».^۲ از این رو خانواده می‌توانند فرزند را به عضویت در فضای روحی و معنوی مساجد، کانونهای پرورش فرهنگی و هنری، فرهنگسراها و... ترغیب کنند. حتی جمعی از افراد فامیل می‌توانند با مشارکت یکدیگر، کانون‌های قابل اعتماد ایجاد کرده و زمینه‌ساز حفظ و توسعه ارزش‌های فرهنگی شوند. عملکرد «کانون محبین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله» یکی از برترین الگوهای کشور در زمینه این تجربه‌هاست. «بنیان‌گذار این کانون شهید مصطفی محمودی بوده که پس از گذشت سال‌ها از شهادت ایشان، آقای بحرینی و دیگر اعضای فامیل چراغ آن را روشن نگاه داشته‌اند. آن‌ها برای نهادینه کردن هویت اسلامی از خانواده خود شروع

1. <https://farsi.khamenei.ir/video-content?id=37597>

۲. حکمت‌پور و صالحی‌امیری، بررسی رابطه بین ارزش‌های فرهنگی جامعه و گرایش‌های تفکر انتقادی دانشجویان با واسطه‌گری ابعاد الگوهای ارتباطات خانواده و استادان، ص ۲۶.

کرده‌اند. این کانون از دختران و پسران متربی گرفته تا مربیان و سایر ناظرین همگی از اعضای یک خانواده هستند. در این کانون ضمن نهادینه کردن هویت اسلامی و آشنایی با سبک زندگی اسلامی (آموزش آداب خواب، آداب سفره، برخورد اجتماعی به صورت روزانه) به توانمندسازی علمی، ورزشی، هنری ویژه اعضای آن پرداخته شده است. برخی از کلاس‌های این کانون در طول سال عبارت است از: قرآن، بازی‌های فکری، خداشناسی، حدیث، احکام، خوش‌نویسی، انواع کلاس ورزش، داستان‌نویسی، طراحی، نویسندگی، آشپزی، چرم‌سازی و برنامه‌های کتاب‌خوانی و...»^۱.

همچنین در این کانون، برای تمامی گروه‌های سنی از خردسال تا پیرزنان و پیرمردان، کلاس‌ها و مسابقات مختلف و همچنین مراسم‌های دوره‌ای مذهبی و ملی برنامه‌ریزی شده است.

ج) ایجاد تفکر انتقادی برای فرزندان

تفکر انتقادی یکی از مهم‌ترین اصول آموزش در هر کشور به ویژه در برابر نفوذ دشمنان است و جوامع برای رشد و شکوفایی نیاز به افراد واجد تفکر انتقادی بالا دارند^۲. حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام در تأکید بر نقد می‌فرماید: «خُذُوا الْحَقَّ مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ وَلَا تَأْخُذُوا الْبَاطِلَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ كُونُوا نَقَادَ الْكَلَامِ»^۳ حق را از اهل باطل فراگیرید و باطل را از اهل حق فرانگیرید. نقدکننده سخن باشید».

پایه‌گذاری تفکر انتقادی از دوران کودکی باعث ایجاد انگیزه و عادت‌های مثبت برای بهره‌ای از این مهارت در بزرگسالی می‌شود. این نوع تفکر با تأکید بر استقلال کودکان، آن‌ها را برای زندگی آینده، به ویژه در دوران تحولات تکنولوژیک، آماده می‌کند. بنابراین، والدین باید با زبان ساده و کودکانه تفکر انتقادی را به فرزندان خود آموزش دهند. همان‌گونه که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَّصَبْ لَهُ؛ أَنْ كَسَّ كَسَّ نَزْدًا وَ كَسَّ نَزْدًا كَسَّ نَزْدًا» (در پرورش وی) کودکانه رفتار نماید.^۴

۱. سارا اسماعیلی، «انقلاب فرهنگی در یک فامیل»، پیام زن، شماره ۳۱۷، ص ۱۰.

۲. زندی، اسرین و همکاران، اثربخشی آموزش تفکر انتقادی بر اساس دیدگاه جان لنگر، ص ۱۷۹.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۹۷.

۴. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۱۲۶.

همچنین می‌توان از بازی به عنوان ابزاری برای جذب کودک و آموزش استفاده نمود و در جریان بازی مسائل مرتبط با تهاجم فرهنگی را با زبان نرم و مناسب برای سن کودک تبیین کرد، برای نمونه می‌توان تأثیرات شخصیت‌های ساختگی آسیب‌رسان و شخصیت‌های رشد‌دهنده در قالب بازی یا داستان، بر ذهن و فرهنگ کودک را، آموزش داد و تبیین کرد.

یادگیری مشارکتی از طریق ارزیابی ایده‌های جمعی باعث تقویت تفکر انتقادی در کودکان می‌شود و آنها می‌آموزند در تصمیم‌گیری به همفکری با یکدیگر و ارائه قضاوت‌های منطقی اهمیت دهند. این روش، عادت به تأمل و تعمق روی مسائل را در فرزندان نهادینه می‌نماید. در این صورت فرزندان در بزرگسالی شنیده‌ها، دیده‌ها و اندیشه‌ها را بدون ارزشیابی و استدلال نخواهند پذیرفت. هرچند ارزشیابی برای نوجوانان از طریق راهکارهایی مانند «خودداری از استدلال از روی هیجان، دلیل آوردن به طور استقرایی در برابر مسائل، پرهیز از قضاوت‌های ناگهانی و توانایی درک مسائل پیرامون و پرهیز از قضاوت‌های باتعصب و لجبازی»^۱ قابل آموزش است:

خودداری از استدلال بر اساس هیجان: وقتی فرزند در معرض تبلیغات جذاب ماهواره‌ای یا فضای مجازی قرار می‌گیرد که فرهنگ برهنگی یا مصرف مشروبات الکلی را ترویج می‌کنند، ممکن است از روی هیجان و بدون تفکر انتقادی پیام تبلیغاتی را که با ترفندهای رسانه‌ای آراسته شده، بپذیرد. والدین می‌توانند با ایجاد تجربه‌های تمرینی و طرح پرسش‌های واگرا به فرزند کمک کنند تا از فرآیند پذیرش پیام توسط بخش هیجانی مغزش آگاه شود. برای نمونه، می‌توانند پرسند: «با دیدن این محتوا چه احساساتی را تجربه کردی؟ به نظرت هیجانات تحت تأثیر محتوا قرار گرفت یا منطقت؟ این تصاویر و رفتارهای موجود در محتوا در تلاش بودند چه پیامی را منتقل کنند؟»

ز آفرنگی صنم بیگانه تر شو که پیمانش نمی‌ارزد به یک جو^۲

دلیل آوردن به طور استقرایی در برابر مسائل: والدین باید مابین دریافت پیام و پذیرش آن شکافی در ذهن فرزند ایجاد کنند، شکافی که تنها با دلایل و شواهد منطقی پر شود. در این

۱. تأثیر برنامه‌های آموزش خانواده بر تقویت تفکر انتقادی دانش‌آموزان دوره ابتدایی شهر تهران، ص ۱۶.

۲. اقبال لاهوری، ارمنان حجاز، بخش ۱۶۰.

صورت تمایل به اندیشیدن در فرد براساس شواهد قابل استناد و روحیه جستجوگری افزایش می‌یابد، مثلا والدین در زمینه ترویج برندهای پوشاک غربی می‌توانند پرسند: به نظرت این همه تبلیغ برند پوشاک‌های غربی اهداف خاصی دارد؟ هیچ کدام از برندهای ایرانی باکیفیت تر نیستند؟ به نظرت سرازیر شدن این برندها در کشورهای دیگر باعث بیکاری و ترویج فرهنگ غربی نمی‌شود؟

توانایی درک مسائل پیرامون: از فرزند بخواهند تناسب فرهنگ القایی بیگانه را با ارزش‌ها و آداب زندگی ایرانی اسلامی بررسی کنند، مثلا از او پرسند: گسترش فرهنگ عدم تعهد غربی در جامعه چه تاثیری در رشد زندگی ما دارد؟ آیا دلت می‌خواهد دوستان، شریک آینده زندگی و خانواده ات نسبت به اهداف و احساس تو تعهد نداشته باشند؟

پرهیز از قضاوت براساس تعصب و لجبازی: والدین باید فرزندان را تشویق کنند تا بدون تعصب، لجبازی یا رفتار تلافی‌جویانه نسبت به خانواده، دوستان و جامعه، درباره پذیرش مولفه‌های فرهنگی بیگانه تفکر کنند. مثلا درباره نگهداری حیوانات خانگی (سگ، میمون و...) می‌توانند پرسند و از آثار و تبعات آن بر جسم و روان فرد و حوزه ارتباطی فرد با دیگران در زمان حال و آینده زندگی!

د) روش‌های مدیریت هوشمند رسانه

رسانه‌ها به عنوان ابزارهای ایدئولوژی‌ساز، انتقال‌دهنده فرهنگ، جهت‌دهنده افکار عمومی و جریان‌ساز شناخته می‌شوند. بر مبنای همین قابلیت‌ها، رسانه‌ها به یکی از مهم‌ترین راه‌های نفوذ دشمن تبدیل شده‌اند که به‌طور تدریجی و ناخودآگاه، با ایجاد تغییرات در ارزش‌ها و باورها، جامعه را به سمت استحاله فرهنگی سوق می‌دهند. بازی‌های رایانه‌ای یکی از استراتژی‌های رسانه‌ای نفوذ دشمن در رده کودکان و نوجوانان است. «بازی‌ها علاوه بر انتقال باورهای فرهنگی و اجتماعی با بازنمایی اسطوره‌ها، تاریخ، شخصیت‌ها، آرمان‌ها و حتی راهبردهای آینده‌پژوهانه دولت‌های متبوع می‌توانند به افکار عمومی مخاطبان جهت، و زیربنای ساختار امنیتی جامعه را مورد حمله قرار می‌دهد. برای نمونه بازنمایی‌های رسانه‌ای غرب در بازی «ندای وظیفه: جنگ مدرن» در راستای معرفی جبهه مقاومت به عنوان قدرت منطقه‌ای تروریستی مسلح به سلاح‌های هسته‌ای است و بازی «آیین قاتل» نیز باهدف تخریب فرهنگ تشیع و اسلام انقلابی،

آن را به مثابه یک اسطوره تاریخی الهام بخش جریان‌های تکفیری نشان می‌دهد.^۱ مطابق آمارهای منتشر شده دیتاک مجموع بازدید یا ایمپرشن ایرانی‌ها از کل شبکه‌های اجتماعی در طی یک سال به چهار و نیم هزار میلیارد بازدید محتوا رسید و می‌توان گفت هر کاربر ایرانی روزانه ۲۲۰ محتوا در پلتفرم‌ها می‌بیند.^۲ همچنین هر ایرانی روزانه ۲۶۷ محتوا را نگاه کرده و باز نشر داده و ۳/۵ ساعت از وقت خود را در فضای مجازی می‌گذراند.^۳ با توجه به میزان نفوذ رسانه در زندگی افراد، تنها با مدیریت مصرف می‌توان از آسیب‌های آن پیشگیری کرد، در این راستا والدین با آموزش مصرف هوشمند می‌توانند به فرزندان در مقابله با تهاجم رسانه ای کمک کنند. برخی از راهکارها عبارتند از:

(۱) شناخت ترفندهای روانشناسی در رسانه‌ها

یکی از مهم‌ترین ترفندهای رسانه‌ای دشمنان استفاده از فن‌های جنگ روانی است، مثلاً امروزه با توجه به تحولات منطقه خاورمیانه، رسانه‌های معاند در قالب فیلم، کلیپ‌های تحلیلی و تبلیغاتی گاه با ارائه اطلاعات مغرضانه و تبلیغات استحاله کننده به القای ترس، ناامیدی، اضطراب و نگرانی در جامعه می‌پردازند. گاه با انتشار اخبار دروغین و شایعات به دنبال تضعیف هویت ملی و اعتماد عمومی هستند. والدین در این مواقع بحرانی باید سعی کنند با تقویت کنترل هیجانی، تاب آوری، آموزش مهارت‌های مقابله با استرس و گفت‌وگوهای حمایتگر ابتدا به کاهش اضطراب فرزندان کمک کنند سپس با تشکیل جلسات تفکر و نقد، محتواهای رسانه‌ای را تحلیل کنند. برای مثال، با بهره از شک‌گرایی فعال به نوجوانان پیام‌ها را به جای پذیرش پیام از روی احساس، هیجان و بدون تفکر، ابتدا به جستجوی منبع محتوا بپردازند. همین مراجعه به خوبی نشان می‌دهد پیام از سوی رسانه معاند و برای چه هدفی ارسال شده است. به عبارت دیگر باید گستره بررسی و تجزیه تحلیل را نسبت به مسائل افزایش دهند. همان‌گونه که حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «استدِلَّ عَلَيَّ مَا لَمْ يَكُنْ بِمَا قَدْ كَانَ؛ فَإِنَّ الْأُمُورَ أَشْبَاهُ؛^۴ برای امور واقع نشده

۱. احسان کیانی، نفوذ فرهنگی علیه امنیت نرم جمهوری اسلامی ایران مطالعه موردی: بازنمایی جبهه مقاومت در بازی‌های رایانه‌ای «جنگ مدرن» و «آیین قاتل»، فصلنامه آفاق امنیت، ۱۰(۳۵)، صص ۱۵۷-۱۸۴.

2. isna.ir/xdRz2C

3. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1403/08/03/3185145/>

۴. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، نامه ۳۱.

از آنچه واقع شده استدلال کن، زیرا کارهای جهان همانند یکدیگر است». این بدان معناست که تفکر انتقادی ما را وامی دارد تا با بررسی و تجزیه تحلیل دقیق منابع و داده‌های مختلف به نتیجه‌گیری جدید بر مبنای موارد مشابه پردازیم.^۱

۲) انتخاب آگاهانه محتوای رسانه‌ای

تأکید خانواده بر انتخاب آگاهانه و مسئولانه می‌تواند راهکار مناسبی برای افزایش مقاومت فرزندان در برابر استحاله فرهنگی دشمنان شود. در این راستا والدین برای افزایش تاب آوری فرزندان در برابر ترفندهای روانی رسانه‌های معاند می‌توانند از نظریه روانشناسی تئوری انتخاب استفاده کنند و بر اصول این نظریه به عنوان قوانین استفاده هوشمند از رسانه پیوسته تأکید کنند. اینکه هر آنچه از رسانه‌ها دریافت می‌کنند فقط اطلاعات است و مصرف رسانه‌ای نیز یک انتخاب است. رسانه‌ها ابزار شکل‌دهنده افکار هستند، باید انتخاب آگاهانه‌ای داشت تا از آسیب‌ها در امان بود و هر فرد نیز در برابر پیامدهای انتخاب‌های خود مسئول است. همان‌گونه که خداوند می‌فرماید: «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا»^۲ اگر خوبی کنید، به خودتان کرده‌اید و اگر بدی کنید باز هم به خود کرده‌اید).

کتابنامه

۱. تاجیک، هادی، استراتژی انگلیس در نفوذ فرهنگی در جمهوری اسلامی و ارائه راهکارهای مقابله با آن، نشریه بحران پژوهی جهان اسلام، سال دهم، شماره ۱ (پیاپی ۲۸، بهار ۱۴۰۲)، ص ۲۰.
۲. کورش‌نیا. م و لطیفیان. م (۱۳۹۱)، بررسی رابطه بین ارزش‌های فرهنگی جامعه و گرایش‌های تفکر انتقادی دانشجویان با واسطه‌گری ابعاد الگوهای ارتباطات خانواده و استادان، مجله مطالعات آموزش و یادگیری، ۳(۲)، ص ۱۰۳-۱۳۴.
۳. لیشی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، مصحح: حسنی بیرجندی، حسین، قم: دار الحدیث، اول، ۱۳۷۶ ش.
۴. محمودی، ایوب و همکاران (۱۳۹۰)، ویژگی‌ها و ثمرات تفکر انتقادی از دیدگاه امام علی علیه السلام، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت، دوره ۱۹، ش ۱۳.

۱. ایوب محمودی و همکاران، «ویژگی‌ها و ثمرات تفکر انتقادی از دیدگاه امام علی علیه السلام»، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت، شماره ۱۳، ص ۹.

۲. اسرا: ۷.

۵. اسماعیلی، سارا، انقلاب فرهنگی در یک فامیل، پیام زن، شماره ۳۱۷، ص ۱۰.
۶. آشوری، داریوش، تعریف‌ها و مفهومی فرهنگ، تهران: آگه، بی‌تا.
۷. آل‌کاشف‌الغطاء، محمدحسین، الفردوس الاعلی، بی‌جا: انوارالهدی، ۱۳۸۴.
۸. جعفری هرندی رضا، ملکیها مرضیه (۱۴۰۳)، تعیین نقش انسجام و جهت‌گیری ارتباطی خانواده در هویت ایرانی - اسلامی نوجوانان، مطالعات ملی، دوره ۲۵، شماره ۹۹ - صص ۶۳-۸۶.
۹. خمینی، روح‌الله، صحیفه امام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام، چهارم، ۱۳۸۶ ش.
۱۰. حکمت‌پور و صالحی امیری (۱۳۹۱)، بررسی تأثیر نقش خانواده در حفظ هویت ملی و دینی جوانان، مدیریت فرهنگی، ۱۸(۶)، صص ۴۹-۶۰.
۱۱. حنیفی، فریبا و همکاران (۱۳۹۱)، تأثیر برنامه های آموزش خانواده بر تقویت تفکر انتقادی دانش آموزان دوره ابتدایی شهر تهران، تحقیقات مدیریت آموزشی، ۴(۱)، صص ۳۹-۵۶.
۱۲. زندی، اسرین و همکاران (۱۴۰۰)، اثربخشی آموزش تفکر انتقادی بر اساس دیدگاه جان لنگر، پژوهش های نوین در مدیریت کارآفرینی و توسعه کسب و کار، ۸(۲)، صص ۱۷۷-۱۹۰.
۱۳. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، مصحح: صبحی صالح، قم: هجرت، اول، ۱۴۱۴ ق.
۱۴. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، مصحح: مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام، قم: مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام، اول، ۱۴۰۹ ق.
۱۵. کریمی، علیجان، «راهکارهای تقویت باورهای دینی در جامعه از منظر قرآن»، افق تبلیغ، دوره ۱، شماره ۳، دی ۱۴۰۰، صص ۲۵-۴۰.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الإسلامية، چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۱۷. کیانی، احسان (۲۰۱۸)، نفوذ فرهنگی علیه امنیت نرم جمهوری اسلامی مطالعه موردی: بازنمایی جبهه مقاومت در بازی های رایانه ای «جنگ مدرن» و «آیین قاتل»، فصلنامه آفاق امنیت، ۱۰(۳۵)، صص ۱۵۷-۱۸۴.
۱۸. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، مصحح: جمعی از محققان، بیروت: دار إحياء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ ق.

مدگرایی زنان در مردانه‌پوشی

سیده طاهره موسوی*

اشاره

لباس، نمایانگر ماهیت اجتماعی تفاوت‌های جنسیتی است و با نمایش آشکار تمایزهای پوشش مردانه و زنانه نقش مهمی در بازتاب هنجارها و ارزش‌های فرهنگی دارد.^۱ در این میان، مدگرایی با طراحی سبک‌های گوناگون پوشش، تأثیرات عمیقی بر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی برجای می‌گذارد. یکی از مصادیق بارز مدگرایی در دنیای معاصر، ترویج پوشش مردانه در میان زنان است؛ پدیده‌ای که طی آن بسیاری از دختران و زنان به پوشیدن لباس‌های مختص مردان روی می‌آورند. ریشه‌های این گرایش را می‌توان در تاریخ مد غرب جستجو کرد. در قرن‌های هجدهم و نوزدهم، زنانی که علیه قالب‌های سنتی زنانگی شورش می‌کردند، با انتقادات شدیدی مواجه می‌شدند. فمینیست‌های آن دوران، مد را ابزاری برای به دام انداختن زنان می‌دانستند و لباس‌های سنتی زنانه را به‌صراحت رد می‌کردند.^۲

در روایات اسلامی، پوشش نه‌تنها به‌عنوان نمادی از ارزش و کرامت انسانی معرفی شده، بلکه انتخاب لباس، به‌ویژه در تطابق با جنسیت، جایگاهی ویژه دارد. از منظر روایات، گرایش زنان به پوشش مردانه از نشانه‌های آخرالزمان یاد و سخت نکوهش شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «أَزْبَعَ لَعْنَتُهُمُ اللَّهُ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ... وَالْمَرْأَةُ تَتَشَبَّهُ بِالرِّجَالِ وَقَدْ خَلَقَهَا اللَّهُ أَنْثَى»^۳؛ چهار گروه‌اند که خداوند از بالای عرش خود آنان را لعنت کرده است... زنی که خود را شبیه

* دانشجوی دکتری مدیریت رسانه و دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآنی و حدیث در سلامت.

1. Construction of gender through fashion and dressing, P.112.

2. Fashion, desire and anxiety, p.8.

۳. حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۰۳.

مردان کند، در حالی که خداوند او را زن آفریده است. «
در این نوشتار به بررسی علل و پیامدهای مدگرایی در انتخاب پوشش مردانه توسط زنان پرداخته می‌شود.

الف) تعریف واژگانی

مدگرایی: به استقبال از طرز آرایش یا لباس پوشیدن یا آدابی که تازه باب شده،^۱ یا به تغییر سلیقه ناگهانی و مکرر همه یا گروهی از افراد یک جامعه اطلاق می‌شود و به رفتار متفاوت، مصرف کالای خاص و زندگی به سبکی جدید منجر می‌گردد.^۲

مردانه‌پوشی: گرایش به مردانه‌پوشی در زنان به‌عنوان نوعی مدگرایی، به انتخاب پوشش‌هایی اطلاق می‌شود که معمولاً مختص مردان است، مانند کت و شلوار، کراوات، پیراهن و شلوار مردانه، کفش‌های مردانه، کت‌های بزرگ و دیگر اقلام مردانه، بدون داشتن ویژگی‌های زنانه. این گرایش نشان‌دهنده تغییراتی در هویت اجتماعی و فرهنگی زنان است که به‌طور عمده از سبک‌های پوشش مردانه و متناسب با آناتومی بدن مردانه پیروی می‌کنند.

ب) مسئولیت‌های والدین و جامعه در زمینه پوشش

زنان، به‌عنوان نیمی از پیکره اجتماع و مهم‌ترین عامل انتقال ارزش‌ها در خانواده، از نقش مهمی در عرصه‌های اجتماعی برخوردارند؛ به‌گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد زن می‌تواند عامل سعادت یا شقاوت جامعه باشد. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «لَعْنَةُ اللَّهِ الرَّجُلَ يَلْبَسُ لِبْسَةَ الْمَرْأَةِ، وَالْمَرْأَةُ تَلْبَسُ لِبْسَةَ الرَّجُلِ؛^۳ لعنت خدا بر مردی که به طرز زنان لباس پوشد و بر زنی که به شکل مردان لباس پوشد.»

در روایات به تغییرات فرهنگی و اجتماعی، از جمله تقلید زنان از مردان در پوشش و رفتار، اشاره شده است. این پدیده به‌عنوان نمادی از فاصله گرفتن از هنجارهای دینی و سنتی و گسترش بی‌نظمی اجتماعی تعبیر می‌شود. همچنین والدین در این دوران، با غفلت از تربیت دینی

۱. دهخدا، واژه مد.

۲. شایان مهر، دایرة‌المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، ص ۱۲۶.

۳. علی بن حسام معروف به متقی هندی، کنز العمال، ح ۴۱۲۳۷.

فرزندان و توجه صرف به مسائل مادی، موجب انحراف نسل‌های آینده می‌شوند.

امر به معروف و نهی از منکر، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین وظایف اجتماعی، عاملی اساسی برای جلوگیری از سقوط اخلاقی جامعه است. بر این اساس خانواده می‌تواند از طریق تربیت صحیح و نظارت بر رفتارها، از انحرافات جلوگیری کند. باین‌حال، در دوران آخرالزمان، مطابق فرمایش پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، بی‌توجهی والدین به فرزندان، زمینه‌ساز بروز انحرافات می‌شود. در روایتی آمده است: روزی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از کوچه‌ای می‌گذشتند. نگاه مبارکشان به گروهی از کودکان افتاد که در حال بازی بودند. پیامبر در همان حال فرمودند: «وای بر احوال فرزندان آخرالزمان از دست پدرانشان!». اصحابی که حضور داشتند از پیامبر سوال کردند: یا رسول‌الله پدرانشان مشرک اند؟ پیامبر اسلام فرمودند: «نه بلکه پدران مؤمن و مسلمان دارند.» اصحاب پرسیدند پس علت تأسف شما چیست؟ پیامبر فرمودند: «پدران و مادران آخرالزمان بیشتر توجه خود را صرف برآوردن نیازهای مادی فرزندان خود نموده و از تربیت دینی آن‌ها غافلند. برخی از آنها چیزی از واجبات و فرائض را به فرزندان نمی‌آموزند و اگر فرزندی شخصاً برای یادگرفتن احکام اقدام نمود او را از این کار باز می‌دارند و به بهره‌بسیار اندکی از دنیا برای آنها راضی می‌شوند.» آنگاه پیامبر فرمودند: «من از آن‌ها بیزارم و آن‌ها نیز از من بیزارند.»^۱ پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خطاب به والدین می‌فرمایند: «چه حالی خواهید داشت آنگاه که زنانتان فاسد شوند و جوانانتان نابکار شوند و شما امر به معروف و نهی از منکر نکنید؟ چه حالی خواهید داشت آن‌گاه که به زشت کاری فرمان رانید و از خوبیها باز دارید؟ چه حالی خواهید داشت آن‌گاه که خوب را زشت شمرد و زشت را نیکو؟»^۲

(د) گرایش زنان به مردانه‌پوشی

زنانی که گرایش به پوشش‌های مردانه پیدا می‌کنند، معمولاً این تغییر را از تجلیات روانی خود نشان می‌دهند، یعنی اینکه از نشانه‌های این تغییر در نوع پوشش و لباسی است که انتخاب می‌کند. در دنیای آخرالزمان، مرزهایی که تفکیک‌کننده زن و مرد، عمدتاً محو شده و نوعی اختلاط فرهنگی و تغییرات در ابعاد مختلف زندگی، از جمله در پوشش، بین زن و مرد مشاهده

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۱۱۴.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۹.

می‌شود.^۱ این گرایش‌ها نه تنها ناشی از عوامل فردی، بلکه به تأثیرات اجتماعی، فرهنگی و رسانه‌ای است که در ادامه تبیین می‌شود:

۱. تبلیغات رسانه‌ای

تبلیغات رسانه‌ای به‌عنوان ابزاری مؤثر در انتقال الگوهای فرهنگی غربی، نقش مهمی در گسترش مد مردانه در میان جامعه زنان ایفا می‌کند. مدهای مردانه از طریق کمپانی‌های مد و شبکه‌های اجتماعی به سرعت در بین کاربران منتشر می‌شوند و توسط اینفلوئنسرها و بلاگرها به‌طور مداوم در گروه‌ها و میان افراد مختلف بازنشر می‌شوند. پس از آن، پوشش مردانه توسط کاربران عادی برای پیروی از این الگوها به کار گرفته می‌شود. در این روند، سبک پوشش ترویجی به‌عنوان ضرورتی برای پیوند با دنیای جهانی یا نمادی از هویت مدرن و پرستیژ جهانی معرفی می‌شود. در حالی که سیطره جهانی به دنبال محورهای جنسیتی با معرفی مدل‌های منحصر به فرد و الگویی جهانی برای زنان جوان است، در بسیاری از فیلم‌های شبکه خانگی ایرانی نیز به‌منظور جلب توجه بیشتر مخاطبان، زنان با پوشش‌هایی نظیر کت و شلوار، جلیقه، پیراهن و کاپشن مردانه به نمایش درمی‌آیند. حتی برخی از برندها و بازیگران زن ایرانی، تیپ کت و شلوار و کراوات مردانه را به‌عنوان سبک‌های لباس تفریحی، کاری و حتی عروسی تبلیغ می‌کنند. در این میان، باید توجه داشت که مسلمانان نباید در لباس، کفش، کلاه، انگشتر، گردن‌بند و سایر پوشیدنی‌ها خود را شبیه کافران سازند؛ به‌ویژه در مورد پوشیدن کراوات، پاپیون و لباس‌هایی که مدل‌ها و تصاویری مخصوص به کفار دارند و به‌عنوان شعار و مروج فرهنگ ایشان شناخته می‌شوند. در روایات، تشبیه به کفار در خصوص پوشش نهی شده است.^۲ امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند عزوجل، به پیامبری از پیامبرانش وحی نمود: به مؤمنان بگو! پوشش دشمنان من را نپوشند، از خوردنی‌های ایشان نخورند و راه‌های آنان را نپیمایند، که در این صورت، بسان دشمنان من خواهند بود.»^۳ از سویی تلاش‌هایی برای تعریف استانداردهای جدید پوشش زنانه

۱. مهدی نیلی، «آسیب شناسی آخرالزمان»، موعود، ص ۱۵.

۲. ویژگی‌های لباس و حجاب از نظر اسلام، سایت تبیان، موجود در:
<https://article.tebyan.net/UserArticle/AmpShow/934903>

۳. محمد بن علی بن بابویه قمی، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۵۲.

در بازی‌های رایانه‌ای صورت گرفته است، به طوری که زنان قهرمان اغلب با پوشش‌هایی مردانه به تصویر کشیده می‌شوند تا قدرتمندتر به نظر برسند. در جامعه امروز، پوشش مردانه به ابزاری برای جلب توجه برخی بازیگران زن ایرانی تبدیل شده است. در مقابل، بررسی پوشش سلبریتی‌های جهانی، به‌ویژه در جشنواره‌های بین‌المللی، نشان‌دهنده استفاده گسترده از لباس‌های زنانه است. بازیگران هالیوودی و بالیوودی به انتخاب پوشش‌های زنانه و فاخر در مراسم رسمی ادامه می‌دهند و در هند، برخی بازیگران با حفظ اصالت لباس‌های سنتی خود، هویت فرهنگی و ملی‌شان را به نمایش می‌گذارند.

۲. فشارهای اجتماعی

فشارهای اجتماعی می‌توانند نقش مهمی در شکل‌گیری تمایل به مردانه‌پوشی ایفا کنند. این تمایل به‌ویژه در جوامع در حال توسعه که در حال گذار از ساختارهای سنتی به مدرن هستند، بیشتر مشهود است. به‌عنوان نمونه، بسیاری از زنان و دختران در فضاهای غیررسمی با تیپ‌های اسپورت پسرانه و در فضاهای رسمی با کت‌وشلوارهایی مشابه مردانه یا حتی با کلاه پسرانه و هودی ظاهر می‌شوند. مردانه‌پوشی به‌طور فراگیر به‌عنوان یک استاندارد در محیط‌های کاری، گروه‌های همسالان و مراسم‌های مختلف شکل گرفته است. در چنین شرایطی، افراد برای جلب مقبولیت اجتماعی، تأیید در گروه‌های اجتماعی و اجتناب از برچسب‌های ارتجاعی و عقب‌ماندگی، خود را ملزم به رعایت این استانداردها می‌دانند تا به نظر اکثریت جامعه همگن بیایند. این اکثریت، پوشش مردانه را نمادی از روشنفکری اجتماعی، به‌روز بودن و پیشگامی در جامعه می‌داند. این لباس‌ها به‌طور ناخودآگاه به‌عنوان کدی برای نمایش هویت و اعلام تعلق به گروه خاصی استفاده می‌شوند؛ کدهایی که نشان‌دهنده جنسیت و جنبه‌های اجتماعی و جنسی افراد هستند.»^۱

۳. خودابرازی

در جهان امروز، لباس به‌عنوان رسانه‌ای قدرتمند و ابزاری برای بیان هویت شناخته می‌شود. از این‌رو، زنان و دختران برای بیشتر دیده‌شدن و متمایز شدن، به پوشش‌های مردانه روی می‌آورند.

1. Construction of gender through fashion and dressing, P.114.

حال آنکه امام صادق علیه السلام در نکوهش این انتخاب می فرماید: «كَفَى بِالْمَرْءِ خُرْيَاءً أَنْ يَلْبَسَ ثَوْبًا يَشْهَرُهُ؛^۱ برای انسان از نشانه‌های خفت و خواری همین بس که لباسی بپوشد که به آن مشهور شود.» همچنین امام حسین علیه السلام فرمودند: «هرکس لباس شهرت - و انگشت نما از هر جهت - بپوشد، خداوند او را در روز قیامت لباسی از آتش می پوشاند.»^۲

با نگاهی در شبکه‌های اجتماعی، زنانی با پوشش مردانه و ناهنجار خود را نمادی از شجاعت و نوآوری معرفی می کنند و تلاش دارند ظاهری منحصر به فرد از خود ارائه دهند. تحسین و بازخوردهای مثبت دیگران، این رفتارها را تقویت کرده و پوشش به ابزاری برای انتقال پیام متفاوت بودن تبدیل می شود. دنیای امروز که موفقیت را با خاص بودن و تعداد واکنش‌ها تعریف می کند، به این رفتارها دامن می زند؛ چه در فضای مجازی از طریق لایک‌ها و اشتراک‌گذاری‌ها و چه در فضای واقعی از طریق جلب توجه و تعجب افراد. هرچند این نوع موفقیت سطحی و کاذب است، اما افراد را به سمت ارائه ظاهری اغراق‌آمیز، ناهنجار و افراطی تر سوق می دهد.

ه) پیامدهای مردانه‌پوشی زنان

مردانه‌پوشی آسیب‌های و تاثیراتی بر فرد و خانواده و جامعه دارد از جمله:

۱. بحران هویت

شخصیت هر فرد از ویژگی‌های وراثتی، محیطی، جنسیتی، ظاهری و دیگر عوامل شکل می گیرد که نقشی تعیین کننده در رفتار، کردار، طرز فکر و صفات روحی و روانی او دارند.^۳ پوشش بیشترین تماس مستقیم را با بدن دارد و به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از "خود" در نظر گرفته می شود.^۴ «تطابق و هماهنگی میان مولفه‌های مختلف شخصیت در شکل‌گیری هویت شخصی و تکامل روانی و رفتاری فرد نقش کلیدی دارد. با این حال، وقتی رفتار، کردار و ظاهر

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۴

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۴۵، ح ۴.

۳. تشبه زنان به مردان، سایت پرسمان، موجود در:

<https://www.porseman.com/!8470>

4. Can professional women appear too masculine?, P.28.

فرد با نقش جنسی و جنسیتی او هماهنگ نباشد (مانند مشابهت زن به مرد یا بالعکس)، این عدم هماهنگی می‌تواند منجر به بحران هویت شود.^۱ یونس از یکی از یارانش از امام صادق علیه السلام روایت کرده که ایشان درباره آیه: «وَلَا مَرْنَهُمْ فَلْيَغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَ مَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّن دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا؛ و آفرینش [پاک] خدایی را تغییر دهند؛ [و فطرت توحید را به شرک بیالایند]. و هرکس، شیطان را به جای خدا و لیس خود برگزیند، زیان آشکاری کرده است.»^۲ و فرمود: «منظور از تغییر خلقت خدا، تغییر امر خداست با امری که [شیطان] صادر می‌کند.»^۳

از این رو لباس زنان، باید متناسب با خلقت و فطرت باشد. «روح بشر تحریک‌پذیر است و نوع پوشش زن، که با تفاوت‌های جسمی و روحی او رابطه مستقیم دارد، نمی‌تواند بی‌ضابطه و بی‌حد باشد.»^۴ ظاهر مردانه در زنان، علاوه بر اینکه می‌تواند حرکات و اخلاقیات آنان را مردانه کند، باعث از خودبیگانگی می‌شود. زن با هویتی مواجه می‌شود که بین ظاهر مردانه‌ای که جامعه بر او تحمیل می‌کند و هویت فطری زنانه خود در تضاد است؛ زیرا هویت فردی براساس درک و تعریف فرد از خود شکل می‌گیرد. ظاهر مردانه باعث ایجاد آسیب در انسجام کارکردهای درونی و بیرونی زنان می‌شود. زنان، به دلیل ویژگی‌های ذاتی لطافت و ظرافت، در این شرایط تلاش می‌کنند با ظاهر مردانه خود تطبیق پیدا کنند، اما در این مسیر، من زنانه آن‌ها به حاشیه رانده می‌شود و تحریف می‌گردد. در نتیجه، زن دچار عدم قطعیت می‌شود.

۲. اختلال در روابط خانواده

اختلال خانواده از روی گرایش زنان و دختران به مردانه‌پوشی از چند منظر قابل بحث است. «از یک سو وقتی زنی رفتار و ظاهر خود را شبیه مردان می‌کند، ممکن است نقش‌های سنتی‌اش چون همسری، مادری، خانه‌داری و فرزندداری را پست و فرومایه تلقی کرده و به دنبال قدرت و

۱. همان.

۲. نساء: ۱۱۹.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۲۱۹.

۴. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۴۳۴.

استقلال - که ویژگی های مردانه به شمار می روند - باشد.^۱ در این بین ما با زنانی مواجه خواهیم شد که مردانه رفتار می کنند. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «کم می شود کسی خود را شبیه قومی سازد و اندک اندک از آنها نشود.»^۲ این زنان، تلاش های خود را بیشتر در محیط های کاری و اجتماعی متمرکز می کنند و سعی دارند جایگاه خود را در اجتماع تقویت کنند. در این فرآیند، خانواده که باید مأمین آرامش باشد و مادر نقشی کلیدی در آن ایفا می کند، کارکردهای خود را از دست می دهد.

مردانه پوشی زنان می تواند باعث تضاد در روابط زناشویی و نقش ها میان همسران شود. مردانی که به ویژه زن را موجودی لطیف و احساسی می دانند، با دیدن رفتار و ظاهر مردانه همسرشان، از نظر عاطفی ارتباط برقرار نمی کنند و در نتیجه، پوشش مردانه از جذابیت های زنانه می کاهد و برقراری ارتباط جنسی را دشوار می سازد؛ زیرا مردان نیازمند نرمی و لطافت زنانه هستند و تمایلی به شباهت زن به مرد ندارند.

از دگر سو در خانواده هایی که مادران مردانه پوش هستند، کودکان به ویژه دختران ممکن است به جای الگو برداری از مادر، از پدر الگو برداری کنند و دلبستگی به ویژگی های مردانه پیدا کنند. این امر ممکن است باعث شود که این کودکان در بازی ها نقش های پسرانه را برگزینند و در بلوغ و پذیرش تغییرات بیولوژیکی و جسمی نیز دچار آشفتگی های هویتی شوند. هویت جنسی این افراد به ویژه در سنین جوانی به طور جدی تحت تأثیر قرار می گیرد و ویژگی های زنانه مانند مادری و همسری برای آنان بی ارزش می شود.

همچنین اگر دختر خانواده به مردانه پوشی روی آورد، به ویژه در خانواده های مذهبی و سنتی، تضاد ظاهر دختر با ارزش های خانواده ممکن است تنش هایی در روابط والدین و فرزند ایجاد کند و موجب شکاف نسلی شود. این شکاف به کاهش صمیمیت و ارتباط میان والدین و فرزندان منجر می شود. بزرگترین آسیب در چنین شرایطی نگرانی خانواده ها از قضاوت های اجتماعی است. اعضای خانواده ممکن است از پوشش زن یا دختر یا خواهر خود احساس شرم کنند و این احساس شرم می تواند بر احساس تعلق و محبت نسبت به فرد تأثیر بگذارد.

۱. تشبه زنان به مردان، سایت پرسمان، موجود در:

<https://www.porseman.com/18470>

۲. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، حکمت ۱۹۷.

۳. اختلال در ساختار جامعه

پیامدهای اجتماعی ناشی از مردانه‌پوشی زنان از جنبه‌های مختلف قابل بررسی است:

تضعیف ارزش‌های اجتماعی

در جامعه اسلامی، حفظ حجاب و پوشش زنان به‌عنوان نمادی از کرامت و احترام به دین شناخته می‌شود. مردانه‌پوشی می‌تواند به اختلال در ایفای نقش‌های مادری، فرزنددی و همسری منجر شود و خانواده را از انجام وظایف خود در قبال جامعه بازدارد. این وضعیت رشد و تربیت فرزندان را نیز با چالش مواجه کرده و به‌جای درونی‌سازی ارزش‌های کمال و تعالی، صد ارزش‌ها در تربیت آن‌ها نهادینه می‌شود. در نتیجه، به‌جای خلاقیت و نوآوری در جهت تولید و پیشرفت، انرژی افراد صرف رقابت برای ظاهری ناهنجارتر و پوششی مردانه‌تر می‌شود. بدین ترتیب، جامعه زنان به عرصه رقابت بر سر ظاهر و پوشش تبدیل می‌گردد.

کاهش همبستگی اجتماعی

مردانه‌پوشی زنان باعث ایجاد مشکلاتی در روان افراد، ارتباطات و تعاملات اجتماعی می‌شود. ازسویی زنان مردانه‌پوش از روی بحران هویتی ممکن است دچار افسردگی، اضطراب و استرس اجتماعی شوند. از سویی از روی مخالفت بسیاری از اطرافیان، دوستان و هم‌سالان با پوشش مردانه، با کاهش تعاملات اجتماعی مواجه شوند. بنابراین فشارهای فرد واجتماعی این انتخاب آنها را دچار انزوای می‌کند و جامعه در اثر کاهش تعاملات اجتماعی، با تضعیف همبستگی اجتماعی روبرو می‌گردد.

کتابنامه

۱. تقی علیپور، زنان در آخرالزمان، آسیب‌ها و درمان، امان، مرداد و شهریور ماه ۱۳۹۰، شماره ۳۱، صص ۴۴-۴۶.
۲. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۱ق.
۳. شایان مهر (۱۳۷۲)، دایرةالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی، جلد اول، تهران: نشر کیهان.
۴. شریف الرضی، محمدبن حسین، نهج البلاغه، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۵. شیخ الصدوق، من لا یحضره الفقیه، قم: دفترانتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.

٦. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام، ١٤١٤ق.
٧. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ١٤٠٧ق.
٨. منقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، بیروت: مؤسسة الرسالة، ١٤٠٩ق.
٩. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: الوفا، ١٤٠٣ق.
١٠. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ١٩، قم: انتشارات صدرا، چاپ پنجم، ١٣٨٠.
١١. مهدی نیلی پور، آسیب شناسی آخرالزمان، موعود، شماره ٣٢ (تیر ١٣٨١). صص ١٢-١٥.
١٢. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام، ١٤٠٨ق.
13. Arvanitidou, Z. , & Gasouka, M. (2013). Construction of gender through fashion and dressing. Mediterranean Journal of Social Sciences, 4(11), 111.
14. Arnold, R. (2001). Fashion, desire and anxiety: image and morality in the twentieth century. Bloomsbury Publishing.
15. Johnson, K. K. , Crutsinger, C. , & Workman, J. E. (1994). Can professional women appear too masculine? The case of the necktie. Clothing and Textiles Research Journal, 12(2), 27-31. .

اصول اساسی مدیریت اقتصاد خانواده (راهنمایی برای خانوارها)

حجت الاسلام والمسلمین محمد حسین افشاری*

مقدمه

خانواده، جایگاه و محل سیر انسان به سوی کمالات است و هیچ پایگاهی همچون خانواده نمی تواند چنین نقش تکامل بخش و انسان سازی داشته باشد. انسان برای رشد و تعالی به آرامش روحی، جسمی و عاطفی نیاز دارد و این همه در خانواده تأمین می شود.

یکی از موضوعاتی که به شدت با نقش ها و مسئولیت های در خانه و خانواده مرتبط است، موضوع اقتصاد خانواده و معیشت آن است. نهاد خانواده از ابتدای خلقت، در جایگاه یک موضوع مهم در فرهنگ های مختلف جالب توجه بوده است. در متون دینی نیز روایت های بسیاری به اهمیت کسب درآمد و نیز هزینه درست آن توصیه کرده اند؛ از جمله پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله، کسب حلال را جزء رکنین عبادت معرفی می کنند: «الْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءٌ تَسَعَةٌ مِنْهَا فِي طَلَبِ الْحَلَالِ؛^۱ عبادت ده جزء است که نه جزء آن در کار و تلاش برای به دست آوردن روزی حلال است».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی دیگر، کسب حلال را زمینه ساز مغفرت گناهانی بیان می کند که با نماز و صدقه بخشیده نمی شود: «إِنَّ مِنَ الذُّنُوبِ ذُنُوبًا لَا يُكَفِّرُهَا صَلَاةٌ وَلَا صَدَقَةٌ، قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا يُكَفِّرُهَا؟ قَالَ الْهُمُومُ فِي طَلَبِ الْمَعِيشَةِ؛^۲ بعضی از گناهان به وسیله نماز و صدقه هم آمرزیده نمی شوند. پرسیده شد یا رسول الله، پس چه چیز موجب آمرزش آن است؟ فرمود:

* کارشناس ارشد روانشناسی مثبت گرا و دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی.

۱. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۱۲.

۲. همان، ص ۱۳.

سختکوشی و تلاش در طلب معیشت».

به طور طبیعی هر خانواده‌ای دوست دارد بهترین نوع غذا را مصرف کند، زیباترین لباس‌ها را برای اعضای خود تهیه کند، در بهترین نقطه شهر و منزل زندگی کند، بهترین وسایل و امکانات را در اختیار داشته باشد، همواره به سفر برود، بهترین آموزش‌ها را برای فرزندان خود فراهم کند و...؛ اما در واقع چیز دیگری حادث می‌شود. واقعیت این است که گرچه این درخواست‌ها در همه خانواده‌ها مطرح می‌شود، روشن است که درصد کمی از خانواده‌ها توانایی تأمین این خواسته‌ها را دارند. درحقیقت درآمد یک خانواده متوسط فقط می‌تواند تعداد محدودی از این خواسته‌ها را برآورده کند؛ از این رو خانواده باید از میان خواسته‌های خود با توجه به اهمیت انتخاب کند. بر همین اساس باید معیشت خود را بر اساس محاسبات درست برنامه‌ریزی کند تا هزینه‌های زندگی به خوبی تأمین شود و خانواده از فقر دور گردد.

امام محمدباقر علیه السلام درباره لزوم عقل معاش و تدبیر معیشت فرمودند: «الْكَمَالُ كُلُّ الْكَمَالِ ثَلَاثَةٌ التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ وَالصَّبْرُ عَلَى التَّائِبَةِ وَتَقْدِيرُ الْمَعِيشَةِ؛^۱ کمال واقعی، فهم و دریافت دین است و صبر و پایداری در برابر بلا و گرفتاری و ارزیابی مخارج زندگی».

بر اساس این روایت، نهایت درجه کمال هر انسانی بر سه اصل استوار است:

اول: تفقه در دین؛ یعنی معرفت دینی خود را افزایش دهد؛

دوم: صبر بر مصیبت‌ها؛ زندگی دنیا همراه با مصیبت است و هیچ‌کسی نمی‌تواند بگوید من مصیبتی ندارم؛

سوم: تقدیر در معیشت؛ یعنی شخص معیشت و اقتصاد خود را تدبیر و اندازه‌گیری کند و به فکر راهکار باشد.

اقتصاد خانواده (تدبیر منزل)

اقتصاد که در زبان لاتین به آن Economy گفته می‌شود، از دو کلمه یونانی اِیکو (oiko) به معنای خانه و نوموس یا نمین (Nemein) به معنای اداره و نظم تشکیل شده است. واژه اِیکونومیا، همان

۱. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ج ۱، ص ۲۷۳؛ میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۳،

ص ۵۳؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۲.

تدبیر منزل یا حکمت منزلی ارسطو است.^۱ حکمت از نظر ارسطو و پیروان او به دو بخش نظری و عملی تقسیم می‌شود. حکمت عملی شامل اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن است. موضوع تدبیر منزل، تنظیم امور خانه و معاش خانواده است. رساله‌ای به نام «تدبیر منزل» منتسب به ارسطو به دست آمده است. دلیل استفاده از این کلمه در یونان قدیم این بود که در آنجا مثل دیگر جوامع ابتدایی، خانه و خانواده مرکز فعالیت اقتصادی بوده است.

اقتصاد خانواده را می‌توان یکی از مباحث مهم در اقتصاد ملی دانست که به سهم خویش، نقش بی‌بدیلی در ارتقای سطح کمی و کیفی اقتصاد در سطح ملی ایفا می‌کند.^۲ در یک تعریف کوتاه می‌توان اقتصاد خانواده را تخصیص منابع محدود دست‌یافتنی به مهم‌ترین نیازها و خواسته‌های خانواده تعریف کرد.

منظور از «منابع» در این تعریف، همان مبادی و راه‌های درآمدی خانواده است که طبیعتاً محدود، اما دست‌یافتنی است و نیازها همان مسائل متعددی است که بقا و شالوده خانواده به ارضای آنها بستگی دارد؛ به طور کلی نیازهای اولیه و ثانویه خانواده را دربر می‌گیرد. سرپرست خانواده با در نظر گرفتن درآمد محدود و وجود نیازهای اساسی، باید بهترین ترکیب را در میزان هزینه‌ها به وجود آورد و از درآمد حاصل، بهره‌برداری بهینه کند.

امروزه شیوه مدیریت اقتصادی خانواده‌ها، بخش عمده‌ای از هویت آنان را شکل می‌دهد و رونق و شکوفایی اقتصادی، رشد و ترقی خانواده را در پی خواهد داشت.

با یک مثال ساده می‌توان تعریف تدبیر منزل یا تقدیر معیشت را روشن‌تر کرد: هر یک از ما در جایگاه مصرف‌کننده بر اساس برنامه خصوصی یا بدون برنامه قبلی، برای برآورده شدن نیازهای روزانه زندگی خانوادگی، اقدام به خرید کالا و خدمات می‌کنیم.

فرد مسلمان و عاقل با الگوی مصرف ایرانی را فرض کنید که درآمد ماهانه وی ده میلیون تومان است. رفتار اقتصادی او را می‌توان در دو سناریو بررسی کرد:

سناریوی اول: رفتار او در جایگاه مصرف‌کننده: وی ابتدای هر ماه مبلغ پیش‌گفته را دریافت و اقدام به خرید نیازهای زندگی خود و خانواده می‌کند.

۱. زهرا افشاری، اقتصاد خانواده، ص ۲.

۲. محمدرضا باقری، «نقش زنان در اقتصاد خانواده»، ص ۸۹.

سناریوی دوم: رفتار او در جایگاه تولیدکننده؛ وی مبلغ پیش گفته را با عنوان درآمد از فعالیت اقتصادی معینی کسب می کند. در سناریوی اول قدری تصمیم گیری برای خرید و هزینه کردن درآمد ماهانه فرد نمونه تجزیه و تحلیل می شود و حرکت این تصمیم گیری کاسته می شود تا با آن بیشتر آشنا شویم. در سناریوی دوم تصمیم گیری فرد نمونه برای سرمایه گذاری منابع در فعالیت تولیدی بررسی می گردد.

به طور طبیعی فرد در مرحله اول، نیازهای خود را به سه طبقه بسیار ضروری، ضروری و دیگر نیازها رتبه بندی می کند. برخی نیازها امکان تأخیر انداختن آنها به ماه دیگر ممکن نیست که این نوع به نیازهای بسیار ضروری تعریف می شود؛ برای مثال هزینه های مربوط به آب، برق، تلفن و گاز و اجاره منزل مسکونی رهنی به مبلغ پنج میلیون تومان است که به طور طبیعی تأخیر در پرداخت این وجوه برای فرد و خانواده مشکل آفرین است؛ در نتیجه او این مبلغ از درآمد ماهانه خود را باید به نیازهای بسیار ضروری تخصیص دهد و سپس درباره باقی مانده درآمد خود قدرت تصمیم گیری دارد. به عبارت دیگر، او باید بین نیازهای متعدد زندگی به مقدار مبلغ محدود باقی مانده اقدام به انتخاب کند.

در مرتبه دوم ذهن فرد متوجه ارضای نیازهای ضروری می شود. وی نیازهای ضروری را به مواد غذایی، لباس و پوشاک، تربیت فرزندان، وسایل و خدمات فرهنگی، کالاها و خدمات تقویت کننده و بُعد معنوی و روحی (مانند سفرهای زیارتی)، طبقه بندی و رتبه بندی می کند. به طور طبیعی وی به دلیل محدود بودن مبلغ باقی مانده از درآمد خود، نمی تواند همه نیازهای باقی مانده را ارضا کند؛ بنابراین به ناچار بین این دسته از نیازهای طبقه بندی شده، باید انتخاب کند.

انتخاب، نیاز به طبقه بندی و رتبه بندی گزینه ها، نیاز به ارزش یابی دارد؛ پس او ابتدا باید هر یک از نیازها را ارزش یابی کند، رتبه بندی و سپس دست به انتخاب می زند.

فرض کنید او ابتدا تصمیم می گیرد به بازار کالای مواد غذایی برود و اقدام به تأمین نیازهای مواد غذایی کند. در این مرحله، با یک گروه کالا مواجه می شود که بین مواد غذایی گوشت، حبوبات، سبزیجات، و... وجود دارد. در الگوی مصرف ایرانی مقداری گوشت وجود دارد که برای مصرف خانواده و مهمان مورد نیاز است؛ از این رو تصمیم می گیرد مقداری گوشت فراهم کند. دوباره مشاهده می کند گوشت به دو قسم سفید و قرمز طبقه بندی می شود؛ فرض کنید

توصیه‌های پزشکی و تبلیغات، تمایل او را به گوشت سفید بیشتر کرده است، در نتیجه وارد بازار گوشت سفید می‌شود و مشاهده می‌کند چند نوع گوشت سفید مثل مرغ، ماهی، میگو و... در بازار وجود دارد؛ او با نگاه به انواع گوشت سفید، مقدار تمایل خود را به آنها را بررسی می‌کند و بین آنها مقایسه انجام می‌دهد. به فرض، در ذهن او ارزش ماهی از مرغ و میگو بیشتر است؛ به عبارت دیگر، «ارزش نسبی ذهنی» ماهی در تمایلات او بیش از مرغ، میگو و بقیه است؛ یعنی از ماهی رضایت خاطر بیشتری در برابر اقلام گوشت سفید نصیب او می‌شود؛ بنابراین تصمیم به خرید ماهی می‌گیرد. اما مشاهده می‌کند انواع ماهی در بازار وجود دارد که با مشاهده انواع ماهی، تمایل خویش را بررسی می‌کند و آنها را با یکدیگر مقایسه می‌نماید؛ برای مثال با نگاه به تمایلات خود مشاهده می‌کند ماهی سفید برای او رضایت خاطر بیشتری فراهم می‌کند. پس از این ارزش‌یابی و مقایسه، تصمیم به خرید می‌گیرد؛ ولی به سرعت محدودیت درآمد او به وی پیام می‌دهد «به چه قیمتی؟!»، از قیمت آن پرس. او از قیمت می‌پرسد که مثلاً هر کیلو ۱۸۰ هزار تومان است؛ اما فرد گرچه به خرید ماهی سفید تمایل دارد، ولی توانایی هم شرط است. در نتیجه محدودیت درآمد او وی را وادار می‌کند از قیمت آن ماهی‌هایی که به طور نسبی به آنها تمایل دارد، اطلاعات به دست آورد. بر این اساس، قیمت آنها را می‌پرسد و بهای هر یک را با دیگری مقایسه و قیمت‌های نسبی آنها را به دست می‌آورد. به عبارت دیگر، ارزش نسبی عینی (خارجی) آنها را محاسبه می‌کند. پس از این دو نوع ارزش‌یابی، برای مثال سه کیلو ماهی آزاد خریداری و در سبد کالای موردنیاز خود قرار می‌دهد. او اکنون بخشی از درآمد خود را هزینه کرده است و اقدام به انتخاب یک نوع کالا (ماهی آزاد) و یک مقدار (سه کیلو) کرده است. به همین ترتیب در خرید گوشت قرمز، حبوبات، پوشاک، لوازم فرهنگی و... ابتدا کالاها را «طبقه‌بندی» و «رتبه‌بندی» می‌کند و با توجه به تمایلات شخصی خود «ارزش نسبی ذهنی» (تمایلات نسبی) آنها را محاسبه، سپس با توجه به درآمد خود «ارزش عینی خارجی» (قیمت بازاری نسبی) آنها را به دست می‌آورد و سرانجام، دست به انتخاب می‌زند. به همین شیوه و جوه باقی مانده را خرج می‌کند و می‌کوشد نیازهای خود را «به بهترین وجه ممکن ارضا کند» یا درآمد خود را «به بهترین وجه تخصیص دهد».

نکات به دست آمده از مثال

با تجزیه و تحلیل رفتار مصرفی این فرد می‌توان نکات زیر را به طور خلاصه بیان کرد:

۱. فرد بر اساس سلیقه و تمایل خود به خرید کالا اقدام می‌کند؛ در نتیجه کالایی را که به آن تمایل ندارد، در مواردی حتی اگر رایگان هم باشد، خریداری یا تهیه نمی‌کند.
۲. کالاهایی که به آنها مایل دارد را با یکدیگر مقایسه می‌کند و «ارزش نسبی ذهنی» آنها را به دست می‌آورد.
۳. اگر از قبل از قیمت کالایی که در طبقه‌بندی بالا ارزش نسبی ذهنی آن بیشتر است، آگاهی ندارد، اقدام به کسب اطلاع از «قیمت» آن می‌کند.
۴. قیمت کالایی که تمایل بیشتری به آن پیدا کرده است را با دیگر کالاها مقایسه می‌کند و «ارزش نسبی عینی خارجی» آن را به دست می‌آورد.
۵. بر اساس دو معیار بالا، کالاها را ارزشیابی می‌کند.
۶. «نوع» و «مقدار» کالایی را که بیشترین رضایت‌مندی برای او فراهم می‌سازد، «انتخاب» و خریداری می‌کند.
۷. مبانی اعتقادی و ارزش‌ها از طریق هر دو نوع ارزشیابی ذهنی و عینی در رفتار انسان عقلایی تأثیر می‌گذارد.

دلیل سخن گفتن از اقتصاد خانواده

از آنجاکه نهاد خانواده نهادی است که نیازمندی‌های آن نیازمندی‌های جامعه، موفقیت آن موفقیت جامعه، مشکلات آن مشکلات جامعه، حل مشکلات آن حل مشکلات جامعه و در یک کلام خانواده نمادی از جامعه یا جامعه‌ای در ابعاد کوچک با هدف تربیت توحیدی است و اقتصاد بخش مهمی از مسائل یک جامعه است، باید بدان توجه کرد و این توجه باید از ساختار خانواده شروع شود. خانواده‌هایی که میانه‌روی را سرلوحه حرکت‌های اقتصادی خود قرار دهند، می‌توانند جامعه مطلوب اقتصادی را شکل دهند؛ در سوی دیگر جامعه‌ای که خانواده‌ها در آن به فکر تجملات و فخرفروشی‌های اقتصادی هستند، جامعه‌ای معیوب به لحاظ اقتصاد و... را شکل خواهند داد.

در جامعه‌ای که اقتصاد مقاومتی یک سیاست کلان کشوری به شمار می‌آید، باید آن را از نهاد خانواده شروع کرد؛ بدین معنا که خانواده باید بیاورد چگونه شیوه‌های اقتصاد مقاومتی را در خود و اعضای خود نهادینه کند و با پیوستن به این جهاد بسیار مهم، نقش خود را در موفقیت

کلان‌کشورش ایفا کند. اگر این الگو در کشور پیاده می‌شد و خانواده‌ها شیوه‌ی تقدیر معیشت خود را بر اساس الگوی صحیح و به دور از اسراف می‌آموختند، امروزه می‌توانستیم مدعی اقتصاد مطلوب تراز باشیم؛ ولی آنچه امروز می‌بینیم، بسیار با آن مطلوب فاصله دارد.

مسائل مورد بحث در اقتصاد خانواده

پرسش‌هایی که مباحث «اقتصاد خانواده» به دنبال پاسخ‌گویی بدان‌هاست، عبارت‌اند از:

۱. منظور از خانواده چیست؟ چرا از تخصیص بهینه منابع در خانواده یا اقتصاد خانواده بحث می‌کنیم؟

۲. معنای تدبیر منزل یا تدبیر اقتصاد خانواده چیست؟

۳. چرا باید اقتصاد خانواده را تدبیر کرد؟

۴. سرپرست خانواده یا مدیر خانواده چگونه منابع را تخصیص دهد؟

۵. انسان مرکب از دو ساحت جسم و روح است؛ آیا منابع و درآمد خانواده تنها باید به نیازهای جسم او اختصاص پیدا کند؟ چگونه در اقتصاد خانواده در تخصیص منابع بین منافع دنیا و آخرت جمع کنیم؟

۶. چگونه درآمد کسب کنیم؟

۷. چگونه بهره‌وری اقتصاد منزل را ارتقا دهیم؟

۸. دولت چه مسئولیتی در قبال اقتصاد خانواده دارد؟

۹. خانواده‌های ثروتمند در برابر خانواده‌های فقیر چه مسئولیتی دارند؟ الگوی مناسب ایجاد و جریان درآمد بین خانواده‌ها چیست؟

راهکارهای پیشنهادی برای دوام و قوام اقتصاد خانواده

۱. برنامه‌ریزی برای آینده اقتصاد خانواده

بی‌شک برنامه‌ریزی برای آینده زندگی در تمامی خانواده‌ها مطرح است. در درون یک مدل سیستمی اقتصاد خانواده، خانواده و اقتصاد آن را نمی‌توان از هم مجزا کرد؛ بنابراین زمانی که برای هر یک از آنها برنامه‌ریزی می‌شود، به‌ناچار دیگری نیز مدنظر قرار می‌گیرد. توجه به نیازهای آتی خانواده و همچنین شناخت فرصت‌ها و تهدیدهای اقتصاد خانواده در این راستا اهمیت دارد. این کار برای تمام اعضای خانواده مفید خواهد بود که می‌توان جلسات خانوادگی را روی این

موارد متمرکز کرد.

آینده‌نگری موجب می‌شود انسان همه در آمد خود را یک جا هزینه نکند، بلکه آینده را نیز در نظر بگیرد و برای تأمین آرامش خاطر خود، بخشی از درآمدش را پس انداز کند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ النَّفْسَ إِذَا أَحْرَزَتْ قَوْتَهَا اسْتَقْرَتْ؛^۱ آدمی هرگاه وسایل زندگی اش به قدر نیاز فراهم باشد، روانش آسایش می‌یابد».

همچنین آن حضرت در پاسخ گروهی از صوفیان که زهد اسلامی را تحریف کرده بودند، به پس انداز سلمان برای زندگی سالیانه خود در جایگاه یک زاهد نمونه که الگوی مصرف اسلامی را رعایت می‌کرد، اشاره می‌فرماید.^۲

نکته درخور نگرش این است که توصیه روایات در اختصاص دادن بخشی از درآمد به پس انداز، این نیست که پول نقد پس انداز شود و به گونه‌ای سبب افزایش نقدینگی در جامعه گردد، بلکه با تأکید بر اصلاح و ساماندهی مال و بهره‌وری از آن، مردم به سرمایه‌گذاری در زمینه‌های مختلف تولیدی و تجاری تشویق شده‌اند؛ تا آنجا که ساماندهی ثروت، بخشی از ایمان دانسته شده است: «إِصْلَاحُ الْمَالِ مِنَ الْإِيمَانِ؛^۳ نگهداری نیکو از مال، نشانه ایمان است».

۲. انجام مشاوره‌های اقتصادی

گاهی برخی خانواده‌ها در مدیریت اقتصادی خود از توان لازم برخوردار نیستند یا با مسائل و مشکلاتی روبرو می‌شوند که به‌تنهایی از عهده آنان بر نمی‌آیند. امروزه منابع و مراجع بسیاری با موضوع اقتصاد خانواده وجود دارد؛ بنابراین برگ برنده برای خانواده، شناخت مرجع شایسته و مراجعه به آن و کسب مشاوره صحیح است. از منابع بالقوه اطلاعات و مشاوره می‌توان به دوستان و آشنایان، اقوام، اعضای خانواده، همکاران شغلی و... اشاره کرد.

۳. افزایش سطح دانش اقتصادی خانواده

ابتدایی‌ترین مرجع برای افزایش سطح دانش و آگاهی و به‌روزماندن، کتاب‌ها و نشریات است.

۱. شیخ صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۶۶، ح ۳۶۱۹.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۶۸، ح ۱.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۸۷، ح ۳؛ شیخ صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۶۶،

ارائه آموزش‌های لازم به فرزندان و ارتقای سطح عمومی دانش اقتصادی خانواده می‌تواند زمینه خوبی برای تصمیم‌گیری‌های صحیح اقتصادی باشد.

به مسئله دانش اقتصادی اعضای خانواده در برخی کشورها تأکید شده است و برای همه خانواده‌ها امری ضروری به شمار می‌رود. اگر سواد مالی خانواده‌ها افزایش پیدا کند، زندگی آنها به ثبات بهتری می‌رسد؛ در نتیجه می‌دانند چطور هزینه‌های مالی و دیگر موارد را مدیریت کنند. همچنین با استفاده از سواد مالی می‌توانند در بازارهای مالی و دیگر بازارها سرمایه‌گذاری کنند و وضع زندگی خود را بهبود بخشند. بنابراین، هدف اصلی از سواد مالی، رسیدن به امنیت مالی است.

در یک کلمه می‌توان گفت سواد مالی یعنی توانایی درک مباحث مالی، بودجه‌بندی و سرمایه‌گذاری صحیح آن.

۴. روحیه همکاری بین اعضای خانواده

تعامل مناسب بین اعضای خانواده و همچنین اولویت‌بندی نیازهای اقتصادی، سبب تقویت و سلامت اقتصاد خانواده می‌شود. در یک خانواده به عنوان یک سیستم پویا، همه اعضا باید در حل مشکلات و ارتقای تحکیم خانواده تلاش کنند؛ از این رو لازم است همکاری درستی بین اعضای خانواده انجام گیرد. مثال ساده آن را می‌توان در لباس‌ها و وسایل آموزشی هر کدام از فرزندان بیان کرد. وقتی لباس فرزند بزرگ‌تر دیگر مناسب و هم‌سایز او نیست، می‌توان به فرزند دیگر انتقال داد تا او استفاده کند. برخی فرزندان به دلیل اینکه آن لباس نو نیست، از پذیرش آن خودداری می‌کنند؛ در حالی که همکاری بین اعضای خانواده در این مثال‌ها می‌تواند کاربرد داشته باشد و در حل برخی از مشکلات کارگشایی کند.

آسیب‌های نداشتن مدیریت اقتصاد خانواده

آشنا نبودن با مدیریت اقتصادی، ضررهای زیادی را به دنبال دارد که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. از بین رفتن منابع و امکانات: نبود مدیریت صحیح اقتصادی خانواده، منجر به استفاده نادرست و ناکارآمدی از منابع محدود می‌شود؛ به طوری که امکانات موجود خانواده به درستی بهره‌برداری نمی‌شوند و به هدر می‌روند.

۲. از بین رفتن دارایی‌ها و سرمایه‌های خانواده: بی‌توجهی به اصول مدیریت مالی در خانواده، سبب مصرف دارایی‌ها در روش‌های ناپایدار می‌شوند؛ در نتیجه افراد و خانواده‌ها با کاهش ارزش دارایی‌های خود مواجه شوند.

۳. افزایش فقر: نقص در مدیریت اقتصادی خانواده، زمینه‌ساز تخصیص نیافتن صحیح منابع می‌شود که در نهایت به افزایش فقر و نابرابری اجتماعی منجر می‌شود و جمعیت‌های آسیب‌پذیر را بیشتر تحت فشار قرار می‌دهد.

۴. کاهش سلامت روان خانواده: مدیریت نادرست مالی، استرس و اضطراب را در اعضای خانواده افزایش می‌دهد که به نوبه خود بر سلامت روان آنها تأثیر منفی می‌گذارد و سبب بروز اختلالات روانی در اعضا و در نهایت آسیب به آرامش موجود در خانواده می‌گردد.

۵. کاهش سلامت جسمانی: فشارهای مالی و اقتصادی، زمینه‌ساز انتخاب‌های نادرست در سبک زندگی می‌شود و افراد را از توجه به نیازهای سلامت جسم‌شان باز می‌دارد که می‌تواند عواقب جبران‌ناپذیری داشته باشد.

۶. تضعیف شدن ارتباط با کودکان: توجه نکردن به مدیریت اقتصادی، زمان و انرژی والدین را کاهش می‌دهد که نتیجه آن، کاهش تعاملات سازنده با فرزندان و تضعیف روابط خانوادگی است.

۷. از بین رفتن کانون خانواده: فشارهای مالی و مشکلات اقتصادی، تنش‌ها و درگیری‌های بین اعضای خانواده را افزایش می‌دهند و کانون خانواده را به حدی آسیب‌پذیر می‌کنند که ممکن است به جدایی و ازهم‌پاشیدگی منجر شود.

نقش زنان در اقتصاد خانواده

زن به طور طبیعی در مقام مادر و همسر، مسئولیت تربیت نسل و فرزند را بر عهده دارد؛ از این رو وظایف پراهمیتی در خانواده بر دوش اوست. از جمله این وظایف می‌توان به مدیریت اقتصادی خانواده اشاره کرد که با همکاری با همسر انجام می‌پذیرد.

امروزه بانوان در دو حیطه درآمد و کنترل مصرف خانواده، نقش اساسی دارند. مرحله اول - کسب درآمد و تولید - دارای چند بخش است؛ از جمله اشتغال بانوان که یا در کسوت سرپرست خانواده یا مکمل مرد برای هدایت مدیریت اقتصادی خانواده می‌کوشد و چنانچه ارثی به او

رسیده باشد و حتی از نفقه و مهریه خود صادقانه برای رشد و تعالی فرزندان بهره می‌برد. در مرحله دوم - مدیریت مصرف - بانوان توانمند و متفکر با برنامه‌ریزی صحیح و تدبیر فراوان می‌دانند که سرمایه خانواده را در کجا، چگونه و چطور مصرف کنند تا افزون بر برطرف کردن نیازهای خود و فرزندان، بخشی را نیز برای روزهای نیاز پس‌انداز کنند. مدیریت صحیح بانوان در اقتصاد خانواده، چنان اصولی و برنامه‌ریزی شده انجام می‌پذیرد که همان درآمد اندک خانواده را برای اموری همچون تحصیل فرزندان، تفریحات، زیارات و حتی انفاق استفاده می‌کنند و همه این امور به توانایی زنان متفکر و مؤمن باز می‌گردد که برکت و معنویات را سرلوحه کار خویش قرار می‌دهند.^۱

جایگاه فرزندان در اقتصاد خانواده

نقش کودکان و فرزندان در جایگاه یکی از مصرف‌کنندگان عمده در خانواده‌ها از یک‌سو و نیز جایگاه آنان در آئیه اقتصاد خانواده‌ها از سوی دیگر، لزوم توجه به آموزش صحیح و هدایت آنان را ایجاب می‌کند. با رهبری صحیح و به‌جا در اقتصاد خانواده، ویژگی‌هایی نظیر جمع‌گرایی، صداقت، دلسوزی، صرفه‌جویی، مسئولیت‌پذیری و دیگر خصوصیات مثبت رشد و پرورش می‌یابد. هدایت فرزندان در مسیر شناخت مسائل، مشکلات، کمبودها و محدودیت‌های اقتصادی خانواده‌ها، می‌تواند در اصلاح رفتار مالی و همچنین واقعیت‌نگری آنان نقش مهمی ایفا کند.

کتاب‌نامه

۱. افشاری، زهرا، اقتصاد خانواده، تهران: الزهرا، ۱۳۸۰ ش.
 ۲. باقری، محمدرضا، «نقش زنان در اقتصاد خانواده»، فصلنامه جمعیت، ش ۹۷-۹۸، ۱۳۹۵ ش.
 ۳. حرانی، ابن‌شعبه، تحف العقول، ترجمه: بهراد جعفری، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۸۱ ش.
 ۴. شیخ صدوق، محمد بن علی، کتاب من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته
-
۱. اعظم یکتاپور فرد، «مهارت زنان در مدیریت اقتصاد خانواده»، همایش بین‌المللی حکمرانی اخلاق و معنویت، آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (عجل‌الله‌فی‌قربانها)، ۱۴۰۰.

- به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۶. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ق.
۷. یکتاپور فرد، اعظم، «مهارت زنان در مدیریت اقتصاد خانواده»، همایش بین المللی حکمرانی اخلاق و معنویت، آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی علیه السلام، ۱۴۰۰ ش.

شناخت عوامل موثر در ایجاد محبت خانوادگی

اعظم نوری*

مقدمه

محبت و مهربانی به عنوان بنیانی‌ترین عنصر در روابط خانوادگی، جایگاهی ویژه و غیرقابل انکار در زندگی انسان‌ها دارد. خانواده، به عنوان اولین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی، بستر شکل‌گیری شخصیت فرد، انتقال ارزش‌ها و الگوهای رفتاری است و محبت در این بستر، نقشی حیاتی ایفا می‌کند. علاوه بر تأثیرات روحی، محبت در خانواده موجب تقویت روابط اجتماعی و احساس تعلق به این نهاد می‌گردد. به‌طورکلی، محبت در خانواده از مهم‌ترین شاخص‌های زندگی سالم و موفق است. خداوند می‌فرماید: «الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»^۱ و کسانی که می‌گویند: پروردگارا، به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه روشنی چشمان ما باشد و ما را پیشوای پرهیزگاران قرار ده. «

این آیه به اهمیت توجه مؤمنان به خانواده و فرزندان اشاره دارد. مؤمنان واقعی نه تنها به ازدواج و خانواده خود اهتمام می‌ورزند، بلکه برای آن‌ها دعا می‌کنند. این دعا نماد عشق و شوق درونی به خانواده است و دلیل تلاش و کوشش برای تربیت صحیح فرزندان و همسران به همراه آشنایی آن‌ها با اصول اسلامی و راستین زندگی است. در این راستا، بررسی عوامل ایجاد محبت در خانواده و روش‌های تقویت آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

محبت: کلید اصلی خانواده در آموزه‌های قرآنی

محبت و محبت در خانواده از جنبه‌های مهم آموزه‌های قرآن کریم است. محبت در خانواده از

* کارشناس ارشد رشته تفسیر، پژوهشگر مطالعات زنان و خانواده جامعه الزهر ع.

مهم‌ترین اصول زندگی مشترک است که قرآن کریم بر آن تأکید دارد. ترویج محبت و رحمت در روابط خانوادگی نه تنها موجب آرامش و آسایش در زندگی می‌شود، بلکه زندگی معنوی و اخلاقی خانواده‌ها را نیز تقویت می‌کند. این احساسات موجب ایجاد امنیت عاطفی و روانی می‌شود و فضایی امن و آرام برای رشد کودکان و تحکیم روابط اعضای خانواده فراهم می‌آورد، از این رو قرآن کریم به محبت به عنوان یک نعمت الهی و نشانه‌ای از رحمت خداوند اشاره می‌کند: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»^۱ و از نشانه‌های او این است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد.»

عوامل ایجاد محبت در خانواده

۱. اظهار لطف و مهربانی

اظهار لطف و مهربانی در خانواده یکی از مهم‌ترین عوامل حفظ روابط سالم و پایدار میان اعضای خانواده است. این محبت تأثیر عمیقی بر سلامت روحی و عاطفی افراد خانواده دارد. محبت در خانواده نه تنها به کیفیت زندگی اعضای خانواده افزوده، بلکه حس امنیت و آرامش روانی را نیز تقویت می‌کند. با ایجاد فضایی پر از محبت، اعضای خانواده می‌توانند روابط متعادل و پایداری را تجربه کنند. در ادامه به برخی نکات درباره اظهار محبت در خانواده اشاره می‌شود.

ارتباط کلامی

ابراز محبت از طریق کلمات می‌تواند شامل بیان احساسات، تشکر، و بیان جملات محبت‌آمیز باشد. به عنوان مثال، گفتن "دوستت دارم" یا "از تو سپاسگزارم" می‌تواند تأثیر زیادی داشته باشد. در گزاره‌های دینی به این مهم تأکید شده است. رسول اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ: إِنِّي أُحِبُّكَ، لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا»^۲ این که مرد به همسرش بگوید: «من تو را دوست دارم» هیچ‌گاه از قلب همسرش بیرون نخواهد رفت.»

۱. روم: ۲۱.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۶۹.

امام حسین علیه السلام خطاب به همسر و دخترش فرمود:

لَعْمُرْكَ إِنِّي لِأَحَبُّ دَارًا
وَأَحَبُّهُمَا وَآبَدُلُ جُلَّ مَالِي
تَحَلُّ بِهَا سَكِينَةٌ وَالرِّبَابُ
وَلَيْسَ لِالْأَمَى فِيهَا عِتَابٌ^۱

قسم به جان رباب! خانه‌ای را دوست دارم که سکینه و رباب در آن باشند.
دوستشان دارم و کل دارایی‌ام را به پای‌شان می‌ریزم و هیچکس نباید در این باره با من سخنی
و شکوه‌ای کند.

خانواده امام علی علیه السلام بهترین نمونه در اظهار محبت است. گزارش شده است که حضرت
زهراب علیه السلام طی سخنانی به همسرش فرمود: «(رُوحِي لِوُجْهِكَ الْفِدَاءُ وَنَفْسِي لِتَنْفِسِكَ الْوَقَا، يَا
أَبَا الْحَسَنِ. إِنْ كُنْتُ فِي خَيْرٍ، كُنْتُ مَعَكَ وَإِنْ كُنْتُ فِي شَرٍّ، كُنْتُ مَعَكَ»^۲ علی جان، جانم فدای
جان تو. جان و روح من سپر بلای جان تو، یا ابوالحسن. همواره با تو خواهم بود. اگر تو در خیر و
نیکی بسر می‌بری، با تو خواهم زیست و اگر در سختی و بلاها گرفتار شدی، باز هم با تو خواهم
بود.» من دارایی‌ام را به پای آن‌ها می‌ریزم و هیچکس نباید در این باره مرا عتاب کند.

امام خمینی ره در نامه معروفش خطاب به همسرش می‌نویسد:

تصدقت شوم؛ الهی قربانت بروم. در این مدت که مبتلای جدایی از آن نور چشم عزیز
و قوت قلبم گردیده‌ام، همواره به یاد شما هستم و صورت زیبایت در آینه قلبم منقوش
است. عزیزم، امیدوارم خداوند شما را در پناه خودش حفظ کند. . . اکنون در شهر
زیبای بیروت هستم. . . صد حیف که محبوب عزیزم همراه نیست.^۳

هدیه دادن

محبت تنها با کلمات بیان نمی‌شود. انجام کارهای کوچک برای دیگران، مانند دادن هدیه یا
کمک در کارهای روزمره، می‌تواند نشان‌دهنده محبت باشد. هدیه دادن یکی از مهم‌ترین راه‌های
ابراز محبت و نشان دادن توجه و علاقه است. می‌توان به بهانه‌های مختلفی مانند تولد، سالگرد
ازدواج و اعیاد مذهبی، مانند عید غدیر یا روز میلاد اهل بیت علیهم السلام، به یکدیگر هدیه داد.

۱. قاضی نعمان مغربی، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام، ج ۳، ص ۱۷۷.

۲. جواد طهرانی، نهج‌الحیة، ص ۱۴۷.

3. <http://www.imam-khomeini.ir/fa/n3302/%>

رسول خدا ﷺ فرمودند: «مَنْ دَخَلَ السُّوقَ فَأَشْتَرَى تُخْفَةً فَحَمَلَهَا إِلَى عِيَالِهِ كَانَ كَحَامِلٍ صَدَقَةٍ إِلَى قَوْمٍ مَحَاوِيحٍ؛^۱ هرکس به بازار برود، تحفه‌ای را خریداری و به خانواده‌اش هدیه کند، پاداش او همانند کسی است که صدقه‌ای را به گروه نیازمندان رسانده باشد.» همچنین حضرت فرمود: «الْهَدِيَّةُ تُورِثُ الْمَوَدَّةَ وَ تَجْلُزُ الْأُخُوَّةَ وَ تُدْهِبُ الضَّغِينَةَ وَ تَهَادُوا تَحَابُّوا؛^۲ هدیه، دوستی می‌آورد و رابطه برادری را استوار می‌کند و کینه را می‌زداید، هدیه به یکدیگر بدهید تا محبت بیاید.»
همسر شهید صیاد شیرازی می‌گوید:

...به هر بهانه‌ای برایم هدیه می‌خرید؛ مانند برای روز مادر و روزهای عید. اگر روزی هم فراموش می‌کرد، در اولین فرصت جبران می‌کرد. هدیه‌اش را می‌داد و از زحماتم تشکر می‌کرد. زمانی که فرمانده نیروی زمینی بود، مدت‌ها به خانه نیامده بود. یک روز متوجه شدم درب خانه را می‌زنند. در را که باز کردم چند نظامی را پشت در دیدم. وقتی پرسیدند: «منزل جناب سرهنگ شیرازی؟»، دلم لرزید. گفتم: «جناب سرهنگ جبهه هستند. چرا اینجا سراغشان را می‌گیرید؟ طوری شده است؟». گفتند: «از طرف ایشان پیغامی داریم» و بعد پاکتی را به من دادند و رفتند. توی حیاط پاکت را درحالی که دستانم می‌لرزید، باز کردم. یک نامه و یک انگشتر عقیق بود. نوشته بود: «برای تشکر از زحمت‌های تو. همیشه دعایت می‌کنم» یک نفس راحت کشیدم. اشک امانم نداد.^۳

۲. حسن خلق

خوش اخلاقی در خانواده یکی از ارکان اساسی برای ایجاد و حفظ روابط مثبت و سازنده بین اعضای خانواده است. اخلاق خوب نه تنها به بهبود ارتباطات کمک می‌کند، بلکه می‌تواند جو خانوادگی را پر از آرامش و عشق کند. خوش اخلاقی باعث ایجاد فضای شاداب و مثبت در خانواده می‌شود. شوخی‌ها و خنده‌های دسته‌جمعی می‌توانند روحیه اعضای خانواده را تقویت کرده و استرس‌ها را کاهش دهند، همچنین خوش اخلاق خوب در قالب احترام اعضای خانواده به همدیگر شکل گیرد، برای مثال، هر یک از اعضا باید به نظرات، احساسات و نیازهای یکدیگر

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۱۰۴.

۲. همان، ج ۷۴، ص ۱۶۶.

۳. رضا آبیاری، همسران زمینی، سرداران آسمانی، ص ۶۵.

احترام بگذارند. این احترام باعث ایجاد حس امنیت و پذیرش در خانواده می‌شود. شاید بر این اساس باشد که قرآن پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را دارای خلق عظیم معرفی می‌کند: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ؛^۱ و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری!» که شامل استواری بر حق، صبر در مقابل آزار مردم، و خطاهای دیگران و عفو و اغماض از آنان، سخاوت، مدارا و تواضع می‌شود.^۲ اگر ما فردی را دوست بداریم در رفتار و کردار نیز خوشخویی پیشه می‌کنیم، شاید بتوان گفت بزرگ‌ترین نشانه محبت ما به دیگران، خوشخویی است. در خانواده این امر به صراحت در چندین مرتبه نسبت به خانواده بیان شده است: «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛^۳ با همسران خود به شایستگی و نیکویی معاشرت کنید.» بر اساس این رهنمود قرآنی است که رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همواره مسلمانان را به خوشخویی و مصاحبت نیکو نسبت به خانواده‌شان سفارش می‌نمود: «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِيهِ وَ أَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي؛^۴ بهترین شما کسی است که برای خانواده خود بهترین است و من بهترین افراد برای خانواده‌ام هستم.»

نمونه‌ای از بداخلاقی در خانواده

در روایتی تاریخی آمده است که هنگامی که به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خبر رسید سعد معاذ از دنیا رفته است، حضرت با اصحاب بر جنازه او حاضر شدند و دستور غسل و کفن او را دادند. در طول مراسم، حضرت با پای برهنه و بدون ردا حرکت می‌کرد و سپس به داخل قبر رفته و او را در قبر گذاشت. در این هنگام، مادر سعد که از حضور پیامبر و همراهی او در مراسم فرزندش خوشحال بود، کنار قبر فرزندش آمد و گفت: «ای سعد، بهشت بر تو گوارا باد.» در این هنگام، پیامبر فرمود: «ای مادر سعد! هیچ‌گاه از طرف خداوند خبری مده!» چون اکنون سعد از فشار قبر رنج می‌برد و آزرده شده است. سعد قدری بداخلاقی با خانواده خود داشت و این فشار قبر به خاطر همان بداخلاقی او با خانواده‌اش بود.^۵

۱. قلم: ۴.

۲. محمدحسین طباطبائی، تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی، ج ۱۹ ص ۶۱۸.

۳. نسا: ۱۹.

۴. محمد بن علی بن بابویه، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۵۵.

۵. همو، علل الشرایع، ص ۳۱۰، ح ۴.

۳. متعادل کردن انتظارات و درک متقابل

انتظارات و درک متقابل اعضای خانواده یکی از اصول کلیدی در ایجاد روابط سالم و پایدار است. در هر خانواده‌ای، اعضا انتظارات و نیازهای خاصی از یکدیگر دارند و درک این انتظارات برای بهبود و تقویت روابط خانوادگی ضروری است. انتظارات و درک متقابل در خانواده نه تنها به بهبود روابط کمک می‌کند، بلکه فضای خانوادگی را به مکانی امن و پر از محبت تبدیل می‌سازد. با ایجاد فضایی از فهم و احترام متقابل، خانواده می‌تواند به یک واحد هماهنگ و شاد تبدیل شود که در آن اعضا به یکدیگر برای رشد و پیشرفت کمک می‌کنند. این مهم با رعایت حقوق اعضای خانواده و شناخت تفاوت‌ها ایجاد می‌شود، یعنی میان همسران و والدین با فرزندان تکالیف و حقوقی وجود دارد که در نگاه آنان ممکن است انتظارات و توقعاتی را ایجاد کند، که برخی از آن‌ها طبیعی و برخی انتظارات موجود نیز ممکن است نامعقول و غیرمنطقی باشد. این انتظارات و توقعات ممکن است منجر به ایجاد تنش‌ها و درگیری‌ها و نارضایتی‌های زیادی در محیط خانواده حتی باعث ایجاد افزایش خشم و نارضایتی شود که به‌طور طبیعی از محبت و روابط اعضا نیز کاسته خواهد شد. در کلمات معصومین علیهم‌السلام با اشاره به تفاوت‌های ذاتی و روحی زنان و مردان و فرزندان در کودکی و نوجوانی، به‌نوعی توصیه می‌شود تا در روابط این تفاوت‌ها مدنظر قرار گرفته و وظایف و حقوق بر اساس آن شکل بگیرد و شأن و وضعیت جسمی و روحی زن و مرد در نظر گرفته شود. مانند اینکه از زن به عنوان ریحانه تعبیر شده است: «فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ»^۱ و این امر به معنای ملاحظت و مهربانی با اوست، از سوی دیگر به زنان توصیه شده در مقابل بدخلفی‌های مردان که ممکن است به دلیل تنش‌های شغلی و اقتصادی ایجاد شود، صبر پیشه کنند^۲ و پاداش‌های عظیمی در رعایت این امور برای آن‌ها در نظر گرفته شده است.

یادآوری می‌کنم که زندگی امام علی علیه‌السلام مبتنی بر انتظارات منطقی و قناعت بود. روزی امام علی علیه‌السلام از حضرت زهر علیها‌السلام پرسید: «چرا من را از رنج گرسنگی و بی‌غذا ماندن در خانه باخبر نکردی؟» حضرت زهر علیها‌السلام در پاسخ فرمود: «يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنِّي لَأَسْتَحْيِي مِنْ إِلَهِي أَنْ أَكَلِّفَكَ مَا

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۱۰.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۳ ص ۲۴۷.

لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ؛^۱ یا اباالحسن! من از خدای خود شرم می‌کنم که به تو تکلیفی کنم که قادر به انجام آن نیستی. « بعد از شهادت حضرت زهرا علیها السلام نیز فرمود: «فَوَاللَّهِ مَا أَغْضَبْتُهَا وَلَا أَكْرَهُتُهَا عَلَيَّ أَمْرٍ حَتَّى قَبَضَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ وَلَا أَغْضَبْتَنِي وَلَا عَصَتْ لِي أَمْرًا؛^۲ به خدا سوگند، زهرا علیها السلام تا آن زمان که خدا او را به طور خود برد، مرا ناراحت نکرد و عملی انجام نداد که مرا ناخشنود کند.» این گفت‌وگوها نشان‌دهنده قناعت و تعادل در انتظارات و درک متقابل در زندگی آنها است.

۴. گذشت و تغافل

گذشت به معنای فراموش کردن کینه‌ها و اختلافات گذشته و بخشش دیگران به خاطر اشتباهاتشان است. تغافل به معنای نادیده گرفتن برخی رفتارها یا اشتباهات، به منظور جلوگیری از تشنج و درگیری است. گذشت و تغافل در خانواده دو مفهوم مهم و اساسی هستند که می‌توانند به برقراری رابطه‌های سالم و محبت‌آمیز کمک کنند. این دو مفهوم به نوعی مکمل یکدیگرند و در مدیریت تعارضات و ایجاد محیطی آرام و صمیمی در خانواده نقش بسزایی دارند، به عنوان مثال، گذشت موجب کاهش تنش‌ها می‌شود. زمانی که یکی از اعضای خانواده خطایی انجام می‌دهد، اگر سایرین به جای قضاوت و انتقاد، از گذشت بهره ببرند، تنش‌ها کاهش می‌یابد و فضای آرام‌تری حاکم می‌شود، همچنین گذشت می‌تواند محبت و نزدیکی بین اعضای خانواده را افزایش دهد. وقتی افراد می‌بخشند، نشان‌دهنده این است که ارزش رابطه بیشتر از اشتباهات است، ضمن اینکه گذشت می‌تواند به عنوان یک راه‌حل مؤثر در مدیریت این تعارضات و حفظ روابط سالم عمل کند.

با تغافل و نادیده گرفتن برخی مسائل کوچک، افراد می‌توانند از افزایش تنش‌ها و درگیری‌های بی‌مورد خودداری کنند. تغافل به اعضای خانواده این امکان را می‌دهد که بیشتر بر روی نکات مثبت یکدیگر تمرکز کنند و به جای انتقاد از اشتباهات، به تحسین دستاوردها بپردازند. لذا اعضای یک خانواده بیش از همگان نیازمند آرامش و همدلی و زمینه‌ساز آن هستند، به طور کلی هر کدام از اعضا ممکن است که رفتارها یا سخنانی داشته باشند که باعث ناراحتی یا سوءظن دیگر افراد خانواده شود، درحالی‌که ممکن است هیچ قصد و منظوری برای ایجاد ناراحتی

۱. همان، ج ۴۱، ص ۳۰.

۲. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمّة فی معرفة الأئمة علیهم السلام، ج ۱، ص ۳۶۳.

دیگران نداشته باشند، یا ممکن است به دلیل قرار گرفتن در شرایط خاص دچار آسیب‌های روحی و مشکلات رفتاری شوند. در اینجا گذشت و تغافل باعث پیشگیری از تنش‌ها و ناراحتی‌ها و در نتیجه حفظ و افزایش محبت متقابل میان آن‌ها خواهد شد. از این رو در صدر پیشنهادها قرآن و روایات، عفو (گذشت) و تغافل (چشم‌پوشی) است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفَّوْا وَتَصَفَّحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بعضی از همسران و فرزندان شما دشمنان شما هستند، از آن‌ها بر حذر باشید و اگر عفو کنید و چشم‌پوشید و ببخشید، (خدا شما را می‌بخشد)؛ چراکه خداوند بخشنده و مهربان است. « اهمیت این مسئله به قدری است که در روایات این گذشت و تغافل از وظایف همسر شمرده شده است. امام صادق علیه السلام فرمودند: «وَإِنْ جَهَلْتَ غَفَرَ لَهَا»^۲ اگر زن از روی جهل خطایی انجام داد، بر مرد است که با گذشت با او برخورد کند. »

در واقع تغافل و چشم‌پوشی، به معنای همان ضرب‌المثل فارسی است که «شتر دیدی، ندیدی»؛ چنانکه باباطاهر خطاب به خداوند عرض می‌کند:

از آن روزی که ما را آفری
خداوندا به حق هشت و چارت
به غیر از معصیت چیزی ندیدی
زما بگذر شتر دیدی، ندیدی^۳

آسیب‌های محبت افراطی

محبت و روابط عاطفی نیز گاهی ممکن است به دلیل برداشت‌ها و رفتارهای اشتباه، آسیب‌هایی به همراه داشته باشند که موجب ایجاد مشکلاتی در کانون خانواده شود. دلیل عمده این مسئله این است که برخی مفهوم و فلسفه رفتارها و سخنان محبت‌آمیز را نمی‌دانند، گاهی آن را به برآوردن خواسته‌ها و تمام نیازهای دیگران تعبیر می‌کنند، برخی نیز ممکن است انجام تمام امور و ندادن مسئولیت را به محبت تعبیر کنند. در خانواده‌های تک‌فرزند، گاهی اتفاق می‌افتد که والدین به دلیل وابستگی و محبت افراطی به فرزند، خطاهای او را نادیده می‌گیرند و با انجام تمام امور وی حتی کارهای شخصی، فرزندشان را فردی بدون اعتماد به نفس و وابسته تربیت می‌کنند

۱. تغابن: ۱۴.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۱۱.

۳. باباطاهر، دوبیتی‌ها، دوبیتی ۳۲۷.

که بعدها در ازدواج و زندگی مشترک دچار مشکلاتی می‌شوند.

یکی دیگر از آسیب‌های بزرگ محبت افراطی، تجاوز از حدود الهی است، هرچند مهربانی با دیگران به ویژه اعضای خانواده از نگاه اسلامی امری مورد تأکید و پسندیده است، اما همه این‌ها زمانی ارزشمند است که در مسیر و امتداد بندگی و عبودیت باشد. در منابع تاریخی آمده است که زبیر فردی موردعلاقه و محبت پیامبر ﷺ بود، اما در نهایت در مقابل علی علیه السلام ایستاد. علی علیه السلام فرمود: «مَا زَالَ الرَّبِيزُ رَجُلًا مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ حَتَّى تَشَأَ ابْنَةُ الْمُشْتُومِ عَبْدُ اللَّهِ؛^۱ زبیر پیوسته از خاندان ما بود (با ما همراه بود) تا اینکه فرزندش عبدالله بزرگ شد.»

گاهی محبت فرزند یا یکی از اعضای خانواده انسان را از صراط مستقیم بازمی‌دارد، درحالی‌که از صفات مؤمنان است که محبت و طرفداری آن‌ها از هر کس، در مسیر بندگی و فرمانداری از خداوند متعال است: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدَّ حُبًّا لِلَّهِ؛^۲ بعضی از مردم معبودهایی غیر از خداوند برای خود انتخاب می‌کنند؛ و آن‌ها را همچون خدادوست می‌دارند اما آن‌ها که ایمان دارند عشقشان به خدا شدیدتر است.»

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، قم: کتاب فروشی داوری، اول، ۱۳۸۵ ش.
۲. _____ من لا يحضره الفقيه، مصحح: غفاری، علی اکبر، قم: جامعه مدرسین، دوم ۱۴۱۳ ق.
۳. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام، مصحح: حسینی جلالی، محمد حسین، قم: جامعه مدرسین، اول، ۱۴۰۹ ق.
۴. ابن شعبه حرانی؛ تحف العقول، نشر بین الملل، ۱۳۹۲.
۵. احمدی، علی اصغر؛ تحلیلی تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران، تهران: انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۸.
۶. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّة في معرفة الأئمة، مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم، _____

۱. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه (صبحی صالح)، ص ۵۵۵.

۲. بقره: ۱۶۵.

- تبریز: بنی هاشمی، اول، ۱۳۸۱ ق .
۷. امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعه، نشر دارالتعارف، ۱۴۲۱ ق.
۸. ستوده، امیررضا؛ پایه پای آفتاب، بی نا: نشر پنجره، ۱۳۸۰.
۹. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، مصحح: صبحی صالح، قم: هجرت، اول ۱۴۱۴ ق .
۱۰. طهرانی، جواد، نهج الحیات، ناشر: ولایت، ۱۳۹۸ .
۱۱. قرائتی، محسن؛ تفسیر نور، نشر موسسه در راه حق، ۱۳۷۴.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، مصحح: غفاری علی اکبر، تهران: دار الکتب الإسلامیة چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۱۳. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، مصحح: جمعی از محققان، بیروت: دار إحياء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ ق.

بررسی آثار رعایت عدل و احسان و رسیدگی به نزدیکان در آیه ۹۰ سوره نحل

سید علی اصغر موسوی*

مقدمه

خداوند متعال در آیه ۹۰ سوره نحل، الگوی جامع و متوازی جهت تحقق عدالت اجتماعی در جامعه اسلامی ترسیم فرموده است. این الگو که بر پایه اخلاق و رعایت حقوق افراد استوار می‌باشد، زمینه‌ساز سعادت دنیوی و اخروی است. خداوند در این آیه به رعایت سه اصل مهم در تعاملات انسانی دستور می‌دهد: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ؛ همانا خدا (خلق را) فرمان به عدل و احسان می‌دهد و به بذل و عطاء خویشاوندان امر می‌کند و از افعال زشت و منکر و ظلم نهی می‌کند و به شما پند می‌دهد، باشد که موعظه خدا را بپذیرید.»

در این راستا، عدل به عنوان پایه‌گذار نظم اجتماعی و تضمین گر حقوق فردی در جامعه عمل می‌کند. احسان نیز فضیلتی اخلاقی و خیرخواهانه است که فراتر از الزامات قانونی عمل می‌کند و به بهبود روابط، تحکیم خانواده، گسترش فرهنگ نیکوکاری و تقویت روحیه تعاون و همکاری در جامعه کمک می‌کند. ایتاء ذی القربی نیز پیونددهنده خانواده و اجتماع است و به تقویت ارزش‌های فرهنگی، تعاملات انسانی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی کمک کرده و با ایجاد شبکه‌های حمایتی، موجب وحدت، همبستگی و کاهش فاصله‌های طبقاتی می‌شود. هماهنگی

* پژوهشگر ادبیات و هنر دینی.

و تعامل این سه اصل، چارچوب متوازنی جهت توسعه روابط سازنده و ارتقای ارزش‌های اخلاقی در جامعه فراهم می‌آورد و در نهایت منجر به دستیابی به سعادت فردی و اجتماعی می‌شود. نظر به اهمیت موضوع در این نوشتار به تاثیر سه اصل عدل، احسان و رسیدگی به نزدیکان در آیه ۹۰ سوره نحل، در سه سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی می‌پردازیم.

تعاریف

الف) عدل

برای عدل می‌توان دو مفهوم خاص و عام در نظر گرفت: یکی رعایت حقوق دیگران و دیگری انجام دادن کار حکیمانه و قرار دادن هر چیزی در جایگاه شایسته‌اش.^۱ امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا؛ عدالت هر چیزی را بر سر جای خودش می‌دهد.» عدالت در عقیده به معنای ایمان آوردن به آن چه حق است. عدالت در عمل یعنی انجام کاری که سعادت فرد در آن است. عدالت بین مردم یعنی قراردادن هر کس در جای خودش، احسان به نیکوکاران، عقاب بدکاران، ستاندن حق مظلوم و تبعیض روا نداشتن در اجرای قانون.^۳

ب) احسان

«احسان» از ریشه «حَسَن» به معنی زیبایی و نیکویی می‌باشد و احسان نیز به معنای نیکي کردن است.^۴ مقصود از احسان، احسان به غیر است نه اینکه فرد کار را نیکو کند، بلکه خیر و نفع را به دیگران برساند؛ آن هم نه بر سبیل مجازات و تلافی، بلکه خیر دیگران را با خیر بیشتری تلافی کند و شر آنان را با شر کمتری مجازات کند و نیز ابتدا و تبرعا به دیگران خیر برساند.^۵

ج) ایتاء ذی القربی

ذی القربی، به معنای خویشاوند رَحِمی و نَسَبی است و منظور از ایتاء ذی القربی حقوق خویشاوندی است.

-
۱. ر.ک: محمدتقی مصباح یزدی، آموزش عقائد، ص ۱۹۳.
 ۲. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷.
 ۳. محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن الکریم، ج ۱۲، ص ۳۳۱.
 ۴. علی اکبر قرشی، تفسیر أحسن الحدیث، ص ۱۳۴.
 ۵. محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن الکریم، ج ۱۲، ص ۴۷۹.

ارتباط عدل، احسان و ایتاء ذی القربی با یکدیگر

از نظر تفسیر نور آیه ۹۰ سوره نحل منشور جهانی اسلام است و به گفته فیض کاشانی در تفسیر صافی؛ اگر در قرآن همین يك آیه بود، کافی بود که بگوئیم: قرآن، «تبیان کل شیء» است، اوامر و نواهی این آیه در همه ادیان بوده و هرگز نسخ نشده است.^۱ زیرا راهبردهای عملی برای تحقق عدالت اجتماعی، گسترش احسان و تقویت پیوندهای اجتماعی را تبیین می‌کند. «امام محمد باقر علیه السلام بعد از خطبه‌های نماز جمعه، این آیه را تلاوت می‌کردند و بعد از آن، از خدای متعال می‌خواستند که از یادآوران این آیه باشند و از این یادآوری بهره بگیرند و پس از آن از منبر پایین می‌آمدند.^۲

در این آیه، همنشینی دو مفهوم بنیادین عدل و احسان نشان‌دهنده تأثیر متقابل و مکمل آن‌ها در اصلاح و پیشرفت جامعه است. عدل به‌عنوان زیرساخت و مؤلفه موثر در تحقق عدالت و تعادل اجتماعی است، درحالی‌که احسان با دعوت به بخشش، ایثار نیکوکاری، و رفتار فراتر از عدالت، به تقویت پیوندهای انسانی و ایجاد وحدت اجتماعی تشویق می‌کند. «در عدل، جزا و پاداش به اندازه عمل است، اما در احسان، پاداش و جزا بیش از عمل و رفتار است»^۳، همچنان‌که برخی در تعریف احسان نوشته‌اند: «احسان چیزی برتر از عدالت است؛ زیرا عدالت این است که انسان آنچه بر عهده اوست، انجام بدهد و آنچه را متعلق به اوست، بگیرد، ولی احسان این است که انسان بیش از آنچه وظیفه اوست، انجام دهد و کمتر از آنچه حق اوست، بگیرد»^۴ بنابراین احسان، فعلی حاکی از دیگرگروی، عشق و انسانیت به دیگران است. این اصل به دنبال قاعده‌ای هنجاری برای انجام عملی به سود دیگران است که به پیشبرد منافع مهم و مشروع دیگران کمک کند و غالباً به دنبال جلوگیری یا از بین بردن آسیب‌ها یا ضررهای احتمالی به دیگران است.^۵ شاید آن هم به این دلیل که احسان میتواند شکاف‌های ناشی از نقص‌های

۱. محسن قرآنی، تفسیر نور، ج ۴ ص ۵۷۱.

۲. محمدحسین افشاری، تربیت اجتماعی در آیه ۹۰ سوره نحل، سایت خانه خوبان، موجود در: <https://khanehkhobeman.ir>

۳. علیرضا دهقانپور و ژیلای بخشی، معنائشناسی احسان در قرآن، ص ۶۵.

۴. حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۲۳۶.

۵. هادی صادقی و محمدهادی خوانساری، دیگرگروی اخلاقی، منظری قرآنی، ص ۱۷.

احتمالی عدالت را با همدلی و نیکوکاری پر کند. در این راستا، توجه به ابتداء ذی القربی می تواند به عنوان عامل موثری برای تقویت روابط اجتماعی و انسانی در نظر گرفته شود. زیرا انسان با وجود تمام داشته های خود باز نیاز به حمایت افرادی دارد که پرمهرترین به او هستند. بنابراین خویشاوندان را می توان بزرگترین شبکه حمایتی هرانسانی دانست که علاوه بر کارکردهای خود در حلقه های نزدیکان، آنان را به ایفای نقش ارزنده در رشد و سعادت جامعه سوق می دهد.

آثار رعایت عدل و احسان و رسیدگی به نزدیکان

رعایت عدل و احسان و رسیدگی به نزدیکان آثار گسترده ای بر سطوح فردی، خانوادگی و اجتماعی دارد که در ادامه بدانها اشاره می شود:

۱. آثار فردی رعایت عدل و احسان و رسیدگی به نزدیکان

الف) تأثیر عدالت بر آرامش فردی

از آنجا که انسان ذاتا موجودی عدالت خواه آفریده شده است، وجود عدالت در محیط زندگی افراد باعث افزایش حس امید، امنیت، آرامش و رضایت از زندگی می شود. حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می فرمایند: «فَرَضَ اللَّهُ الْعَدْلَ تَسْكِينًا لِلْقُلُوبِ؛^۱ خداوند عدالت را برای آرامش دلها، واجب کرد.»

محیط های ناعادلانه، برانگیزاننده خشم در افراد هستند و موجب می شوند که افراد خود را مدام ملزم به واکنش در برابر تبعیض و ناعدالتی بدانند. از طرفی وجدان اجتماعی این افراد به دلیل نگرانی هایی که نسبت به ناعدالتی های جامعه دارند، مدام احساس مسئولیت کرده و آرامش نداشته باشد. این وضعیت می تواند منجر به احساس گناه، تنش، استرس و اضطراب در آنان شود.

ب) تأثیر احسان بر سلامت روانی و معنوی فرد

از نظر آموزه های دینی، نیکوکاری نه تنها سلامت روان دنیوی افراد را تضمین می کند بلکه سعادت ابدی اخروی آنان را نیز فراهم می آورد.^۲ خداوند متعال می فرماید: «قَالُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ

۱. محمد بن علی بن بابویه، علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۴۸، ح ۲.

۲. محسنی و دیگران، آثار روان شناختی فعالیت های نیکوکارانه، ص ۲۹۰.

بررسی آثار رعایت عدل و احسان و رسیدگی به نزدیکان در آیه ۹۰ سوره نحل ■ ۵۷

أَحْسِنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ؛^۱ و به کسانی که تقوا پیشه کردند گفته شود پروردگارتان چه نازل کرد می‌گویند خوبی برای کسانی که در این دنیا نیکی کردند [پاداش] نیکویی است و قطعاً سرای آخرت بهتر است و چه نیکوست سرای پرهیزگاران. « خداوند در آیه دیگری می‌فرماید: «فَاتَاهُمُ اللَّهُ تَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»^۲ پس خداوند پاداش این دنیا و پاداش نیک آخرت را به آنان عطا کرد و خداوند نیکوکاران را دوست دارد. «

نیکوکاران از آثار دنیوی احسان همچون هدایت خاص، افزایش طول عمر و روزی، دوری از گناه، بهره‌مندی از رحمت الهی و دیگر نعمت‌ها در دنیا و در آخرت از چشم‌پوشی از عقاب الهی، پاداش‌های افزون‌تر، دریافت تحیت الهی، رسیدن به نعمت‌های بهشتی و پاداش ابدی بهره‌مند خواهند شد.^۳

تا توانی دفع غم از خاطر غمناک کن

در جهان گریاندن آسان ست اشکی پاک کن

گر نسیم فیض خواهی از گلستان وجود

یک سحر چون گل به عشق او گریبان چاک کن^۴

حتی تأثیر احسان بر سلامت روان نیز در تحقیقات علمی تایید شده است: احسان باعث ترشح دوپامین می‌شود، یک ماده شیمیایی در مغز که با لذت و پاداش مرتبط است. این امر به کاهش استرس و بهبود سلامت روان کمک می‌کند. اعمال مهربانی فقط به فرد گیرنده فایده نمی‌رساند، بلکه باعث ایجاد یک واکنش مثبت در دهنده نیز می‌شود.^۵

ج) تأثیر رسیدگی به نزدیکان در تقویت احساس تعلق

فرد در طول زندگی خود نیازمند احساس تعلق به والدین، خواهران و برادران است. حمایت

۱. نحل: ۳۰.

۲. آل عمران: ۱۴۸.

۳. محسنی و دیگران، همان.

۴ ملک الشعراء بهار.

5. Granville, J.V. (2022). Using Kindness as an Intervention for Mental Health and Well-Being. The Chicago School of Professional Psychology.

عاطفی و مالی از خویشاوندان، به ویژه کمک به خواهر یا برادر، نه تنها محبت را تعمیق می‌کند بلکه موجب تقویت و افزایش احساس تعلق فرد به خانواده می‌شود. در این راستا، مسئولیت‌های فرزندان در قبال والدین به عنوان یکی از بزرگترین وظایف خانوادگی مطرح است، زیرا احترام و خدمت به والدین نه تنها موجب احساس ارزشمندی در افراد می‌شود، بلکه منجر به کاهش تنش‌های روانی و افزایش سلامت معنوی در خانواده آنان نیز می‌گردد. این پاداش‌ها در نهایت در آموزه‌های دینی نیز تأکید شده است، همانطور که امام سجاد علیه السلام رسیدگی به حقوق خویشاوندان و به ویژه والدین را با حفظ اولویت مورد تأکید قرار می‌دهد: «و حُقُوقُ رَحِمِكَ كَثِيرَةٌ مُتَّصِلَةٌ بِقَدْرِ اتِّصَالِ الرَّحِمِ فِي الْقُرَابَةِ فَأَوْجِبْهَا عَلَيْكَ حَقُّ أُمَّكَ ثُمَّ حَقُّ أَبِيكَ... ؛ 'و حقوق خویشانت بسیار است و مربوط به اندازه نزدیکی پیوند خویشاوندی است. واجب‌ترین آنها حق مادر تو است، سپس حق پدرت، آن‌گاه حق فرزندت، سپس حق برادرت، و پس از آن به ترتیب حق هر که نزدیک و نزدیک‌تر است که نزدیک‌تر در اولویت است.»

خاک شو زیرپای او که بهشت در قدمگاه مادران باشد^۲

۲. آثار خانوادگی رعایت عدل و احسان و رسیدگی به نزدیکان

سه اصل اساسی این آیه موجب تقویت آرامش و انسجام خانواده‌ها خواهد شد:

الف) تأثیر عدل بر خانواده و رشد فرزندان

عدالت در خانواده به معنای رعایت انصاف در مادیات و معنویات است، اعم از تقسیم امکانات، توجه، محبت، احترام و مسئولیت‌ها میان اعضای خانواده. این اصول موجب می‌شود افراد، به ویژه فرزندان، از احساس ارزشمندی و عزت نفس بهره‌مند شوند. فرزندی که در معرض رفتارهای عادلانه قرار می‌گیرد، به طور ناخودآگاه با الگوبرداری از والدین، می‌آموزد که در جامعه نیز به عدالت رفتار کند و رفتار عادلانه را به عنوان یک اصل تربیتی پذیرفته و به فرزندان خود منتقل کند. فرزندی که به طور منصفانه از امکانات و توجهات بهره‌مند می‌شوند، نه تنها فرصت مناسبی برای رشد و سعادت دارند، بلکه به دلیل دوری از تنش، تبعیض و ناراضی، در

۱. حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۵۶.

۲. جامی.

محیطی سرشار از آرامش، امنیت، همدلی و همیاری، تلاش بیشتری برای تعالی و کمال به کار می‌گیرند.

پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همواره بر عدالت میان فرزندان تاکید نموده اند: «اتَّقُوا اللَّهَ وَاعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ كَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يَبْرؤَكُمْ»^۱ از خدا بترسید و میان فرزندانان به عدالت رفتار کنید، همچنانکه شما نیز دوست دارید آنان اطاعت و احترامتان کنند.»

ب) آثار نهادینه سازی احسان در خانواده

احسان در خانواده با رفتارهایی همراه با محبت، مسئولیت‌پذیری فراتر از وظایف عرفی و شرعی، و فداکاری بدون انتظار پاداش جلوه‌گر می‌شود. توجه به نیازهای عاطفی و حمایتی همسر، همدلی با فرزندان و حمایت از آرزوهای آنان، رشد تفکر و خلاقیت خواهر و برادر و همچنین نگهداری از سالمندان بدون انتظار تلافی، از جمله نمونه‌های احسان در خانواده است.

خانواده‌هایی که نیکی به یکدیگر در آنها نهادینه شده آرامش و معنویت بیشتری دارند. برای مثال، زنی که در شرایط سخت اقتصادی با درک همسرش از خریدهای غیرضروری خودداری می‌کند یا مردی که با وجود خستگی به همسرش در کارهای خانه کمک می‌کند، الگویی از احسان را ارائه می‌دهند. این رفتارها نه تنها حس اعتماد و تعلق را در اعضای خانواده تقویت می‌کند، بلکه الگویی مثبت برای نسل‌های بعد خواهد بود. احسان، با تقویت روابط، خانواده را به محیطی امن و پر محبت تبدیل می‌کند؛ جایی که افراد می‌توانند مشکلاتشان را به جای فضای مجازی یا دیگران، با خانواده در میان بگذارند. در نتیجه، خانواده‌ای شاد و موفق شکل می‌گیرد که اعضای آن از انتساب به یکدیگر افتخار می‌کنند. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِنِسَائِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ»^۲ بهترین شما، کسی است که نسبت به همسران و دخترانش نیکو رفتارتر باشد. « همچنین امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «وَقَالَ: مَنْ حَسَنَ بَرَّهُ بِأَهْلِ بَيْتِهِ زِيدَ فِي رِزْقِهِ»^۳ هر که با خانواده اش نیکوکار باشد، روزی اش زیاد می‌شود. «

فریدون فرخ، فرشته نبود
ز مُشك و ز عنبر سرشته نبود

۱. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۱۳، ص ۴۸۶.

۲. حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۵.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۱۰۴.

به داد و دهش یافت آن نیکویی تو داد و دهش کن فریدون تویی^۱

ج) تاثیر رسیدگی به خویشاوندان در تقویت شبکه‌های خانوادگی

والدین با حمایت از خویشاوندان، ق‌دردانی و وظیفه‌شناسی را به فرزندان خود آموزش می‌دهند و نسلی حمایتگر و همدل تربیت می‌کنند. ایتای ذی‌القربی موجب شکل‌گیری شبکه‌ای حمایتی می‌شود که در آن، خانواده‌های یک فامیل با صل‌ه‌رحم و به‌جا‌آوری حق یکدیگر، زنجیروار به هم متصل می‌شوند. این ارتباطات، توجه، محبت، همبستگی و تعهد میان خانواده‌ها را تقویت کرده و در مواقع بروز مشکلات، به‌ویژه اقتصادی، حمایت متقابل را فراهم می‌آورد. این شبکه علاوه بر کاهش بار روانی ناشی از مشکلات، موجب کاهش بحران‌های رفتاری و ارتباطی در مواقع بروز مشکلات در خانواده‌ها و افزایش امنیت می‌شود؛ زیرا اعضای خانواده خود را بخشی از زنجیره‌ای بزرگ‌تر می‌بینند که می‌توانند در مواقع نیاز از آن کمک بگیرند.

والدینی که با فامیل رفت‌وآمد دارند، بستری فراهم می‌کنند تا فرزندان‌شان با کودکان خویشاوند دوست شوند و از آسیب‌های ناشی از ارتباط با دوستان ناباب دور بمانند. این فرمان الهی، نه‌تنها روابط خویشاوندی را تقویت می‌کند بلکه خانواده را به‌عنوان هسته اولیه جامعه، مستحکم‌تر می‌سازد. براساس همین مزایای بی‌شمار در آموزه‌های اسلامی پیوسته بر ارتباط میان خویشاوندان تاکید شده است: حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: «صِلَّةُ الرَّحِمِ تُوجِبُ الْمَحَبَّةَ وَ تَكْتِبُ الْعُدُوَّةَ»^۲ پیوند با خویشاوند موجب مهر و محبت است و دشمن را برو می‌افکند و خوار می‌دارد. «امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «صِلَّةُ الْأَرْحَامِ تُزَكِّي الْأَعْمَالَ وَ تُنْمِي الْأَمْوَالَ وَ تَدْفَعُ الْبَلْوَى وَ تُبَيِّنُ الْحِسَابَ وَ تُنْسِي فِي الْأَجَلِ»^۳ صل‌ه‌ارحام عمل را پاک و پر ثواب‌تر کند و اموال را فزاید و دفع بلا کند و حساب را آسان کند و مرگ را پس اندازد.»

۳. آثار اجتماعی رعایت عدل و احسان و رسیدگی به نزدیکان

الف) تاثیر عدل بر انسجام اجتماع

عدل نه تنها یک فضیلت اخلاقی بلکه به عنوان یک ضرورت اجتماعی نقش مهمی در پایداری

۱. فردوسی.

۲. عبد الواحد بن محمد آمدی تمیمی، غررال‌حکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۴۲۱.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۵۰.

اجتماعی و همبستگی و انسجام جامعه دارد. در اسلام عدالت نه تنها در رفتار، گفتار، قضاوت و حتی افکار و نیتها مطرح است بلکه در تقسیم منصفانه امکانات، حقوق و خدمات در میان مردم یک جامعه نیز مطرح است. از این رو افراد باید در هر مقام و جایگاهی هستند عدالت را رعایت کنند. برای نمونه یک معلم باید به طور منصفانه فرصت‌ها و امکانات کلاس را برای شاگردانش تقسیم کند و به آنها به طور یکسان برای موفقیت به آنها انگیزه بخشی کند.

در تاریخ اسلام، حکومت امیرالمؤمنین علی علیه السلام نمونه‌ای از جامعه‌ای است که عدالت در آن اصل محوری بود. یکی از بارزترین مثال‌ها، زمانی است که ایشان به‌عنوان حاکم مسلمانان، زره خود را نزد قاضی و در برابر یک یهودی به دادگاه بردند^۱ تا ثابت کنند که قانون برای همه یکسان است.

در چنین جامعه‌ای، افراد به دلیل احساس برابری و ارزشمندی، به مشارکت و همکاری با گروه‌های مختلف اجتماع پرداخته و موجب رشد جامعه می‌شوند. در جامعه عادلانه، امکانات مختلف همچون بهداشتی، فرهنگی، ورزشی و... به طور عادلانه میان مردم توزیع می‌شود و این امر باعث کاهش فقر، اختلافات طبقاتی، عقده‌های روانی و نارضایتی می‌گردد و افراد در فرصت‌های برابر می‌توانند با همدلی و همبستگی به پیشرفت و سعادت یکدیگر کمک کنند. برعکس، ناعدالتی در توزیع امکانات و حقوق می‌تواند موجب بروز تبعیض، نارضایتی، فاصله طبقاتی، انزوای بی‌ارزشی در جامعه شود و در نهایت شکاف‌های عمیق اجتماعی را ایجاد کند.

ب) احسان عامل شکل‌گیری فرهنگ حمایت‌گری در جامعه

در آموزه‌های اسلامی، تأکید زیادی بر احسان و نیکوکاری در جامعه شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «تَوَاصَلُوا وَتَبَاوَأُوا وَتَرَاحَمُوا وَكُونُوا إِخْوَةً بَرَرَةً كَمَا أَمَرَ كُمْ اللَّهُ»^۲ با یکدیگر پیوند داشته باشید و به هم نیکی کنید و با یکدیگر مهربان باشید و همچنانکه خداوند به شما دستور داده است، برادرانی نیکوکار باشید.»

در سایه احسان، روحیه ایثار و تعاون، حس نوع‌دوستی و همدلی، مشارکت و تعلق به جامعه تقویت می‌شود. احسان در جامعه عاملی است برای شکل‌گیری مؤسسات خیریه و گروه‌های

۱. ر.ک: محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۴، ص ۳۱۶.

۲. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۷۵.

داوطلبانه بسیجی، جهادی و... که نه تنها مشکلات جامعه را حل می‌کنند، بلکه موجب افزایش اعتماد عمومی و کاهش نارضایتی‌ها می‌شوند. نمونه‌های بارز این موضوع را می‌توان در حضور گروه‌های داوطلب در بلاای طبیعی مانند زلزله یا سیل، در دوران کرونا در کنار کادر درمان، در پروژه‌های سازندگی روستاها و در مناطق روستایی برای انجام اقدامات بالینی و... مشاهده کرد. در این صورت، بسیاری از مشکلات جامعه از طریق خیرخواهی مردم حل می‌شود. به جای آنکه افراد فقط به منافع شخصی خود بیندیشند، رضای خداوند را در نظر می‌گیرند. امام کاظم علیه السلام درباره این افراد می‌فرماید: «إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا فِي الْأَرْضِ يَسْعَوْنَ فِي حَوَائِجِ النَّاسِ هُمْ الْأَمْنُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ خداوند در زمین بندگان دارد که برای برآوردن نیازهای مردم می‌کوشند؛ اینان ایمنی یافتگان روز قیامت اند.»

در چنین جامعه‌ای، فرهنگی حمایتی شکل می‌گیرد که در آن افراد به فکر آسایش و رفاه هم‌وطنان خود هستند. با نهادینه شدن این فرهنگ در جامعه و افزایش شبکه‌های اجتماعی سالم و همکاری‌های داوطلبانه، جامعه به رشد و پیشرفت دست می‌یابد و رفاه، جمع‌گرایی و امنیت اجتماعی افزایش می‌یابد. «همچنین براساس نتایج پژوهشی تلاش‌های خیریه‌ای و اقدامات نیکوکاری می‌تواند با کاهش جرم و خشونت به بهبود امنیت جامعه کمک کند.»^۲

بس بگردید و بگردد روزگار دل به دنیا در نبندد هوشیار
ای که دستت می‌رسد کاری بکن پیش از آن که از تو نیاید هیچ کار^۳

ج) نقش این‌تای ذی‌القربی در تقویت شبکه‌های حمایتی اجتماعی

یکی از آموزه‌های مهم در دین اسلام توجه به حق خویشاوندان است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله حتی از طریق ساده‌ترین راه‌ها نیز بر آن تأکید می‌فرماید: «صَلُّوا أَرْحَامَكُمْ وَ لَوْ بِالسَّلَامِ؛^۴ صلّه‌رحم کنید، گر چه با یک سلام.» به جای آوردن صلّه‌رحم آنقدر اهمیت دارد که رسول الله صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

۱. همان، ص ۱۹۷.

2. Saunders, J.M., Barnes-Proby, D., & Peterson, S. (2018). Leveraging Research and Philanthropy to Reduce Crime and Violence in the Mississippi Delta. RAND.

۳. سعدی

۴. حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۵۷.

«مَنْ مَشَىٰ إِلَىٰ ذِي قَرَابَةٍ بِنَفْسِهِ وَ مَالِهِ لِيَصِلَ رَحْمَةَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ اجْرَ مَاءٍ شَهِيدٍ؛^۱ کسی که با جان و مالش در پی صله رحم بر آید، خداوند متعال اجر صد شهید را به او عطا می کند.»

هدف از تاکید اسلام بر صله رحم را می توان استحکام روابط خانوادگی و ایجاد یک شبکه حمایتی قوی در میان اقوام دانست. بدین ترتیب خانواده ها را می توان ریشه های محکم درخت بزرگ جامعه دانست که باعث شکوفایی آن می شوند. ارتباط نزدیک میان خانواده ها می تواند مشکلات اقتصادی، اجتماعی و حتی روحی را کاهش دهد؛ چراکه افراد از طریق همفکری، همکاری و مشورت با یکدیگر احساس مسئولیت کرده و خود را موظف به کمک به یکدیگر می دانند. در نتیجه خواهند توانست با ایجاد صندوق های قرض الحسنه، فراهم کردن امکانات برای تحصیل اقوام مستضعف، حمایت های عاطفی، بازدید از بیماران و... بسیاری از مشکلات جامعه را حل کنند. حضرت علی علیه السلام در این باره می فرماید: «وَ أَكْرَمُ عَشِيرَتِكَ فَإِنَّهُمْ جَنَاحُكَ الَّذِي بِهِ تَطِيرُ وَ أَصْلُكَ الَّذِي إِلَيْهِ تَصِيرُ وَ يَدُكَ الَّتِي بِهَا تَصُولُ؛^۲ و خویشانت را گرامی دار؛ زیرا آنان پر و بال تو هستند که با آن پرواز می کنی، و اصل و ریشه تو هستند که به آنها باز می گردی.» بنابراین نهادهای حمایتی از خویشاوندان موجب کاهش نرخ بیکاری و فقر و اختلافات طبقاتی خواهد شد. علت این موضوع را می توان پس از عنایت خداوند، در آثار نزدیک شدن خانواده ها و افراد به شبکه حمایتی اقوام جست. افراد با تکیه بر یک مجموعه انسانی که پیوندهای عاطفی باهم دارند است، احساس ایمنی بیشتری می کنند و در مشکلات و مصائب احساس تنهایی نمی کنند. در نتیجه، جامعه بر پایه احساس مسئولیت، همبستگی و همدلی به استحکام و وحدت اجتماعی دست خواهد یافت.

اتفاق دوستان با هم دعای جوشن است

سختی از دوران نبیند دانه تا در خرمن است^۳

۱. محمدبن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۸۶.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۰۵.

۳. فردوسی.

کتابنامه

قرآن کریم

۱. احمدی امیری، سیدعلی، «عدل الهی»، دانشنامه امام خمینی، ج ۷، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، بی تا.
۲. مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقائد، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۳. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ ق.
۴. قرشی، علی اکبر، تفسیر أحسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ ش.
۵. طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۲، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۶. ناصحی، محمد، مروجی، لیلا السادات، «واژه‌شناسی خویشاوندی در قرآن». پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ۷(۲)، ۲۰۹-۲۲۸۷؛ قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی دروس قرآن، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳ ش.
۸. دهقانپور، بخشی، ژیلا، «معناشناسی احسان در قرآن»، پژوهشنامه معارف قرآنی، ۵(۱۷)، ۸۳-۶۱، ۱۳۹۳ ش.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دار العلم و الدار الشامیة، ۱۴۱۲ ق.
۱۰. صادقی، هادی، خوانساری، محمدهادی، «دیگرگروی اخلاقی، منظری قرآنی»، پژوهشنامه اخلاق، شماره ۳۲، ص ۷-۳۶، ۱۳۹۵ ش.
۱۱. محسنی، طاهره و احمدی بیغش، خدیجه، «آثار روان‌شناختی فعالیت‌های نیکوکارانه بر سلامت روان دنیوی و سعادت ابدی اخروی از دیدگاه قرآن و حدیث»، تفسیر پژوهی اثری، ۶(۱۲)، ۲۷۵-۲۹۹، ۱۳۹۸ ش.
۱۲. موسوی، سید علی اصغر، آرایه‌های اخلاقی در متون دینی و ادب پارسی، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۷ ش.
۱۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله و سلم، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
۱۴. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم: دارالحدیث، چاپ ۷، ۱۳۸۶ ش.

بررسی آثار رعایت عدل و احسان و رسیدگی به نزدیکان در آیه ۹۰ سوره نحل ■ ۶۵

۱۵. محدث نوری، محمد بن حسن. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل. ج ۱۴. قم: مؤسسه آل البيت.

۱۶. شریف الرضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴ق). نهج البلاغه. مصحح: صالح. قم: هجرت، چاپ اول.

۱۷. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. مصحح: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول.

۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. مصحح: علی اکبر غفاری، ج ۴. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

۱۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، مصحح: جمعی از محققان، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

۲۰. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و دررالکلم، ویرایش: سید مهدی رجائی، قم: دار الکتب الإسلامی، ۱۴۱۰ق.

۲۱. صدوق، محمد بن علی، علل الشرایع، نجف: المكتبة الحيدرية، ۱۳۸۵ق.

الگوی مقاومت زنان در آیات و روایات

نقشه قنبری*

اشاره

الگوی مقاومت زنان در آیات و روایات جایگاه ویژه‌ای دارد و نقش مؤثر زنان در حفظ ارزش‌ها و استقامت در برابر ناملازمات همواره مورد توجه بوده است. این الگوها نه تنها در عرصه‌های فردی و خانوادگی، بلکه در حوزه‌های اجتماعی و دینی نیز اهمیت بسیاری دارد. بررسی شخصیت زنان بهشتی، ترسیم الگویی وارسته از ویژگی‌های فردی، معنوی، خانوادگی و اجتماعی یک زن کامل را به نمایش می‌گذارد.

با توجه به تأکید اسلام بر نقش ارزنده زن در شکل‌گیری جامعه اسلامی، تبیین نقش زنانی چون حضرت فاطمه علیها السلام، حضرت خدیجه علیها السلام، حضرت آسیه علیها السلام و حضرت مریم علیها السلام به عنوان نمونه‌های بارز مقاومت، حائز اهمیت است.

قرآن کریم و روایات اسلامی با معرفی زنان مقاوم و الگو پیام‌های روشنی در راستای اهمیت استقامت و اعتلای دین مبین اسلام ارائه کرده‌اند. این پیام‌ها می‌تواند نقش مؤثر زنان در ایجاد تغییرات مثبت و پایداری در برابر ناملازمات را ترسیم کند. مقاومت الگوهای برجسته، نه تنها در مواجهه با مشکلات و بحران‌های زندگی اولیای الهی، بلکه در تمام مراحل، نقشی تربیتی و حمایتی ایفا کرده است.

بر این اساس، زنان با الگو برداری صحیح از زنان مقاوم می‌توانند به نقش مؤثر خود در دستیابی به کمال و سعادت پی ببرند و در راستای پیشبرد اهداف انقلاب گام بردارند و جامعه را به سمت جامعه‌ای آرمانی سوق دهند.

* دانش آموخته سطح ۳ جامعه الزهر علیها السلام.

مقام بالای زن در قرآن

قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»؛^۱ ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. بی‌تردید گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست. این آیه شریفه ارزش انسان را به تقوا دانسته است؛ کسی که بیش از همه از نافرمانی خدا پرهیزد و خداوند را اطاعت کند، دارای پاداش بیشتر و منزلتی رفیع‌تر خواهد بود.^۲ از نظر اسلام هیچ‌یک از زن و مرد بر دیگری برتری ندارند، مگر به تقوا. با توجه به این‌که تقوا بالاترین مرحله اخلاق فاضله است، زنانی که از درجات بالای ایمان و اخلاق برخوردارند، گرامی‌تر و از حیث درجه بالاتر از مردانی هستند که این فضائل را ندارند.^۳

رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «أَفْضَلُ نِسَاءِ الْجَنَّةِ أَرْبَعٌ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ص وَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ آسِيَةُ بِنْتُ مُرَاحِمٍ امْرَأَةَ فِرْعَوْنَ»؛^۴ افضل زنان اهل بهشت چهار نفر هستند؛ خدیجه، فاطمه، مریم و آسیه همسر فرعون. تاریخ اسلام هم با ذکر چهره برجسته‌ای چون حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام، نقش بی‌نظیر و ارزنده ایشان در حیات پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و تاریخ سال‌های اولیه رسالت بیان نموده است و حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام دختر گرامی ایشان نیز تحت تربیت چنین بانویی، «ام ایها» و «سید نساء العالمین» لقب گرفت.^۵

زنان الگو

در اینجا به معرفی برخی از زنان الگو می‌پردازیم:

۱. حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام

امام زمان وجود مقدس حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام را، الگوی نیکوی خویش دانستند و فرمودند: «وَفِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِي أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ».^۶ در زندگی فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام، خدامحوری بیش از هر چیز

۱. حجرات: ۱۳.

۲. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۲۰۷.

۳. علامه محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۶۹-۲۷۰.

۴. علامه محمدباقر مجلسی، بحار الانوار ج ۸، ص ۱۷۸.

۵. عبد الرحیم گواهی، درآمدی بر تاریخ ادیان در قرآن، ص ۱۸۳.

۶. فضل بن حسن طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۶۷.

دیگر به چشم می‌خورد و در تمام جلوه‌های رفتار و گفتار ایشان حضور دارد تا آنجا که در زندگی خانوادگی، تمام گفتار و رفتار خویش را با رضایت خدا می‌سنجید و همواره رضایت خدا را بر رضایت خود مقدم داشته، می‌فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَىٰ وَالتَّقَىٰ وَالعِفَافَ وَالكِفَافَ وَالعِغْنَى وَالعَمَلَ بِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَىٰ»^۱؛ خدایا! از تو هدایت و تقوا، عفاف و بی‌نیازی، و عمل به آنچه را تو دوست داری و می‌پسندی را می‌خواهم. این اصل مهم در زندگی حضرت زهرا علیها السلام در حمایت امام علی علیه السلام در راستای تعالی اسلام مشهود است.

حضرت فاطمه علیها السلام در حسن معاشرت با همسر نیز رضایت الهی را مقدم می‌داشتند، روزی امام علی علیه السلام از ایشان پرسید: چرا از رنج گرسنگی و بی‌غذا ماندن خانه، مرا با خبر نکردی؟ حضرت زهرا علیها السلام در پاسخ عرض کرد: «يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنِّي لَأَسْتَحْيِي مِنَ إِلَهِي أَنْ أَكَلِّفَكَ مَا لَا تُقْدِرُ عَلَيْهِ»؛^۲ ای ابوالحسن! من از خدای خود شرم می‌کنم که به تو تکلیفی کنم که قادر به انجام آن نیستی. حضرت فاطمه علیها السلام در اوج علاقه‌ای که به همسرش داشت، باز محبت و رضای خدا را بالاتر می‌دانست، در فرازهایی از مناجات حضرت علیها السلام آمده است: «يَا رَبِّ لَيْسَتْ مِنْ أَحَدٍ غَيْرِكَ تُشَلِّحُ بِهَا صَدْرِي وَتَسُرُّ بِهَا نَفْسِي وَتَقْرُبُ بِهَا عَيْنِي»؛^۳ خداوندا، احدی به جز تو سینه‌ام را خنک و نفسم را مسرور نمی‌کند و هیچ کس جز تو چشم مرا روشنی نمی‌دهد.

حضرت فاطمه علیها السلام عواطف مادری و محبت به فرزندان را نیز تحت محبت و رضایت خداوند قرار می‌دهد، وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایشان را از حوادث جانسوز کربلا و شهادت امام حسین علیه السلام با خبر می‌کند، آیه استرجاع خواند و با صبر و مقاومت در برابر اوامر الهی فرمود: «يَا أَبَتِ سَلَّمْتُ وَرَضِيْتُ وَتَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ»؛^۴ پدرجان، من تسلیم شدم و رضایت دادم و به خدا توکل می‌کنم.

سلام الله ای جان محمد، بر تن و جانانت

که پیغمبر کند تعظیم و بوسد همچون قرآنت

۱. عبدالله بن نورالله بحرانی، عوالم العلوم و المعارف، ج ۱۱، ص ۳۰۸.

۲. محمد بن علی بن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۲، ص ۷۷.

۳. علامه محمدباقر مجلسی، همان، ج ۸۳، ص ۶۷.

۴. ابوالقاسم فرات بن ابراهیم بن فرات کوفی، تفسیر الفرات الکوفی، ص ۱۷۲.

توبی آن سرمدی بحر و توبی آن احمدی کوثر

که جوشد تا قیامت گوهر عصمت ز دامانت^۱

۲. حضرت خدیجه

خدیجه ع دختر خویلد بن اسد بن عبدالعزی بن قصی (از خاندان قریش) و فاطمه بنت زائده، بانویی شریف بود که در روزگار خود دارای اعتبار بود.^۲ منابع تاریخی از او به عنوان زنی ثروتمند که سرمایه خود را برای تجارت، به کار می‌گرفت، نام برده است.^۳ ذکر نام خدیجه کبری ع به عنوان جدۀ امامان معصوم ع، در ادعیه بیانگر جایگاه والای اوست که در ردیف مردان صالح قرار دارد. در فرازی از دعای ندبه آمده است: «أَيْنَ ابْنِ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى، وَأَيْنَ عَلِيٍّ الْمُزْتَضَى، وَأَيْنَ خَدِيجَةَ الْعَرَاءِ، وَأَيْنَ فَاطِمَةَ الْكُبْرَى؛ كَجَاسْتِ پسر پیغمبر برگزیده؟ كَجَاسْتِ پسر علی مرتضی؟ كَجَاسْتِ پسر خدیجه نجیب و بزرگوار؟ و كَجَاسْتِ پسر فاطمه بزرگ؟». مورخانی چون بلاذری و ابن سعد در قرن سوم، ابن عبدالبر در قرن پنجم، و ابن خلدون در قرن هشتم، حضرت خدیجه ع را اولین ایمان آورنده به پیامبر اکرم ص معرفی کرده‌اند.^۴ خدیجه کبری ع به همراه علی ع در اقامه نماز بر پیامبر ص اولین نمازگزاران در اسلام معرفی شده‌اند.^۵ ایمان خدیجه کبری ع موجب لقب «ام المؤمنین» و جدهی بهترین بندگان خدا شد.^۶

بین مادرها مقام برتری دارد خدیجه زن که چون زهرای اطهر دختری دارد خدیجه
گر گذشت از مکنت دنیا ندارد غصه زیرا همچو پیغمبر به دنیا همسری دارد خدیجه
غیر راه حق نبود به غیر حرف حق نگوید همچو ختم الانبیا چون رهبری دارد خدیجه^۷

۳. حضرت مریم ع

حضرت مریم با تحمل فشارهای اجتماعی و حفظ پاکدامنی، نمونه‌ای بارز از مقاومت معنوی

۱. غلامرضا سازگار، نخل میثم، بخش مدح حضرت زهرای ع.

۲. محمد بن جریر طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۲، ص ۲۸۱.

۳. ابن کثیر، البداية والنهاية، ج ۲، ص ۲۹۳.

۴. احمد بن یحیی بن جابر بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۱، ص ۴۷۱.

۵. یوسف بن عبدالله بن محمد نمری قرطبی ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج ۳، ص ۱۰۸۹.

۶. حسن بن ابی الحسن دیلمی، ارشاد القلوب الی الصواب، ج ۲، ص ۴۱۷.

۷. غلامرضا سازگار، نخل میثم، بخش مدح حضرت خدیجه سلام الله علیها.

است. آیه شریفه: «يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ»؛^۱ به مقام برگزیدگی حضرت مریم علیها السلام اشاره دارد که نتیجه صبر و مقاومت او در برابر نامالایمات بود. آیه صراحت دارد بر اینکه حضرت مریم «محدثه» بوده و کلام ملائکه را می شنید.

در این آیه شریفه، مراد از اصطفاء اول، قبول نذر مادر مریم و پذیرفته شدن مریم برای خدمت معبد و ارسال مائده آسمانی و سخن گفتن ملائکه با او و اشاره بصفت عالی مریم است. مراد از «طهرک» پاک نمودن او از شرک و گناهان است. اما مراد از اصطفاء دوم، برگزیدن وی برای ولادت حضرت عیسی مسیح علیه السلام است و چون این امتیاز فقط در مریم بود لذا می شود مراد از «العالمین» همه جهانیان در هر زمان باشد.^۲

۴. حضرت آسیه علیها السلام

حضرت آسیه، همسر فرعون، نمونه ای برجسته از زنانی است که در برابر ظلم و کفر ایستادگی کرد و ایمان خود را حفظ نمود. خداوند متعال در آیه: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ. . .»؛^۳ و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است، حضرت آسیه را به عنوان الگویی برای مؤمنان معرفی می کند که جان خود را در راه ایمان فدا کرد. ایمان و عمل نجات دهنده است، هر چند که انسان متصل به کفار باشد. فرعون به اهل مصر می گفت: «أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى»؛^۴ ولی همسرش آسیه، به موسی ایمان آورد و اهل بهشت گردید. آسیه که در کاخ فرعون زندگی می کرد و تحت سرپرستی مردی کفرپیشه و مستکبر بود تحت تأثیر شرایط محیط قرار نگرفت و ملکه مصر بودن را رها کرد و با استواری در راه ایمان گام نهاد و با سخنان خود و تقاضای بهشت، کاخ فرعون را تحقیر کرد و از ستمکاری آنان بیزار جست و در این راه شربت شهادت نوشید.^۵

هنگامی که آسیه معجزه موسی علیه السلام را در مقابل ساحران مشاهده کرد اعماق قلبش به نور

۱. آل عمران: ۴۲.

۲. سید علی اکبر قرشی، تفسیر احسن الحدیث، ج ۲، ص ۷۶.

۳. تحریم: ۱۱.

۴. نازعات: ۲۴.

۵. محمد علی رضایی اصفهانی، تفسیر قرآن مهر، ج ۲۱، ص ۱۳۸.

ایمان روشن شد، و از همان لحظه به موسی ایمان آورد. او پیوسته ایمان خود را مکتوم می‌داشت، ولی ایمان و عشق به خدا چیزی نیست که بتوان آن را همیشه کتمان کرد، هنگامی که فرعون از ایمان او با خبر شد بارها او را نهی کرد و اصرار داشت که دست از آئین موسی علیه السلام بردارد و خدای او را رها کند، ولی این زن با استقامت هرگز تسلیم خواسته فرعون نشد. سرانجام فرعون دستور داد دست و پاهایش را با میخ‌ها بسته، در زیر آفتاب سوزان قرار دهند، و سنگ عظیمی بر سینه او بیفکنند، هنگامی که آخرین لحظه‌های عمر خود را می‌گذراند دعایش این بود " پروردگارا! برای من خانه‌ای در بهشت در جوار خودت بنا کن و مرا از فرعون و اعمالش رهایی بخش و مرا از این قوم ظالم نجات ده!" خداوند نیز دعای این زن مؤمن پاکباز فداکار را اجابت فرمود و او را در کنار بهترین زنان جهان مانند مریم قرار داد.^۱

دامنش از شرک، آلوده نبود
سنگ و چوب و شاه را، بنده نبود
همسر فرعون و ایمان داشتن!
این مهم، والله که ساده نبود

ویژگی‌های زنان الگو

زنان الگو دارای ویژگی‌های برجسته و ممتازی هستند. در اینجا با توجه به شخصیت حضرت زهرا و خدیجه سلام الله علیهما به برخی از ویژگی‌های این دو بانوی بزرگوار، اشاره می‌شود:

عامل آرامش خانه

منزل حضرت زهرا علیها السلام محل آرامش امام علی علیه السلام بود. علی علیه السلام در این باره فرمودند: «وَلَقَدْ كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهَا فَتَنُكْشِفُ عَنِّي الْهَمُّومَ وَالْأَحْزَانَ»؛ هرگاه به چهره فاطمه علیها السلام می‌نگریستم، تمام غم و اندوه من برطرف می‌شد. بعد از شهادت حضرت زهرا علیها السلام نیز فرمود: «فَوَاللَّهِ مَا أَعْصَبْتُهَا وَلَا أَكْرَهْتُهَا عَلَى أَمْرِ حَتَّى قَبَضَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ وَلَا أَعْصَبْتَنِي وَلَا عَصْتُ لِي أَمْرًا»؛ به خدا سوگند، زهرا علیها السلام تا آن زمان که خدا او را به سوی خود برد، مرا ناراحت نکرد و عملی انجام نداد که مرا ناخشنود کند. موفقیت مردان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و... در پرتو آسودگی خاطر و آرامش در خانواده است.

۱. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲۴، صص ۳۰۲-۳۰۳.

۲. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفة الأئمة، ج ۱، ص ۳۶۳.

حضرت خدیجه علیها السلام نیز در پرتو ایمان، همواره منبع آرامش و پناهگاه روحی برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود. در دوران آغازین بعثت، زمانی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با سنگینی وحی و مسئولیت رسالت مواجه شد، او اولین کسی بود که به ایشان آرامش و اطمینان می داد. در سخت ترین شرایط و مواجهه با فشارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مکه، حضرت خدیجه علیها السلام فضای خانه را به مکانی آرامش بخش برای پیامبر صلی الله علیه و آله تبدیل کرد و این آرامش آفرینی یکی از زمینه های اصلی ثبات پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مأموریت رسالت و موفقیت آن حضرت صلی الله علیه و آله بود.

حضرت خدیجه علیها السلام بهترین و صادق ترین مشاور، وزیر و مایه آرامش پیامبر صلی الله علیه و آله بود، که علاوه بر حمایت های مالی از دین اسلام و رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، با تمام وجود در صحنه های متعددی که خطراتی حضرت صلی الله علیه و آله را تهدید می کرد، حضور داشت و از ایشان دفاع می کرد. روزی رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مکه در ایام حج بر فراز کوه صفا، سه مرتبه رسالت خویش را اعلام نمود. ابوجهل با سنگ، پیشانی حضرت صلی الله علیه و آله را شکست و چون خدیجه علیها السلام مطلع شد، به همراه امام علی علیه السلام با مقداری غذا در کوه ها به جستجوی ایشان رفتند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را با بدنی خونین به منزل بازگرداندند. اما مشرکان آن ها را تعقیب و سنگباران کردند. در این شرایط، خدیجه علیها السلام خود را سپر حضرت صلی الله علیه و آله قرار دادند تا سنگ ها به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برخورد نکند.^۲

عاشق و حامی

خدیجه کبری علیها السلام تمام ثروت و زندگی خود را برای حمایت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهداف ایشان وقف نمود. محبت و عشق ایشان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، محبتی خالص و بدون چشم داشت بود که با فداکاری های بی وقفه در جهت اعتلای اسلام همراه بود. چنانکه حضرت فرمود: «مَا نَفَعَنِي مَالٌ قَطُّ مَا نَفَعَنِي مَالٌ خَدِيجَةَ»؛^۳ هیچ مالی به من سود نبخشید، آن گونه که ثروت خدیجه علیها السلام به من سود بخشید. در محاصره بنی هاشم در شعب ابی طالب نیز، اموال این بانوی بزرگوار در حمایت از بنی هاشم صرف شد. همان طور که در روایت آمده است، ابوطالب و خدیجه علیها السلام تمام

۱. علامه محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۳۱.

۲. همان، ج ۱۸، ص ۲۴۳.

۳. علامه محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۶۳.

اموال خویش را جهت حفظ اسلام و محاصره‌شدگان انفاق کردند.^۱ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز همواره از ایشار خدیجه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا با عظمت و بزرگی یاد می‌نمود.^۲

اهل مدارا و صبر

از دیگر ویژگی‌های بارز زنان در عرصه مقاومت، صبر و شکیبایی است. حضرت خدیجه شریط سخت و چالش‌های زندگی مشترک با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، از جمله فشارهای اجتماعی و اقتصادی، پس از بعثت را تحمی می‌نمود؛ این ویژگی خدیجه کبری رَضِيَ اللهُ عَنْهَا به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قدرت و انگیزه مضاعف می‌بخشید تا رسالت خویش را با پشتوانه‌ای قوی‌تر ادامه دهد. حضرت خدیجه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا در دوران محاصره بنی‌هاشم در شعب ابی‌طالب اموالش را انفاق کرد،^۳ و در تمام مشکلات و رنج‌ها با حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همراهی می‌کرد. همین همراهی مایه آرامش پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در برابر آزارهای مشرکان بود.^۴ این صبر و بردباری خدیجه کبری رَضِيَ اللهُ عَنْهَا، ناشی از قدرت کنترل احساسات و توانایی این بانوی وارسته در مدیریت بحران‌های عاطفی بود که توانست با حفظ آرامش و قوت قلب، نه تنها خود را در برابر مشکلات محافظت کند، بلکه به‌عنوان الگویی برای دیگران تبدیل شود.

ایمان حضرت خدیجه آن‌قدر ارزشمند بود که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «خدا شاهد است خدیجه زنی بود که وقتی همه از من رو می‌گردانیدند، او به من رو کرد و وقتی همه از من می‌گریختند، خدیجه به من محبت و مهربانی نمود. وقتی همه دعوت مرا تکذیب می‌کردند، خدیجه به من ایمان آورد و مرا تصدیق می‌نمود.»^۵

حضرت خدیجه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا در مواجهه با انتقادات و توهین‌های مشرکان مکه، همیشه در کنار پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ایستاد و هیچ‌گاه اجازه نداد این توهین‌ها روحیه او را تضعیف کند. در زمان‌های تنهایی پیامبر، به ویژه در غار حراء، او نه تنها از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حمایت می‌کرد بلکه به او اجازه

۱. همان، ص ۱۶.

۲. یوسف بن عبدالله ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج ۴، ص ۱۸-۱۷.

۳. احمد ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۱.

۴. محمدرضا حکیمی و دیگران، الحیاة، ج ۵، ص ۳۷۹.

۵. علی بن موسی ابن طاووس، الطرائف، ص ۴۴۳.

می داد تا در سکوت و آرامش به تفکر و عبادت پردازد. حضور حضرت خدیجه ناتیلاً چنان مایه آرامش و دلگرمی پیامبر صلی الله علیه و آله بود که با رحلت ایشان، یکی از حامیان اصلی خود را از دست داد.^۱

جرجی زیدان در شرح رنج‌های رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌گوید: «پس از مرگ ابوطالب و خدیجه، کار بر پیامبر صلی الله علیه و آله دشوار شد. قریش از هر سو بر حضرت صلی الله علیه و آله تاختند، به خصوص ابولهب و حکم بن عاص و عقبه بن ابی معیط. همسایگان پیامبر بیشتر از دیگران او را آزار می‌دادند. غالباً هنگام نماز، شکنجه بر سر و روی ایشان خالی می‌کردند و خوراک او را آلوده می‌ساختند. پیامبر صلی الله علیه و آله از مکه به طائف رفت تا شاید در آن جا یار و یآوری بیابد، اما در آن جا نیز جز دشنام و آزار چیزی نیافت. تا آن جا که مردم طائف گروهی از نادانان و اراذل خود را به سوی حضرت صلی الله علیه و آله فرستادند تا با او ستیزه کنند. هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله از آنان کناره می‌گرفت و به گوشه‌ای پناه می‌برد، عده‌ای دیگر می‌آمدند و آن فرومایگان را می‌راندند. پیامبر صلی الله علیه و آله تمام این رنج‌ها را تحمل می‌کرد و دعوت خود را ادامه می‌داد و تنها نزد خداوند خویش از نادانی مردم شکوه می‌کرد.»^۲

کتابنامه

قرآن کریم

۱. ابن اثیر، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفة الصحابه، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
۲. ابن سیدالناس، ابوالفتح محمد، عیون الاثر فی فنون المغازی و الشمائل و السیر، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۴ق.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، المناقب آل ابی طالب، النجف الاشرف: المكتبة الحیدریة، ۱۳۷۶.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی، الطرائف، ترجمه داوود الهامی، قم: نوید اسلام، ۱۳۷۴.
۵. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۲ق.
۶. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، البداية والنهاية، بی‌جا: دار إحياء التراث العربی، بی‌تا.

۱. احمد بن یحیی بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۱، ص ۱۱۷.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۱۷.

۷. ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق.
۸. ابی یعقوب، احمد، تاریخ یعقوبی، بیروت: دارصادر ۱۳۵۸ق.
۹. اربلی، ابی الحسن علی بن عیسی، کشف الغمّة فی معرفة الأئمّه عليهم السلام، بیروت: الاثمة دارالاضواء، ۱۴۰۱ق.
۱۰. بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال، قم: مؤسسه الإمام المهدي عليه السلام، ۱۴۱۳ق.
۱۱. بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، مصر: دار المعارف، ۱۹۵۹م.
۱۲. جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۹ش.
۱۳. حکیمی، محمدرضا و دیگران، الحیة، ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰.
۱۴. دیلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب الی الصواب، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
۱۵. رضایی اصفهانی، محمدعلی، تفسیر قرآن مهر، قم: پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷.
۱۶. سازگار، غلامرضا، نخل میثم، قم: حق بین، ۱۳۹۶.
۱۷. طاهرزاده، اصغر، زن آن گونه که باید باشد (زن-خانوده-بحران)، اصفهان: لب المیزان، ۱۳۹۲.
۱۸. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۱۹. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد: نشر مرتضی، اول، ۱۴۰۳ق.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۲۱. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، بیروت: دار التراث، ۱۳۸۷ق.
۲۲. فرات کوفی، علی بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تهران: مؤسسه الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامی، ۱۴۱۰ق.
۲۳. قرشی، سیدعلی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۷۷.
۲۴. گواهی، عبدالرحیم، درآمدی بر تاریخ ادیان در قرآن، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹.
۲۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی ۱۴۰۴ق.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.

خانواده متعادل در کلام امام علی علیه السلام

فرج الله میرعرب*

اشاره

خانواده اولین و مهمترین نهاد اجتماعی است که زن و مرد با همفکری و تفاهم همراه با مهر و محبت آن را تشکیل می دهند. بحث ما در مورد خانواده متعادل است. "خانواده" به اهل یک خانه و مجموعه افراد دارای پیوند سببی یا نسبی که در زیر یک سقف زندگی می کنند، گفته می شود. آغاز تشکیل این مجموعه با ازدواج یک مرد و زن محقق می شود. "متعادل" واژه‌ای عربی است از مصدر اعتدال و از ریشه عدل، که به معنای میانه، حدّ متوسط بین دو وضعیت^۱ است. به طور کلی اعتدال برقرار شدن تناسب میان دو طرف و جهت که لازمه آن برقراری مساوات بین جهات مختلف است.^۲ از این رو نقطه مقابل اعتدال، افراط و تفریط است.^۳ به روزها و شب‌های اول بهار و پاییز که به اندازه یکدیگرند، اعتدال بهاری و پاییزی گفته می شود.^۴ به بیان ساده اعتدال میانه روی و وسط بودن است که بر پرهیز از افراط و تفریط در هر کاری گفته می شود.

امام عادل و الگوی اعتدال، امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «طَرِيقُنَا الْقَصْدُ»^۵؛ راه و روش ما میانه روی است». امام علی علیه السلام خروج از اعتدال را رفتار جاهلان معرفی کرده و فرموده است:

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. محمد بن مکرّم ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۸۵.

۲. حسین راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۵۲۵، «عدل».

۳. مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۹، ص ۶۱۶۲، «فرط».

۴. حوزی شرتونی بنانی، اقرب الموارد، ج ۲، ص ۷۵۳.

۵. تمیمی الآمدی، غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۱۹۸.

«لَا تَرَى الْجَاهِلَ إِلَّا مُفْرَطًا أَوْ مُفْرَطًا؛^۱ نادان را نمی‌بینی مگر در دو حال، یا تندرو است (از حدّ و اندازه خود می‌گذراند) یا کندرو است (و به اندازه خود نمی‌رسد).»

مقصود از خانواده متعادل آن است که از تندروی و کندروی و انحراف حفظ شود تا مبادا در جهنم دنیا و آخرت بیفتد. قرآن در مورد توجه به خانواده و تلاش برای حفظ و حراست از آن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْجَارَةُ؛^۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست، نگه دارید.»

آیت الله مکارم شیرازی توضیح داده‌اند: «نگهداری خویشتن به ترک معاصی و عدم تسلیم در برابر شهوات سرکش است، و نگهداری خانواده به تعلیم و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر و فراهم ساختن محیطی پاک و خالی از هر گونه آلودگی، در فضای خانه و خانواده است. حق زن و فرزند تنها با تأمین هزینه زندگی و مسکن و تغذیه آنها حاصل نمی‌شود. مهم‌تر از آن تغذیه روح و جان آنها و به کار گرفتن اصول تعلیم و تربیت صحیح است. قابل توجه اینکه تعبیر به «قوا» (نگاهداری) اشاره به این است که اگر آنها را به حال خود رها کنید خواه ناخواه به سوی آتش دوزخ پیش می‌روند و شما هستید که باید آنها را از سقوط در آتش دوزخ حفظ کنید...»^۳

حال که به معنا و ضرورت تعادل و اعتدال در روابط خانوادگی پی بردیم، باید عوامل تعادل در روابط اعضای خانواده با یکدیگر را مورد توجه قرار دهیم.

عوامل تعادل در خانواده

عوامل متعددی می‌تواند موجب تعادل در خانواده شود که توجه به آنها می‌تواند نگاهی نسبتاً جامع ایجاد کند، تا راهنمای اعضای خانواده جهت ایجاد و تقویت تعادل در خانواده باشد. مهمترین عوامل تعادل در خانواده سه بخش (رفتارهای تعادل‌زا، اخلاق و عواطف تعادل‌زا، شناخت‌های تعادل‌زا) اند که هر بخش توضیحاتی دارد که به شرح زیر است:

رفتارهای تعادل‌زا:

رفتاری به عنوان رفتارهای تعادل‌زا مطرح‌اند که عبارتند از:

۱. سیدرضی، نهج البلاغه، ۷۰.

۲. تحریم: ۶.

۳. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۸۷.

۱. تعادل در رفتارهای اقتصادی

یکی از مسائل مهم برای هر خانواده اقتصاد و امور مالی است. بسیاری از اختلافات زن و شوهرها به توان مالی خانواده و نوع خرج کردن طرفین برمی‌گردد. مرد که مسئول تأمین مخارج خانواده است، گاهی در اثر کمی درآمد و گاه به دلیل سخت‌گیری در هزینه‌کرد، سبب اختلاف با خانم خانه و دیگر اعضا را فراهم می‌کند، امام علی علیه السلام می‌فرماید: «كُنْ سَمِحاً وَلَا تَكُنْ مُبَدِّراً وَ كُنْ مُقَدِّراً وَلَا تَكُنْ مُقْتَرّاً؛^۱ بخشنده باش اما زیاده روی نکن، در زندگی حسابگر باش اما سخت گیر مباش.»

راه چاره در کلام امام علیه السلام بخشندگی حساب شده، بدون اسراف و بریز و پیماش و از طرف دیگر، اندازه نگهداشتن، بدون دست‌بستگی و سخت‌گیری است. نه چندان بخور کز دهانت بر آید نه چندان که از ضعف، جانت بر آید
با آن که در وجود طعامست عیش نفس رنج آورد طعام که بیش از قدر بود^۲

۲. کنترل خواسته‌ها و اعضای بدن

یکی از عوامل تأثیرگذار در ایجاد خانواده متعادل، توانایی زن و شوهر بر مهار خواسته‌ها و زبان و دست خود است. مرد اگر عصبانی شد باید بتواند اختیار خود را به دست زبان و هوای نفس خود ندهد، که سبب شود هر چه خواست بر زبان جاری کند و از نیروی جسمی خود علیه طرف مقابل استفاده کند. امام علی علیه السلام از آغاز تا انجام زندگی، بر اساس عدل و اعتدال حرکت کرد و در شرایط مختلف از اعتدال و میانه‌روی دور نشد. آن حضرت، نه تنها خود، بلکه تلاش نمود تندروان و کندروان از پیروان خود را به مرز اعتدال بکشاند؛ چنان‌که خطاب به یاران و پیروان خود که به سمت افراط و تفریط میل داشتند، فرمود:

«الزُّمُوا الْأَرْضَ، وَاصْبِرُوا عَلَى الْبَلَاءِ، وَلَا تُحَرِّكُوا بَأَيْدِيكُمْ وَسُيُوفِكُمْ فِي هَوَى الْأَسْتِيكُم، وَلَا تَسْتَعْجِلُوا بِمَا لَمْ يَعْجَلَهُ اللَّهُ لَكُمْ؛^۳ بر جای خود بایستید، در برابر بلاها و مشکلات پایداری کنید، دست و شمشیرهایتان را در هوا و هوس زبان‌های خویش به کار نگیرید و در آنچه خدا از شما

۱. سیدرضی، نهج البلاغه، حکمت ۳۳.

۲. سعدی، گلستان، باب سوم در فضیلت قناعت.

۳. سیدرضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۹۰.

عجله در آن را نخواست، شتاب نکنید.»

این دستورالعمل گرچه در همه میدان‌های زندگی کاربرد دارد و قانونی ضروری است، ولی در خانواده بیش از هر موردی کارآیی دارد، زیرا مرد در برابر زن و مادر و پدر در برابر فرزندان اگر نتوانند تعادل لازم را داشته باشند، خطر از هم‌گسیختگی بنیان خانواده جدی می‌شود.

تقاضا و درخواست‌های بیش از حد متعارف زن و شوهر از یکدیگر می‌تواند به تعادل خانواده آسیب وارد کند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «كثْرَةُ السُّؤَالِ تُورِثُ الْمَلَالَ؛^۱ درخواست زیاد، ملال و ناراحتی به بار می‌آورد.»

روشن است که درخواست و خواهش‌های مکرر و زیاد طرف مقابل را خسته می‌کند و تعادل خانواده را به هم می‌زند. اگر مردی هر روز از همسرش تقاضای جدیدی کند و او را تحت فشار اجابت قرار دهد، طبیعی است که بالاخره از کوره در رود! همچنین اگر زن در درخواست‌های خود حد و اندازه نگه ندارد، صبر شوهر ممکن است سربرود و ناراحتی ایجاد شود. پس توقعات زیادی و درخواست‌های زیاد به حال تعادل در خانه و خانواده مضر است.

۳. اجتناب از رنجاندن همسر

زن و شوهر که هم‌سر هستند، باید هم‌نوا و هم‌دل باشند و نسبت به آزار و رنجش یکدیگر مراقبت کنند. چنین رفتاری نشان تعادل اعضا و عناصر خانواده است. هر کلمه، گفتار و حرکت، در بر دارنده بار عاطفی و روانی خاصی است که اثر مثبت و منفی مستقیمی می‌تواند ایجاد کند، از این‌رو زن خانواده دوست دارد در ارتباط با او صحبت محترمانه و سرشار از محبت و احترام دریغ نشود. شوهر نیز توقع دارد وقتی وارد خانه می‌شود، آرامش و مهرورزی فضای غالب منزل باشد. امام علی علیه السلام در مورد نوع تعامل خود و حضرت زهرا علیها السلام می‌فرماید:

«فَوَاللَّهِ مَا أَغْضَبْتُهَا وَلَا أَكْرَهْتُهَا عَلَيَّ أَمْرٍ حَتَّى قَبَضَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا أَغْضَبْتَنِي وَلَا عَصَتْ لِي أَمْرًا؛^۲ سوگند به خدا من هرگز زهرا را تا هنگامی که خداوند او را به سمت خود بُرد خشمگین نکردم، او را بر هیچ کاری که خوشایندش نبود، وادار نکردم، او نیز هرگز مرا خشمگین نکرد و هیچ گاه در برابر خواست من نافرمانی نکرد.»

۱. تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۱۲، شماره ۴۱۱۳.

۲. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۳۴.

طبیعی است که این ترازو همیشه متعادل است و به طرفی منحرف نمی‌شود. پیروی از این الگو جامعه‌ای پر از مهر و صفا و به دور از طلاق و جدایی می‌سازد. بر همین اساس است که امام علی علیه السلام همسر همراه و هماهنگ را مایه راحتی و آسایش معرفی کرده‌اند: «الرَّوَجَةُ الْمُؤَافِقَةُ إِحْدَى الرَّاحَتَيْنِ؛^۱ زن سازگار یکی از دو آسایش است». زیرا مرد یا باید آن قدر درآمد و ثروت داشته باشد که خانواده هرچه خواست، فراهم کند، که البته این جریان نهایتش ناراحتی است چون خواسته‌های نفسانی پایانی ندارد، یا باید همسری قانع و هماهنگ با خود داشته باشد که مواظب توانایی مالی شوهر باشد و اگر در مورد خواسته‌ای، مرد خانواده اظهار ناتوانی از فراهم کردن نمود، سبب خشم و ناراحتی نشود.

۴. گفت و گوی زیبا

یکی از عوامل مهم اختلال در روابط اعضای خانواده، به‌ویژه زن و شوهر نوع سخن آنها با یکدیگر است. صحبت کردن با کلمات و جملات زیبا و چهره بشاش موجب می‌شود تا رایحه دل انگیز دوستی، فضا و محیط خانه و خانواده را معطر گرداند و سبب آرامش شود. امام متقیان علی علیه السلام می‌فرمایند: «أَجْمَلُوا فِي الْخُطَابِ تَسْمَعُوا حَمِيمَ الْجَوَابِ؛^۲ زیبا خطاب کنید، تا جواب زیبا بشنوید.»

سه پاس^۳ تو چشم است و گوش و زبان کزین سه رسد نیک و بد بی‌گمان^۴

عدالت در گفتگو و رعایت حقوق یکدیگر در گفت و شنود، اصلی مهم برای داشتن یک زندگی آرام و متعادل است. مرد باید به حرف زن درست گوش بدهد و با تمام وجود تلاش کند مقصود او را بفهمد. زن نیز در برابر شوهر باید همین رفتار را داشته باشد. در ارتباط تعاملی میان والدین و فرزندان نیز گوش دادن و دل سپردن برای فهم مقصود همدیگر بسیار مهم است. الگوی زندگی متعادل و سعادتمند، مولای متقیان امام علی علیه السلام می‌فرماید: «عَوِّدْ أَدْنَاكَ حُسْنَ الْإِسْتِمَاعِ وَ

۱. تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۰۵، شماره ۹۲۸۲.

۲. تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۳۶، شماره ۹۹۷۹.

۳. نگهبان

۴. فردوسی، شاهنامه، آغاز کتاب، بخش ۲.

لَا تَصْغِ إِلَىٰ مَا لَا يَزِيدُ فِي صَالِحِكَ اسْتِمَاعُهُ فَإِنَّ ذَلِكَ يُضِدِّي الْقُلُوبَ وَيُوجِبُ الْمَدَامَ؛^۱ گوش خود را به خوب شنیدن عادت ده و به سخنانی که شنیدن آنها بر درستی و پاکی تو چیزی نمی افزاید گوش مسپار؛ زیرا این کار سبب زنگار دلها و موجب نکوهش می شود.»

در واقع با گوش دادن به حرف همدیگر، اهمیت و ضرورت طرف مقابل در زندگی را گوشزد می شود. متأسفانه بسیاری از افراد دوست دارند متکلم وحده باشند، دیگران به آنها اهمیت بدهند و سخنشان را گوش کنند، غافل از این که گوش دادن همراه با سکوت به عنوان یک هنر و مهارت تلقی است که روابط زناشویی را متوازن و متعادل می کند.

از سوئی، گاهی زن یا شوهر سخنان بی فایده ای ابراز می کنند که ممکن است ادامه اش سبب ناراحتی شود، در این صورت مرد و زن باید هنر حرف عوض کردن را داشته باشند و مهارت گفتگو را یاد بگیرند.

۵. پاسخ مثبت به خواسته های جنسی همسر

یکی از نکات مهم در تحکیم و ثبات بنیان خانواده و جلوگیری از برهم خوردن تعادل بر آورده شدن صحیح نیاز جنسی زن و مرد است. گاهی درگیری های زن و شوهرها، خیانت ها و اختلافات می تواند به عدم پاسخ درست به این گزینه مرتبط باشد. امام علی علیه السلام در نسخه ای حکیمانه می فرماید: «إِذَا رَأَىٰ أَحَدُكُمْ امْرَأَةً تُعْجِبُهُ فَلْيَأْتِ أَهْلَهُ فَإِنَّ عِنْدَ أَهْلِهِ مِثْلَ مَا رَأَىٰ وَلَا يَجْعَلَنَّ لِلشَّيْطَانِ إِلَىٰ قَلْبِهِ سَبِيلًا وَ لِيَصْرِفَ بَصَرَهُ عَنْهَا؛^۲ هر گاه فردی از شما زنی (زیبا) را دید که او را به شگفتی وا داشت، نزد همسر خود برود؛ چرا که همسر او نیز مثل همین خصوصیات را دارد. پس اجازه نفوذ شیطان را به قلب خویش ندهد و چشم خود را از آن زن برگرداند.»

این نسخه برای زنان نیز شفافبخش است. اگر زن نیز مردی را دید که نظرش را جلب کرد، نزد شوهر خود برگردد.

اخلاق و عواطف تعادل زا:

در سیره و رفتار خانوادگی امام علی علیه السلام طبق آنچه از تاریخ و روایات در دست داریم حتی یک

۱. تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۱۵، شماره ۴۲۱۱.

۲. محمد بن علی بن بابویه، النخصال، ص ۶۳۷.

مورد هم سراغ نداریم که رفتارها و برخوردها از مدار محبت و علاقه متعادل و آن چیزی که مرضی خداوند است، خارج شده باشد. وقتی زن و مردی همتای هم باشند و هر چیز جای خودش باشد، ساختار خانواده متعادل و استوار است و سبب رضایت طرفین است. فردای عروسی حضرت زهرا علیها السلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از دخترش پرسید: «کیف أنت یا بنیة و کیف رأیت زوجک قالت له یا أبت خیر زوج؛ حالت خوب است؟ شوهرت را چگونه یافتی؟» پاسخ داد: «بهترین شوهر است.»

«فَسَأَلَ عَلِيًّا كَيْفَ وَجَدْتَ أَهْلَكَ قَالَ نِعَمَ الْعَوْنِ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ؛ آنگاه از علی علیه السلام پرسید همسرت را چگونه یافتی؟ پاسخ داد: «بهترین یاور بر طاعت و بندگی خداوند.»

تعادل در رفتارها در زندگی حضرت زهرا علیها السلام و امام علی علیه السلام چنان بود که امام در باره زندگی خود می فرماید: «فَوَاللَّهِ مَا أَغْضَبْتُهَا وَلَا أَكْرَهْتُهَا عَلَى أَمْرٍ حَتَّى قَبَضَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ وَلَا أَغْضَبْتَنِي وَلَا عَصَتْ لِي أَمْرًا؛^۱ به خدا قسم من هرگز زهرا را عصبانی و وادار بر کاری نکردم، تا از دنیا رفت و او مرا عصبانی نکرد و در هیچ کاری از من نافرمانی نکرد.»

همین رابطه درست اخلاقی سبب شده بود که زهرا مرضیه علیها السلام به قدری برای حضرت علی علیه السلام مایه آرامش و خشنودی بود که امام علی علیه السلام در مورد او می فرماید: «وَلَقَدْ كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهَا فَتُنْكَشِفُ عَنِّي الْهُمُومَ وَالْأَحْزَانَ؛^۲ من که به چهره زهرا نگاه می کردم، همین نگاه هر گونه غم و اندوه را از من بر طرف می نمود.»

اخلاق و عواطف تعادل را مصادیق متعددی دارد که دو قسم مهم آن به شرح زیر است:

۱. تعادل در محبت

دین اسلام بر رعایت مساوات و عدالت در خانواده، تأکید فراوانی نموده و از دادن هر نوع امتیاز بی جا به برخی از اعضای خانواده به شدت منع کرده است. برای نمونه از تبعیض بین دو جنس دختر و پسر و محبت بیش از اندازه به پسران که ریشه در عصر جاهلیت دارد، به پدر و مادر هشدار می دهد. امام علی علیه السلام نقل می کند: «أَبْصَرَ رَسُولُ اللَّهِ رَجُلًا لَهُ وَلَدَانِ - فَقَبَّلَ أَحَدَهُمَا وَتَرَكَ

۱. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفة الانمه، ج ۱، ص ۳۷۲.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۳۴.

الْآخِرَ - فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَهَلَّا وَاسَيْتَ بَيْنَهُمَا؛^۱ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کسی را دید که دو فرزند داشت، یکی را بوسید ولی دیگری را نبوسید! [در این هنگام] پیامبر خدا [به وی] فرمود: «چرا میان آنان یکسان عمل نکردی؟!»

این تذکر برای حفظ تعادل خانواده بسیار مهم است. رعایت تعادل در رفتارها تنها در بوسیدن نیست، در دادن پول توجیبی به فرزندان، در احترام گذاشتن به اعضای خانواده، در نوع گفتگو با بچه‌ها و... اگر قاعده رعایت نشود، خطرناک است و ممکن است سبب دشمنی میان اعضای خانواده شود و در نتیجه، تعادل خانواده آسیب ببیند.

۲. مهار علاقه و نفرت

یک عامل مهم برای ایجاد اعتدال از نگاه امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ مهار حب و بغض، و مهار محبت و نفرت است، حضرت می‌فرماید: «أَحَبُّ حَبِيبِكَ هُونًا مَا، عَسَى أَنْ يَكُونَ بَغِيضَكَ يَوْمًا مَا، وَ أْبْغَضُ بَغِيضِكَ هُونًا مَا، عَسَى أَنْ يَكُونَ حَبِيبَكَ يَوْمًا مَا؛^۲ دوست را از سرِ اعتدال دوست بدار، شاید که روزی دشمنت گردد و دشمنت را از سرِ اعتدال دشمن دار، شاید که روزی دوستت شود.»

در روابط زناشویی و خانوادگی این رهنمود نجات‌بخش است، زیرا افراط و تفریط در ابراز علاقه و نفرت، بنیان خانواده را به خطر می‌اندازد. خانواده متعادل از جهات مختلف، بهترین محیط زندگی و رشد افراد جامعه انسانی است، زیرا خانواده متعادل سبب آسایش و نشاط و ارضای نیازهای افراد از جمله نیازهای جسمی و روحی است. خانواده متعادل نه عشق افراطی دارد و نه غضب و خشم بی‌قاعده!

شناخت‌های تعادل‌زا:

شناخت‌های تعادل‌زا در خانواده نیز موارد متعددی دارد که دو قسم مهم آن به شرح زیر است:

۱. آموزش و افزایش اطلاعات خانواده

اگر والدین بخواهند خانه متعادل و خانواده دور از انحراف و تشنج بماند، باید والدین و فرزندان

۱. همان، ج ۷۱، ص ۸۴.

۲. احمد بن یحیی بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۶، ص ۲۱۷-۲۱۶؛ سید رضی، نهج البلاغه، حکمت ۲۶۸.

آگاه و دانا باشند، ارزش‌های دینی را بشناسند و با احکام و تعالیم خدایی آشنا باشند. از نادان نمی‌توان انتظار رفتار متعادل داشت. امیرالمؤمنین علی علیه السلام که الگوی تربیت دینی است، نه تنها با زبان، بلکه به صورت کتبی که سند تربیت خانواده شده است، آموزش‌های مورد نیاز فرزندش امام حسن مجتبی علیه السلام را مکتوب کرده است؛ امام علیه السلام در بخشی از نامه نوشته است: «وَأَنَّ ابْتِدَاءَ تَعْلِيمِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَتَأْوِيلِهِ وَشَرَائِعِ الْإِسْلَامِ وَأَحْكَامِهِ وَحَلَالِهِ وَحَرَامِهِ؛ ابْتَدَأْتُ خَوَاسِمَ (آموزش تربیتی) تو را به تعلیم کتاب خداوند و بیان آن و مقررات و احکام اسلام و حلال و حرام آن آغاز کنم.»

چرا امام علیه السلام چنین کرده است؟ پاسخ در ادامه نامه ۳۱ آمده است: «فَبَادَرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَثْسُرَ قَلْبُكَ وَيَشْتَغَلَ لُبُّكَ لِتَسْتَقْبِلَ بِحَدِّ رَأْيِكَ مِنَ الْأَمْرِ مَا قَدْ كَفَاكَ أَهْلُ التَّجَارِبِ بُعْيَتَهُ وَتَجْرِبَتَهُ؛^۲ در تربیت تو شتاب کردم، پیش از آن که دل تو سخت شود، و عقل تو به چیز دیگری مشغول گردد، تا به استقبال کارهایی بروی که صاحبان تجربه، زحمت آزمون آن را کشیده‌اند، و تو را از تلاش و یافتن بی‌نیاز ساخته‌اند، و آنچه از تجربیات آنها نصیب ما شد، به تو هم برسد، و برخی از تجربیاتی که بر ما پنهان مانده بود، برای شما روشن گردد.»

پس، هر پدر و مادر وظیفه شناس، باید ابتدا بر دانش خود بیفزایند، سپس پیش از آلوده شدن دل و جان فرزندان، حقایق دین را به فرزندان خود بیاموزانند و گرنه آن نهال قابل تربیت و رشد صحیح، سخت می‌شود و به چپ و راست متمایل می‌گردد.

۲. اجتناب از بدگمانی و غیرت بی‌مورد

هر عمل اگر به جا و درست و به اندازه صورت نگیرد؛ نتیجه معکوس خواهد داشت. غیرت داشتن مرد بسیار ارزشمند است، این صفت را خدای متعال در نهاد انسان به ودیعه گذاشته، اما اگر این صفت دچار نوسان و افراط و تفریط شود؛ می‌تواند سبب بحران و اختلاف در خانواده شود. از این رو، بدبینی بی‌جا نسبت به همسر در رفت و آمدهای فامیلی و فعالیت‌های اجتماعی خطرناک است. امام علی علیه السلام تذکر داده: «إِيَّاكَ وَالتَّعَائِيرَ فِي غَيْرِ مَوْضِعِ الْغَيْرَةِ- فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُو

۱. سید رضی، نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲. همان.

الصَّحِيحَةَ مِنْهُنَّ إِلَى السُّقْمِ وَ لَكِنَّ أَحْكَمَ أَمْرُهُنَّ؛^۱ از غیرت نابجا [نسبت به زنان] بپرهیز که این رفتار، زن سالم را به بیماری می کشاند و پاکدامن را به بدگمانی (و اندیشه گنهکاری)، بلکه درباره زنان محکم کاری کن.»

پس مرد نباید آزادی های مشروع زن را پایمال کند و با رفتارهای برخاسته از بدبینی او را آزار دهد! چنین رفتاری آرامش فکری زن را به هم می زند و آرامش روانی او را به هم می ریزد. بدبینی از جانب زن نیز برای حفظ سلامت و تعادل خانواده خطرناک است.

کتابنامه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳۶۲ ش.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، قم: نشر ادب حوزه، ۱۴۰۵ ق.
۳. بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الاشراف، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۴ ق.
۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، چاپ اول ۱۳۶۶ ش.
۵. حوزی شرتونی بنانی، سعید، اقرب الموارد، قم، کتابخانه آیت الله عظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۳ ق.
۶. راغب اصفهانی، حسین، المفردات فی غریب القرآن، دمشق: دارالعلم الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
۷. سعدی، گلستان، باب سوم در فضیلت قناعت، نرم افزار گنجور، زیر نظر حمیدرضا محمدی، نسخه ۲/۸۷، dg.ganjoor.net.
۸. سیدرضی، نهج البلاغه، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۹. فردوسی، شاهنامه، آغاز کتاب، بخش ۲، نرم افزار گنجور، زیر نظر حمیدرضا محمدی، نسخه ۲/۸۷، dg.ganjoor.net.
۱۰. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الأئمه، بنی هاشمی تبریز، اول، ۱۳۸۱ ق.
۱۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تهران، انتشارات اسلامی، مکرر.
۱۲. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، هفتم، ۱۳۷۰.

۱. سید رضی، نهج البلاغه، نامه ۳۱.

سپاسگزار و قدردان دیگران بودن

زهرا اخلاقی*

«وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»^۱

اشاره

تشکر از «نعمت‌های الهی» و سپاسگزاری از «نیکوکار» آن‌قدر فضیلت و محبوبیت دارد که قرآن مجید در ضمن معرفی «شاکر»^۲ و «شکور»^۳ به عنوان نام‌های خداوند، فرموده است: «وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ»^۴ خداوند قطعاً شکرگزاران را پاداش می‌دهد. قرآن کریم در بیش از هفتاد آیه به موضوع سپاسگزاری و قدردانی، چه از جانب خداوند و چه از سوی انسان‌ها، اشاره کرده و با عناوین گوناگونی بر انجام این عمل نیک تأکید کرده است. یکی از آیات مهم آیه ۷ سوره ابراهیم است: «لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ». مقام معظم رهبری «عَظَمَةُ» در تفسیر این آیه می‌فرماید: «این آیه خیلی مهمی است؛ هم تشویق است، هم تهدید. اگر شکر کردید، ازدیاد نعمت و برکات الهی دنبالش خواهد بود؛ ولی اگر کفران کردید، عذاب خدا دنبالش است؛ این موضوع قابل استثنا نیست و هیچ نقطه‌ استثنایی نیز در تاریخ

* کارشناسی ارشد فلسفه.

۱. ابراهیم: ۷: «و (همچنین به خاطر بیاورید) هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت: «اگر شکرگزاری

کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهم افزود؛ و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است!»

۲. بقره: ۱۵۸.

۳. فاطر: ۳۰.

۴. آل عمران: ۱۴۴.

ندارد).^۱ همچنین در روایات زیادی به این موضوع تأکید شده است. به عنوان مثال، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید: «لَا يَشْكُرُ اللَّهُ مَنْ لَمْ يَشْكُرِ النَّاسَ»؛^۲ کسی که از مردم (در برابر محبت های آنها) سپاسگزاری نکند خدا را سپاسگزاری نکرده است. نگاشته حاضر به شکرگزاری در حوزه خانواده و اجتماع می پردازد و در محورهای زیر سامان یافته است:

الف) تعریف شکر

در اصطلاح اخلاقی، شکر به معنای شناخت نعمت های پروردگار، شاد بودن نسبت به آنها و عمل به مقتضای آنها هست.^۳ امام خمینی رَحِمَهُ اللهُ شکر را قدردانی از نعمت های نعمت دهنده می داند و پایه و اساس آن را معرفت نسبت به نعمت دهنده و نعمت او می شمارد.^۴

ب) اقسام سپاسگزاری

امام خمینی شکر را به شکر قلبی، زبانی و جوارحی تقسیم می کند^۵ و معتقد است شکر قلبی به معرفت نسبت به نعمت دهنده وابسته است که اثر آن به صورت خضوع و خشوع در انسان ظاهر می شود؛ شکر زبانی، ثنای نعمت دهنده است که اثر آن به صورت حمد و مدح بروز می کند؛ و شکر جوارحی به معنای استفاده از اعضای بدن برای جلب رضایت نعمت دهنده است.^۶

ج) رابطه شکر خداوند با شکر بندگان

شکرگزاری از خداوند به معنای قدردانی از تمامی نعمت هایی است که در زندگی داریم، از جمله سلامتی، خانواده، دوستان و فرصت های زندگی. با یادآوری این نعمت ها، خود را به سمت نگرش مثبت و شکرگزاری هدایت می کنیم. همچنین، شکرگزاری از خداوند می تواند به تقویت روابط اجتماعی کمک کند. در زمانی که فرد شکرگزار است، نسبت به دیگران مهربان تر و

1. <https://farsi.khamenei.ir> =1821

۲. الفقیه، ج ۲، ص ۳۴۳

۳. مهدی نراقی، جامع السعادات، ج ۳، ص ۲۳۳؛ احمد نراقی، معراج السعاده، ۷۹۰.

۴. روح الله خمینی، حدیث جنود، ص ۱۸۲؛ همو، چهل حدیث، ص ۳۴۳.

۵. همان، حدیث جنود، ص ۱۸۲.

۶. همان، چهل حدیث، ص ۳۴۴.

دل‌پذیرتر می‌شود و این ویژگی می‌تواند به بهبود روابط شخصی و اجتماعی منجر گردد. بر این اساس، تمام قدردانی‌ها به خداوند برمی‌گردد؛ زیرا اوست که نعمت‌های بزرگ خانواده و جامعه را به ما عطا کرده است. بنابراین، رابطه عمیقی بین شکر خداوند و شکرگزاری از بندگان خدا وجود دارد که در دو حوزه خانواده و جامعه تجلی می‌یابد. رسول خدا ﷺ فرموده‌اند: «وَمَنْ لَمْ يَشْكُرِ النَّاسَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ جَلَّ وَعَزَّ؛ کسی که از انسان‌ها تشکر نکند، از خدا تشکر نکرده است».

هـ) انواع شکرگزاری

انواع شکرگزاری را در حوزه خانواده و اجتماع بررسی می‌کنیم:

۱. شکرگزاری در حوزه خانوادگی

شکرگزاری یکی از ارزشمندترین و ضروری‌ترین رفتارها در روابط خانوادگی است. شکرگزاری در خانواده می‌تواند به بهبود روابط، ایجاد فضایی مثبت و تقویت روحیه عاطفی اعضا کمک کند. این امر تأثیرات مثبتی بر روحیه تمامی اعضای خانواده دارد و می‌تواند حس رضایت و آرامش را در آن‌ها افزایش دهد.

قدردانی از والدین

قدردانی از والدین یکی از مهم‌ترین اشکال شکرگزاری در خانواده است. والدین با فداکاری و عشق بی‌قید و شرط خود، نقش بسزایی در رشد و تربیت فرزندان بر عهده‌دارند. ابراز شکرگزاری به والدین نه تنها نشان‌دهنده احترام و محبت فرزندان است، بلکه باعث ایجاد حس اطمینان و امنیت عاطفی در آن‌ها می‌شود. از این رو، فرزندان باید همواره از تلاش‌ها و فداکاری‌های والدین قدردانی کنند.

در آیات و روایات به این امر تأکید شده است: «وَصَبِّئْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ»^۲ و ما به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کردیم مادرش او را با ناتوانی روی ناتوانی حمل کرد (به هنگام بارداری هرروز

۱. حسین بن محمد بن حسن حلوانی، نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۲۷.

۲. لقمان: ۱۴.

رنج و ناراحتی تازه‌ای را متحمل می‌شد)، و دوران شیرخوارگی او در دو سال پایان می‌یابد (آری به او توصیه کردم) که برای من و برای پدر و مادرت شکر بجا آور که بازگشت (همه شما) به سوی من است». در آیه دیگر نیز به قدردانی از والدین تأکید شده است: «وَأَنِ اشْكُرْوا لِي وَ لِوَالِدَيْكُمْ»^۱ در این آیه خداوند بر شکرگزاری از خود و والدین تأکید می‌کند، که نشان‌دهنده اهمیت ویژه خانواده نیز هست. خداوند در این آیات متعدد دیگر^۲ به قدردانی از والدین پافشاری می‌نماید.

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَمَرَ . . . بِالشُّكْرِ لَهُ وَ لِوَالِدَيْهِ فَمَنْ لَمْ يَشْكُرْ وَالدِّيَةَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ؛^۳ خداوند متعال شکر و سپاس را برای خود در کنار شکر و سپاس والدین قرار داده، کسی که شکرانه والدین را به جا نیاورد شکرانه خدا را هم به جا نیاورده است». شکرگزاری از والدین به صورت مختلف مانند محبت، خدمت و اظهار ارادت می‌تواند صورت گیرد. به‌عنوان مثال شهید سلیمانی برای قدردانی از والدین پای مادر را می‌بوسد و بدان افتخار می‌کند. یکی از یاران ایشان می‌گوید:

«ما نگران بودیم (مادر شهید سلیمانی در بیمارستان بود) که اتفاقی برای او رخ بدهد و از طرفی می‌دیدم که شهید سلیمانی زیاد نگران است. رفتیم و سرک کشیدیم. دیدیم سردار سلیمانی کنار پای مادر نشسته و جوراب‌ها را از پای مادرش درآورده و پاهای مادر را بر روی پیشانی و چشمانش می‌کشد و اشک می‌ریزد».^۴

قدردانی از همسر

قدردانی از همسر یکی از ارکان اساسی برقراری یک ارتباط سالم و موفق در زندگی زناشویی است. در یک رابطه عاطفی، ابراز شکرگزاری از یکدیگر به ایجاد حس محبت و صمیمیت کمک می‌کند و بر کیفیت زندگی مشترک می‌افزاید. زمانی که همسران یکدیگر را به خاطر تلاش‌ها، فداکاری‌ها و محبت‌هایشان شکرگزاری می‌کنند، احساس ارزشمندی و قدردانی در روابط آن‌ها تقویت می‌شود.

۱. نحل: ۷.

۲. بقره: ۱۷.

۳. محمد بن علی ابن بابویه، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۵۸.

4. <https://www.balagh.ir/content/20687>

برخی می‌پندارند همین‌که فرد در دل خود از همسر سپاسگزاری کند، کافی است و لازم نیست ابراز تشکر کند. حال آنکه نیت باطنی نیازمند مترجمی است که آن را به زبانی روشن بازگوید، زیرا که ابراز تشکر، تأثیری عظیم بر روح همسر باقی می‌گذارد. بر همین اساس، امیرالمؤمنین علیه السلام شکر را مترجم نیت دانسته و فرموده‌اند: «الشُّكْرُ تَرْجُمَانُ النَّيَّةِ وَلِسَانُ الطَّوَيَّةِ»^۱ سپاسگزاری، بازگوکننده نیت و زبان درون است». به همین منظور، فردی که قصد ازدواج دارد، باید از همان ابتدا روحیه سپاسگزاری را به عنوان یکی از ملاک‌های خود در انتخاب شریک زندگی مدنظر قرار دهد و در همان ابتدا، از خداوند بخواهد که همسری شکور روزی او کند. امام علی علیه السلام فرمودند: کسی که اراده ازدواج می‌کند، پس از دو رکعت نماز و حمد و ثنای الهی، از خدا این‌گونه درخواست کند: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي زَوْجَةً صَالِحَةً وَوَدُوداً وَوَدُوداً شَكُوراً قَنُوعاً غَيْرَ غَيُورٍ إِنْ أَحْسَنْتُ شَكَرْتُ؛ آخدايا، مرا همسری روزی کن که صالح، زایا، پر سپاس، قانع و غیرتمند باشد که اگر به او نیکی کردم سپاسگزار باشد».

آثار سپاسگزاری از همسر

برخی از آثار تشکر از همسر که در منابع دینی موردتوجه قرار گرفته، عبارت است از:

بقای نعمت

تشکر از الطاف و محبت‌های فرد به همسر باعث می‌شود که رفتارهای محبت‌آمیز او تداوم یابد. امام سجاد علیه السلام در توصیه‌ای به یکی از فرزندان خویش فرمودند: «يَا بَنِي أَشْكُرْ مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ... فَإِنَّهُ لَا زَوَالَ لِلنَّعْمَاءِ إِذَا شُكِرَتْ وَلَا بَقَاءَ لَهَا إِذَا كُفِرَتْ؛^۲ پسرم، از کسی که به تو نعمتی بخشیده، سپاسگزاری کن...؛ زیرا نعمتی که از آن سپاسگزاری شود، زوال‌پذیر نیست و نعمتی که از آن سپاسگزاری نشود، پایدار نیست». بنابراین همسری که از زحمات همسر خود قدردانی می‌کند، بیش از همه خود را از تداوم لطف همسر بهره‌مند می‌سازد.

محبت افزایی

سپاسگزاری از همسر محبت میان همسران را تقویت می‌کند و زمینه سازگاری و آرامش هر چه

۱. علی بن محمد لثمی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۷.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۶۹.

۳. محمدبن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۳۱۳.

بیشتر آنان را فراهم می‌آورد. به دنبال تقدیر از همسر، وی به این باور می‌رسد که از همسری قدرشناس و دارای فضایل اخلاقی برخوردار است و این خود به تقویت مهر و محبت می‌انجامد. همچنان که سپاسگزاری از همسر، رفع کدورت‌ها و پیدایش مهربانی به وی را به دنبال خواهد داشت. امام علی علیه السلام فرموده‌اند: «شُكْرُكَ لِلرَّاضِي عَنْكَ يَزِيدُهُ رِضَى وَوَفَاءً؛^۱ سپاسگزاری تو از کسی که از تو راضی است، باعث رضایت و وفاداری بیشتر او می‌شود».

بانوی خانه‌دار ۲۹ ساله‌ای از تهران می‌نویسد: شوهر حق‌نشناسی دارم. از صبح تا شام رنج می‌برم، زحمت می‌کشم، تمام کارهای خانه از شستن ظروف و لباس‌ها، از پختن غذا تا تزیین اتاق‌ها و بافتنی‌های لازم را برای او و فرزندان انجام می‌دهم، ولی وقتی به خانه می‌رسد مثل این‌که هیچ کاری انجام نشده است. اصلاً توجهی به هیچ چیز ندارد. لباس‌های اتو شده و کفش‌های واکس زده او را که جلوی من می‌گذارم، یک‌هزارم، یا دستت درد نکند هم نمی‌گوید. اگر من هم برایش تعریف کنم با تندی حرفم را قطع می‌کند که خوبه، این قدر کارهایت را به رخ من نکش. مگر چه کار کرده‌ای؟ شاخ گول شکسته‌ای یا از قله دماوند بالا رفته‌ای؟ در صورتی که اگر زحمت‌های من نبود حالا هشتش گرو نهش بود.^۲

شهید سلیمانی به همسرش، ضمن تبریک روز زن می‌نویسد: «همسر گران‌قدر عزیز و مهربانم... حقیقتاً مانده‌ام در پیشگاه خداوند که چگونه می‌توانم در این روزهای قریب رفتن، حق نزدیک چهل ساله شماره ادا کنم. امیدی جز بخشش و محبت پیوسته شما و خداوند سبحان ندارم. روزت را تبریک می‌گویم و به خاطر این صبر چهل ساله، دستتان را می‌بوسم».^۳

قدردانی از شوهر

قدردانی از شوهر یکی از عناصر کلیدی در ایجاد و حفظ یک رابطه زناشویی سالم و رضایت‌بخش است. شکرگزاری به شوهر، نه تنها محبت و احترام را در روابط به تصویر می‌کشد، بلکه به تقویت پیوند عاطفی و ایجاد فضایی مثبت در زندگی مشترک کمک می‌کند. ابراز قدردانی به شوهر کمک می‌کند تا احساس کند تلاش‌هایش مورد توجه و احترام قرار گرفته است.

۱. علی بن محمد لیلی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۲۹۳.

۲. ابراهیم امینی، همسررداری، ص ۸۰.

3. <https://www.balagh.ir/content/20687>

این احساس ارزشمندی می‌تواند به افزایش عزت‌نفس او منجر شود و او را به ادامه تلاش‌هایش در جهات مختلف زندگی ترغیب کند. بر این اساس به خانم‌ها توصیه می‌شود: که همسر شما یک بشر عادی است و قدردانی را دوست دارد. هزینه زندگی را تأمین می‌کند؛ حاصل دست رنج خویش را در طبق اخلاص نهاده، رایگان تقدیم شما می‌کند؛ این عمل را یک وظیفه اخلاقی و شرعی دانسته و از آن لذت می‌برد. اما از شما انتظار دارد که وجودش را مغتنم شمرده از کارهایش قدردانی کنید^۱ امام صادق علیه السلام آن را ملاک بهترین همسر معرفی کرده و فرموده‌اند: «خَيْرُ نِسَائِكُمُ الَّتِي اِنْ اُعْطِيَتْ شَكَرَتْ وَاِنْ مُنِعَتْ رَضِيَتْ»^۲ برترین همسران شما زنی است که اگر به او عطا شود، مراتب سپاس را به جا آورد و اگر چیزی از او دریغ شود، راضی باشد».

خانم دورتی کارنگی درباره اهمیت توجه به خدمات همسر می‌گوید: «زمانی من خیال می‌کردم شوهرم در امور مربوط به خانه بسیار دست‌وپا چلفتی و بی‌عرضه است که حتی باید آب را نیز دردهانش گذاشت. اتفاقاً او مسافرتی به اروپا کرد و وقتی که من تنها ماندم، دریافتم که شوهرم همه‌روزه چه خدمات زیادی برای من انجام می‌داد که حالا باید همه را خودم از پیش بردارم و متأسفانه در مقابل آن همه محبت و کمک هرگز از او تشکر ننموده‌ام.»^۳

قدردانی از فرزندان

قدردانی از فرزندان یکی از مهم‌ترین و مثبت‌ترین اقداماتی است که والدین می‌توانند انجام دهند. این عمل نه تنها به تقویت روابط عاطفی بین والدین و فرزندان کمک می‌کند، بلکه به رشد و توسعه سلامت روانی و اجتماعی آنها نیز می‌انجامد. از این‌رو، والدین باید همواره در نظر داشته باشند که قدردانی می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی فرزندان منجر شود. علاوه بر این، قدردانی از تلاش‌ها و دستاوردهای فرزندان موجب افزایش اعتمادبه‌نفس آنها خواهد شد. همچنین، ایجاد فضایی سپاس‌گزاری از فرزندان می‌تواند به فرزندان احساس امنیت و آرامش بدهد. ضمن اینکه فرزندان یاد می‌گیرند که زحمت کشیدن و انجام کارهای خوب، مورد تقدیر قرار می‌گیرد.

1. <https://rasekhoon.net/article/show/979486>

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۹.

3. <https://rasekhoon.net/article/show/1021785/>

۲) شکرگزاری در حوزه اجتماعی

قدردانی از خدمات افراد در جامعه یک عمل مهم و ضروری است که می‌تواند تأثیرات مثبت زیادی بر روابط انسانی و بهبود محیط اجتماعی داشته باشد. تشکر از افراد می‌تواند انگیزه آن‌ها را برای ادامه خدمت و تلاش بیشتر افزایش دهد و ضمن تقویت روابط اجتماعی، همبستگی بین اعضای جامعه را بهبود بخشد. این عمل باعث ایجاد حس تعلق و مشارکت بیشتر در جامعه می‌شود.

قدردانی از خدمات افراد مختلف، مانند آموزگاران، علما، مرزبانان، پرستاران و آتش نشانان، می‌تواند در اشکال مختلفی صورت گیرد. به عنوان نمونه، امام خمینی علیه السلام بارها از مردم و مسئولان قدردانی کردند. امام خامنه‌ای نیز در پی شرکت مردم در انتخابات، از مردم و مسئولان تشکر کرده و فرمودند: «این جانب وظیفه خود می‌دانم که از این لیبیک عمومی به فراخوان نظام اسلامی سپاسگزاری کنم و پاداش و هدایت الهی برای مردمی که این جمعه پرکار و پرشکوه را آفریدند، مسألت نمایم»^۱

به همین ترتیب، قدردانی از انسان‌های شایسته و خدمت‌گزار، یک ارزش بسیار مهم به شمار می‌رود. افرادی که دارای چنین روحیه‌ای هستند، مظهر یکی از خصال خداوند بزرگ می‌باشند. به همین دلیل، در روایات، تشکر از مردم در برابر خدمات و نیکی‌هایشان به‌عنوان مثال تشکر از خدا به حساب آمده است. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعِمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ؛^۲ یعنی کسی که از بندگان بخشنده قدردانی نکند، از خداوند قدردانی نکرده است.» همچنین، امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ».^۳ امام سجاد علیه السلام نیز به این موضوع اشاره می‌کند که خداوند در روز قیامت به بنده‌اش می‌فرماید: «أَشْكُرْتُ فَلَانًا فَيَقُولُ بَلْ شَكَرْتُكَ يَا رَبِّ فَيَقُولُ لَمْ تَشْكُرْنِي إِذْ لَمْ تَشْكُرْهُ ثُمَّ قَالَ أَشْكُرْكُمْ لِلَّهِ أَشْكُرْكُمْ لِلنَّاسِ؛^۴ آیا از فلانی تشکر نمودی؟ او عرض می‌کند: پروردگارا، بلکه تو را تشکر نمودم. خداوند می‌فرماید: چون از او سپاس‌گزاری نمودی، از من هم سپاس‌گزاری نموده‌ای. شکرگزارترین شما نسبت به خدا، شکرگزارترین شما نسبت به مردم است.»

1. <https://farsi.khamenei.ir> =32482

۲. محمدبن علی بن بابویه، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۴.

۳. همان، ص ۲۸۹.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۹۹.

نمونه‌هایی از قدردانی

قدردانی از یک نابینا:

پیرمردی نابینا و مسیحی به محضر علی علیه السلام آمد و درخواست کمک کرد. حاضران به او توجه نکردند. علی علیه السلام با تحقیق دریافت که او در زمان توانمندی برای مسلمانان کارکرده و خدمت نموده است. علی علیه السلام فرمود: «شگفتا! او تا وقتی که توان داشت از او کار کشیدید. اکنون که پیر و ناتوان است، او را به حال خود واگذارده‌اید؟» آنگاه دستور داد از بیت‌المال به او کمک کنند و حقوق ماهیانه‌ای برای او مقرر فرمودند.^۱

تشکر از شخصیت‌ها:

امام خمینی رحمته الله خطاب به یکی از شخصیت‌ها فرمود: «جناب مستجاب حجت‌الاسلام آقای حاج سید احمد پیشوا (دامت برکات) به عرض می‌رساند... مساعی جمیله آن جناب در ترویج شریعت مقدسه اسلام و استعمال از مجامع دینی برای این منظور، مورد کمال تقدیر و تشکر است.»^۲

کتابنامه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، مصحح: لاجوردی، مهدی، تهران: نشر جهان، اول، ۱۳۷۸ ق.
۲. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربیه، تحقیق: احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دارالعلم للملایین، چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۳. حلوانی، حسین بن محمد بن حسن، نزهة الناظر و تنبیه الخاطر، مصحح: مدرسة الإمام المهدي رحمته الله، قم: مدرسة الإمام المهدي رحمته الله، اول، ۱۴۰۸ ق.
۴. خمینی، سیدروح‌الله، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله، دوازدهم، ۱۳۸۷ ش.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان، بیروت: دارالقلم - دارالشامیه، اول، ۱۴۱۲ ق.

۱. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۶۶.

۶. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، مصحح: مؤسسة آل البيت علیہ السلام، قم: مؤسسة آل البيت علیہ السلام، اول، ۱۴۰۹ ق.
۷. طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، دوم، ۱۳۹۰ ق.
۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: یزدی طباطبائی، فضل الله، تهران: ناصر خسرو، سوم، ۱۳۷۲ ش.
۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، تحقیق: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرای، قم: هجرت، دوم، ۱۴۰۹ ق.
۱۰. فیض کاشانی، ملا محسن، المحججة البيضاء فی تهذیب الاحیاء، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چهارم، ۱۴۱۷ ق.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، مصحح: غفاری علی اکبر، تهران: دار الکتب الإسلامیة چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۱۲. لثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، مصحح: حسنی بیرجندی، حسین، قم: دار الحدیث، ۱۳۷۶ ش.
۱۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، مصحح: جمعی از محققان، بیروت: دار احیاء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ ق.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیة، دهم، ۱۳۷۱ ش.
۱۵. نراقی، ملا احمد، معراج السعادة، تحقیق: محمد نقدی، قم: هجرت، ششم، ۱۳۷۸ ش.
۱۶. نراقی، ملا مهدی، جامع السعادات، تصحیح: سید محمد کلاتر، بیروت: اعلمی، چهارم، بی تا.

انواع خانواده از منظر قرآن کریم

حجت الاسلام والمسلمین علیرضا انصاری*

اشاره

خانواده سنگ بنای جامعه و تنها نهادی است که از ابتدای تاریخ تاکنون به عنوان اصلی ترین نهاد اجتماعی، خاستگاه فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و تاریخ بشر بوده است. اسلام به عنوان مکتبی انسان‌ساز، خانواده را نهاد مقدس و مرکز هستی تمدن، موفقیت‌ها و کانون تربیت می‌شمارد. بر این اساس تشکیل «خانواده مطلوب» خاستگاه جوامع انسانی، انبیا و اولیاست. خانواده مطلوب، خانواده‌ای است که واجد مؤلفه‌هایی مانند معنویت، محبت و ایثار بوده و اعضای آن را والدین شایسته و فرزندان صالح تشکیل دهد، این در حالی است که اعضای خانواده نامطلوب را والدین ناشایست و فرزندان ناصالح تشکیل می‌دهد. از این رو انبیا از خداوند درخواست میکردند که همسران شایسته و نسلی پاک به آنها عنایت فرماید: «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا؛^۱ و آنان که می‌گویند پروردگارا! ما را از سوی همسران و فرزندانمان خوش‌دلی و خوشحالی بخش، و ما را پیشوای پرهیزکاران قرار ده».

متأسفانه عصر حاضر، عصر بحران خانواده است، از این رو بررسی اقسام خانواده از منظر قرآن بایسته است. قرآن - ضمن بیان اقسام خانواده - به تبیین «خانواده مطلوب» و «خانواده نامطلوب» می‌پردازد تا انسان‌ها خانواده مطلوب را الگو و از تشکیل خانواده ناموفق و چالش‌زا پرهیز نمایند.

انواع خانواده در قرآن

خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی، اقسام مختلفی دارد، مانند خانواده هسته‌ای، که شامل والدین

* نویسنده و پژوهشگر.

و فرزندان است و معمولاً در یک خانه زندگی می‌کنند. خانواده گسترده، شامل چندین نسل از اعضای یک خانواده هستند که ممکن است در یک واحد مسکونی زندگی کنند. همچنین خانواده موفق؛ خانواده ناموفق؛ خانواده مطلوب؛ خانواده نامطلوب؛ خانواده سالم و خانواده ناسالم.

گرچه در قرآن به گونه‌ای صریح و شفاف برای خانواده تقسیم‌بندی صورت نگرفته است، اما با در نظر گرفتن برخی مؤلفه‌ها، انواع خانواده در قرآن قابل شناسایی است. گفتنی است خانواده در قرآن با واژگانی مانند: «آل»، «اهل» و «عشیره» گزارش شده است. واژه «آل» مانند: «فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ»^۱ مراد از آن خاندانی بسیار گسترده، شامل همه فرزندان و نسل ابراهیم علیه السلام، است. واژه «اهل» مانند: «فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا»^۲ و واژه «عشیره» مانند: «وَ أَنْزِلْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»^۳ با توجه به آموزه‌های قرآنی - به یک اعتبار - چهار نوع خانواده در قرآن قابل شناسایی است.

۱. خانواده امام علی علیه السلام

در قرآن از خانواده امام علی علیه السلام به عنوان خانواده الگو یاد شده است. خانواده‌ای که آیه تطهیر^۴، آیه مودت^۵، و آیه مباهله^۶ درباره آنان نازل شده است که حاکی از جایگاه بلند اعضای آن است. پدر این خانواده امام علی علیه السلام است. امامی که رسول اعظم صلی الله علیه و آله درباره ایشان فرمود: «ای علی! خدا را به حق معرفت کسی جز من و تو شناخت. و تو را به حق معرفت، جز خدا و من شناخت»^۷. مادر این خانواده حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است که قرآن او را خیر کثیر می‌خواند: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ»^۸ و رسول خدا صلی الله علیه و آله از حضرت به عنوان ام‌اینها یاد، و درباره ایشان فرمود: «أَنَّ اللَّهَ يَعْصِبُ

۱. نساء: ۵۴: «ما به آل ابراهیم، (که یهود از خاندان او هستند نیز)، کتاب و حکمت دادیم» ر.ک: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۹۵.
۲. قصص: ۲۹: «پس هنگامی که حضرت موسی مدّت خود را به پایان رسانید و همراه خانواده‌اش (از مدین به سوی مصر) حرکت کرد از جانب طور آتشی دید به خانواده‌اش گفت درنگ کنید من آتشی دید.»
۳. احزاب: ۳۳: «و خویشاوندان نزدیکت را انداز کن.»
۴. احزاب: ۳۳.
۵. شورا: ۲۳.
۶. آل عمران: ۶۱.
۷. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۸۴.
۸. کوثر: ۱.

لِعَصْبِ فَاطِمَةَ وَيَرْضَى لِرِضَاهَا»^۱. فرزندان این خانواده امام حسن و امام حسین علیهما السلام هستند که رسول خدا صلی الله علیه و آله آنان را سروران جوانان بهشت دانست: «وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ»^۲.

در تفسیر نمونه جریان این خانواده چنین گزارش شده است: ابن عباس می گوید حسن و حسین علیهما السلام بیمار شدند. پیامبر صلی الله علیه و آله با جمعی از یاران به عیادتشان آمدند و به علی علیه السلام گفتند: ای ابوالحسن! خوب بود نداری برای شفای فرزندان خود می کردی، علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و فضه که خادمه آنها بود، نذر کردند که اگر آندو شفا یابند سه روز روزه بگیرند. چیزی نگذشت که هر دو شفا یافتند. درحالی که خانواده، از نظر مواد غذایی دست خالی بودند، علی علیه السلام سه من جو قرض نمود، و فاطمه علیها السلام یک سوم آن را آرد کرد، و نان پخت، هنگام افطار سائلی در خانه آمد و گفت: سلام بر شما ای خاندان محمد! مستمندی از مستمندان مسلمین هستم، غذایی به من بدهید، خداوند به شما از غذاهای بهشتی مرحمت کند؛ آنها همگی سهم خود را به او دادند و آن شب جز آب ننوشیدند. روز دوم را نیز روزه گرفتند و موقع افطار وقتی که غذا را آماده کرده بودند، یتیمی در خانه آمد آن روز نیز غذای خود را به او دادند. در سومین روز اسیری به هنگام غروب آفتاب در خانه آمد باز سهم غذای خود را به او دادند. هنگامی که صبح شد علی علیه السلام دست حسن علیه السلام و حسین علیهما السلام را گرفت و خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند؛ هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را دید، مشاهده کرد از شدت گرسنگی می لرزند! فرمود! این حالی را که در شما می بینم برای من بسیار گران است، سپس برخاست و با آنها به خانه فاطمه سلام الله علیها وارد شدند. فاطمه در محراب عبادت ایستاده بود در حالی که گرسنه بود، پیامبر صلی الله علیه و آله ناراحت شد. در همین هنگام جبرئیل نازل شد و گفت ای محمد! این سوره را بگیر، خداوند بخاطر چنین خاندانی به تو تهنیت می گوید، سپس سوره "هل اتی" را بر او خواند. برخی از مفسران گفته اند که از آیه "أَنَّ الْأَثْرَارَ" تا آیه "كَانَ سَعِيكُمْ مَشْكُورًا" که مجموعاً هیجده آیه است، در این موقع نازل شد.^۳

ویژگی های خانواده امام علی علیه السلام

با توجه به مطالب گزارش شده می توان به چند ویژگی برای خانواده امام علی علیه السلام اشاره نمود:

۱. شیخ صدوق، الامالی، ص ۳۸۴.
۲. همو، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۲۰.
۳. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۳۴۳؛ ر.ک: محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۱۲۱؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۶۱۴.

الف) معنویت

یکی از شاخصه‌های خانواده امام علی علیه السلام معنویت است، معنویت به زندگی انسان معنا می‌بخشد و بر طرف‌کننده نارسایی‌ها در نظام خانواده و اجتماع است. در فضای معنوی، اعضای خانواده خداوند را ناظر بر رفتار و گفتارشان می‌دانند، از این رو، فضایل دینی و اخلاقی در رأس مسائل خانواده قرار می‌گیرد. این همان ویژگی است که در خانواده امام علی علیه السلام جایگاه ویژه داشت. بر این اساس بایسته است خانواده‌ها، خانواده امام علی علیه السلام را الگوی خود قرار دهند تا محیط معنوی داشته باشند و فرزندان‌شان با آموزه‌های قرآنی تربیت شود.

همسر شهید مصطفی چمران درباره اوج بندگی‌اش در محیط خانه می‌گوید: خیلی دوست داشتم در نمازهای واجب به او اقتدا کنم، اما مصطفی می‌گفت: «تو نمازت را بخوان. پشت سر من نماز بخوانی، نمازت خراب می‌شود»؛ اما من نمازهایم را پشت سر مصطفی می‌خواندم. نمازش که تمام می‌شد، به سجده می‌رفت و صورتش را به خاک می‌مالید و گریه می‌کرد. خیلی سجده‌هایش طولانی می‌شد. هر شب از نیمه‌های شب تا اذان صبح، به نماز شب و تهجد مشغول بود. گاهی که دلم طاقت نمی‌آورد و به او می‌گفتم: «بس است دیگر؛ کمی استراحت کن»؛ در جواب می‌گفت: «تاجر اگر از اصل سرمایه‌اش خرج کند، ورشکست می‌شود. باید سود به دست آورد تا زندگی‌اش بگذرد. ما هم اگر قرار باشد نماز شب نخوانیم، ورشکست می‌شویم».^۱

شهید مطهری به یکی از فرزندان خود نوشت: «حتی الامکان از تلاوت روزی یک حزب قرآن که فقط پنج دقیقه طول می‌کشد، مضایقه نکن و ثوابش را هدیه روح مبارک حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بنما که موجب برکت عمر و موفقیت است انشاء الله»^۲. مادر آیت‌الله بهشتی نیز می‌گوید: «در دوران بارداری فرزندم، روزی یک جزء قرآن می‌خواندم و این قرائت قرآن احساس آرامش [خاصی] به من می‌داد. در موقع شیر دادن هم روبه‌قبله می‌نشستم و با وضو به او شیر می‌دادم و احساس می‌کردم هر وقت ناراحتی می‌کرد، موقع قرآن خواندن آرامش خاصی پیدا می‌کرد و به تلاوت من گوش می‌داد»^۳.

۱. رضا آبیاری، همسران زمینی، سرداران آسمانی، ص ۲۰.

۲. <https://www.balagh.ir/content/16274>

۳. <https://www.balagh.ir/content/16274>

ب) ایثار و انفاق

خداوند در توصیف خانواده علی علیه السلام فرمود: «و يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أُسِيرًا»^۱ و غذای خود را با علاقه (و نیاز) به آن و از روی محبت خدا، به فقیر و یتیم و اسیر انفاق می‌کنند. «ایثار به معنای فدا نمودن خواسته‌ها و نیازهای شخصی به نفع دیگران است: «و يُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ»^۲؛ ایثار در خانواده، شامل کارهایی مانند پذیرش مسئولیت‌های بیشتر، فدا کردن زمان و انرژی برای دیگران و حمایت از یکدیگر در سختی‌ها می‌باشد، همچنین ایثار می‌تواند روابط را تقویت کند. زمانی که اعضای خانواده برای یکدیگر فداکاری می‌کنند، اعتماد و محبت میان آن‌ها افزایش می‌یابد. ضمن اینکه فدای خود برای دیگری نشان‌دهنده همدلی و محبت است.

ج) اخلاص

خداوند در توصیف خانواده علی علیه السلام فرمود: «إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا»^۳؛ (و می‌گویند: ما شما را بخاطر خدا اطعام می‌کنیم، و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم!)

اخلاص به معنای صداقت، صمیمیت و نیت خالص در رفتار و تعاملات با دیگران است. اخلاص باعث ایجاد اعتماد در میان اعضای خانواده می‌شود. هنگامی که افراد به یکدیگر صداقت نشان دهند، احساس امنیت و آرامش بیشتری خواهند داشت. بیشتر ناراحتی‌ها در خانواده‌ها از یکدیگر، ناشی از انتظار داشتن از طرف مقابل در خانواده است. اما با وارد شدن عشق الهی در زندگی، تمام کارها رنگ الهی به خود می‌گیرد. با شناخت خداوند، انسان عاشق او می‌شود و جز او کسی را نمی‌بیند، پس با تمام وجود شاد است و هیچ یک از غم‌های ظاهری دنیا حتی بی‌مهری طرف مقابل او را عذاب نخواهد داد.^۴

ج) وفای به نذر و خوف از معاد

خداوند در توصیف خانواده علی علیه السلام فرمود: «يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ

۱. انسان: ۸.

۲. حشر: ۹؛ «و آنها را بر خود مقدم می‌دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند.»

۳. انسان: ۹.

4. <https://rasekhoon.net/article/show/202369>

مُسْتَطِيرًا؛^۱ آنها به نذر خود وفا می‌کنند، و از روزی که شرّ و عذابش گسترده است می‌ترسند.»
معاد باوری به انسان امید، انگیزه و مسئولیت می‌دهد و او را ترغیب می‌کند تا به اعمال نیکورفتار اخلاقی توجه کند. معاد باوری می‌تواند به تربیت نسل‌های آگاه و مسئولیت‌پذیر در خانواده کمک کند، این باور به آن‌ها کمک می‌کند تا با مشکلات زندگی بهتر کنار بیایند.

۲. خانواده ابو لهب

یکی از خانواده‌های ناموفق که قرآن بدان اشاره نموده است، خانواده ابو لهب است. خانواده‌ای که اعضای آن را انسان‌های ناصالح و دشمنان اسلام تشکیل می‌دهد، چنانچه پدر خانواده «ابو لهب» عموی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است.^۲ او یکی از نخستین افرادی بود که در برابر دعوت پیامبر اسلام ایستاد و به آزار رسول خدا صلی الله علیه و آله پرداخت و از دشمنان اسلام بود، همچنین، «ام جمیل» همسر ابو لهب - خواهر ابوسفیان - مادر خانواده است که از دشمنان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بود. سوره "مسد" در ابو لهب و همسرش نازل شده است: «تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَ مَا كَسَبَ سَيِّئَلِي نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ وَ امْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّنْ مَّسَدٍ»^۳ بریده باد هر دود است ابو لهب (و مرگ بر او باد.) هرگز مال و ثروت او و آنچه را به دست آورد به حالش سودی نبخشید. و به زودی وارد آتشی می‌شود که دارای شعله فروزان است. و همچنین همسرش درحالی که هیزم به دوش می‌کشد، و در گردنش طنابی از لیف خرما است.»^۴

۳. خانواده فرعون

قرآن از خانواده دیگر به نام خانواده فرعون یاد می‌کند. خانواده‌ای که مدیریت آن را فرعون بر عهده دارد. همان فرعون‌نی که قرآن، او را پادشاهی مستبد و جبار معرفی می‌کند و او مدعی پروردگار مردم مصر است: «أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَىٰ»^۵ او قوم بنی اسرائیل را که پیش از این در زمان پیامبری یوسف علیه السلام در مصر ساکن شده بودند، به خدمت گرفت و با انگیزه پیشگیری از ولادت

۱. انسان: ۷.

۲. محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۳۸۴.

۳. مسد: ۱-۵؛ ر.ک: محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۳۸۴.

۴. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۴۱۵.

۵. نازعات: ۲۴.

موسی دستور داد فرزندان پسر بنی اسرائیل را در هنگام تولد به قتل برسانند؛^۱ اما در این میان، همسر او آسیه زنی پرهیزکار، با عفت و مومن است. گرچه نام آسیه در قرآن نیامده است، اما مفسران منظور از: «امْرَأَةٌ فِزْعُونَ»،^۲ را که دو بار در قرآن آمده، آسیه دانسته‌اند. او زن نام‌آوری است که در دفاع از دین خدا، پیامبر الهی و مبارزه با ظلم فرعون در تاریخ ضرب‌المثل شده است، چنانکه او در سخت‌ترین شرایط و در مرکز کفر بر عقاید توحیدی سخت پافشاری و از جان خود گذشت و به شهادت رسید.^۳ از این رو، قرآن که از او، در برابر همسر نوح و همسر لوط -که با وجود معاشرت با پیامبران، به خدا کفر می‌ورزیدند-، به نیکی و الگوی موفق یاد می‌نماید: «وَ صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتٌ فِزْعُونَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَ نَجِّنِي مِّنْ فِزْعُونَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»؛^۴ و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است، در آن هنگام که گفت: «پروردگارا! خانه‌ای برای من نزد خودت در بهشت بساز، و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش.

۴. خانواده نوح علیه السلام

قرآن از خانواده نوح و لوط علیه السلام به عنوان دو خانواده چالش‌زا یاد می‌نماید. خانواده نوح خانواده‌ای است که مدیر آن حضرت نوح علیه السلام است که از پیامبران اولوالعزم به شمار می‌رود و خداوند او را با کتاب فرستاده است تا مردم را به سوی خدا دعوت کند؛ اما در سوی دیگر، زن نوح قرار دارد که انسان ناشایسته‌ای است، زیرا او در برابر دعوت نوح به خدا مقاومت کرد و کافر شد. از این رو، خداوند او را الگوی کافران معرفی نمود: «صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتٌ نُوحٍ وَ امْرَأَتٌ لُّوطٍ»؛^۵ همچنین خداوند همسر نوح را و همسر لوط را خیانت‌کار دانست: «صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتٌ نُوحٍ وَ امْرَأَتٌ لُّوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِّنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا»؛^۶ خداوند برای کسانی که کافر شده‌اند به همسر نوح و همسر لوط مثل زده است، آن دو تحت سرپرستی دو بنده از بندگان صالح ما بودند، ولی به آن دو خیانت کردند.

۱. بقره: ۴۹.

۲. تحریم: ۱۱.

۳. احمد بهشتی، درس‌هایی از زندگانی زنان نامدار در قرآن و حدیث و تاریخ، ص ۴۴.

۴. تحریم: ۱۱.

۵. تحریم: ۱۱.

۶. تحریم: ۱۰.

در خانواده نوح فرزندی ناصالحی نیز حضور دارد. او کسی است که به نوح ایمان نیاورد و به دلیل دوستی و هم‌نشینی با کفار و افراد فاسد، در زمره کافران و بدکاران قرار گرفت. خداوند طی آیات ۴۵-۴۷ در سوره هود به این جریان اشاره می‌نماید.

چالش‌ها و درس‌های خانواده نوح علیه السلام

۱. آسیب‌پذیری خانواده

خانواده نوح نمونه‌ای از چالش‌های خانوادگی است که در آن مشکلات و نافرمانی‌ها وجود داشته است. این داستان به ما می‌آموزد که حتی پیامبران نیز در خانواده‌های خود با چالش‌هایی مواجه می‌شوند. از میان فرزندان انبیا علیهم السلام، علاوه بر فرزند نوح علیه السلام، می‌توان به قابیل فرزند آدم علیه السلام، اشاره نمود. قابیل کسی بود که برادرش هابیل را به قتل رساند،^۱ همچنین فرزندان یعقوب علیه السلام برادر خود، یوسف علیه السلام را به چاه انداختند. البته بعدها از کرده خود توبه کردند.^۲ در بین فرزندان اهل بیت علیهم السلام، عبدالله افصح، فرزند امام صادق علیه السلام است که انحراف عقیدتی داشت و ادعای امامت کرد.^۳ براین اساس داستان خانواده نوح به ما می‌آموزد که ایمان و نیکی در خانواده یک امر جمعی است و هر عضو خانواده باید در راه حق و درستی حرکت کند.

۲. تاثیرگزاری دوستان ناباب

گرچه در بدبختی فرزند نوح علیه السلام عوامل دیگری نیز نقش داشت، اما آنچه فرزند نوح را دچار آسیب کرد دوستان ناباب بود. هم‌نشینی با دوستان با ایمان موجب رشد شخصیت انسان و تقویت ارزش‌های اخلاقی و معنوی در نوجوانان می‌گردد. از سوی دیگر، دوستی با افراد فرومایه - که معمولاً به انحراف‌های اخلاقی آلوده‌اند - یکی از زمینه‌های انحراف نوجوان است. دوستان منحرف و بی‌بند و بار سعی دارند تجربه‌های راست یا دروغ خود یا دیگران را درباره مسائل جنسی و انحراف اخلاقی را، برای نوجوانان و جوانان پاک تعریف کنند و آنان را به سمت ناهنجاری‌ها سوق دهند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره ویژگی‌های افرادی که سزاوار رفاقت و هم‌نشینی هستند می‌فرمایند: «حواریون به عیسی گفتند: ای روح خدا! با چه کسی مجالست کنیم؟ مسیح

۱. مائده: ۳۰.

۲. یوسف: ۹۷.

۳. علی بن الحسین مسعودی، اثبات الوصیة للإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، ص ۱۹۸.

فرمود: باکسی که دیدارش شما را به یاد خدا بیندازد، و سخن گفتنش بر علم شما بیفزاید و عمل او شما را نسبت به آخرت راغب سازد». ^۱ علی علیه السلام می فرماید: «لَا تَصْحَبِ الشَّرِيرَ فَإِنَّ طَبْعَكَ يَسْرِقُ مِنْ طَبْعِهِ وَأَنْتَ لَا تَعْلَمُ»؛ ^۲ از هم نشینی و دوستی با افراد شرور و آلوده پرهیز؛ زیرا طبیعت و شخصیت تو به طور ناخواسته تحت تأثیر بدی و ناپاکی طبع ایشان قرار می گیرد و صفات آلوده شان بر تو اثر می گذارد.

با بدان کم نشین که بد مانی
خوپذیر است نفس انسانی ^۳

۳. عاطفه پدری به فرزند

فرزند نوح، نصیحت و اندرز پدر را نشنید و تا آخرین نفس دست از لجاجت و خیره سری برداشت و سرانجام در میان امواج طوفان گرفتار و غرق شد. وقتی نوح فرزند خود را در میان امواج دید، عاطفه پدری به جوش آمد و به یاد وعده الهی درباره نجات فرزندش افتاد، رو به درگاه خدا کرد و گفت: «و نادى نوحُ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ»؛ ^۴ پروردگارا! فرزندم از اهل من و خاندان من است، و تو وعده فرمودی که خاندان مرا از طوفان و هلاکت رهایی بخشی، و تو از همه حکم کنندگان برتری، و در وفای به عهد از همه ثابت تری. اما بلافاصله پاسخ شنید؛ پاسخی تکان دهنده و روشنگر از یک واقعیت بزرگ واقعیتی که پیوند مکتبی را مافوق پیوند نسبی و خویشاوندی قرار می دهد. ای نوح! او از اهل تو نیست! بلکه او عملی است غیر صالح «يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ»؛ ^۵ فرمود: «ای نوح! او از اهل تو نیست! او عمل غیر صالحی است [= فرد ناشایسته ای است]! پس، آنچه را از آن آگاه نیستی، از من مخواه! من به تو اندرز می دهم تا از جاهلان نباشی!!»

۳. سرنوشت ستمگران خانواده

اگر خانواده بر مسیر حق حرکت نکند سرنوشت بدی را پیشرو دارد، زیرا این سنت الهی است و سنت الهی استثنا پذیر نیست، از این رو فرزند و همسر نوح در دریا غرق شدند: «وَأَصْنَعُ الْفُلْكَ

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۹.

۲. عبدالحمید ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۷۲.

۳. <https://ganjoor.net/sanae/hadighe/hdgh07/sh28>

۴. هود: ۴۵.

۵. هود: ۴۶.

بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا وَلَا تُخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُعْرِقُونَ؛^۱ و با نظارت ما و [بر اساس] وحی ما کشتی را بساز، و با من درباره کسانی که ستم کرده‌اند، سخن مگو که یقیناً آنان غرق شدنی هستند.)

کتابنامه

قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغة، مصحح: ابراهیم، محمد ابوالفضل، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، اول، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی، تهران: کتابچی، ششم، ۱۳۷۶ ش.
۳. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب عليه السلام، قم: علامه، اول، ۱۳۷۹ق.
۴. اشتهازدی، محمد مهدی، زنان مردآفرین تاریخ، تهران: نبوی، ۱۳۷۶ ش.
۵. بهشتی، احمد، درس‌هایی از زندگانی زنان نامدار در قرآن و حدیث و تاریخ، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
۶. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، مصحح: رسولی، هاشم، قم: اسماعیلیان، چهارم، ۱۴۱۵ق.
۷. دوانی، علی، زن در قرآن، تهران: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۸. سبزواری، محمد، ارشاد الادهان الی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعارف للمطبوعات، اول، ۱۴۱۹ق.
۹. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر قرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۲، ۱۳۹۰ق.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: یزدی طباطبایی، فضل‌الله، تهران: ناصر خسرو، سوم، ۱۳۷۲ ش.
۱۱. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، بیروت: دار احیاء التراث العربی، سوم، ۱۴۲۰ق.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، مصحح: غفاری علی اکبر، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چهارم، ۱۴۰۷ق.
۱۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، مصحح: جمعی از محققان، بیروت: دار احیاء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ق.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیة، دهم، ۱۳۷۱ ش.

نقش تربیتی مدارا در تحکیم خانواده

دکتر مرضیه قنبری*

مقدمه

خانواده به عنوان اولین و مهم ترین نهاد تربیتی در زندگی انسان است که نقشی اساسی در رشد اخلاقی، اجتماعی و عاطفی دارد. بر این اساس خانواده نیازمند رعایت اصولی مانند محبت، گذشت و مدارا است تا بتواند محیطی سالم و سرشار از آرامش برای اعضای خود فراهم کند. مدارا در خانواده؛ به معنای تعامل مبتنی بر درک متقابل، صبر، گذشت و تحمل رفتارهای دیگران است که به عنوان یکی از اصول اخلاقی و تربیتی در زندگی اسلامی، جایگاه ویژه‌ای در تحکیم خانواده دارد و همچنین به کاهش تنش‌ها، تقویت ارتباطات و استحکام بنیان خانواده کمک می‌کند. قرآن کریم بیانگر این است که مدارا، نقش سازنده‌ای در ایجاد محیطی سالم و امن برای رشد و تربیت افراد ایفا می‌کند. پژوهش حاضر، به بررسی نقش مدارا در خانواده از منظر آیات و روایات و تأثیر آن در کاهش تنش‌ها و ایجاد هم‌بستگی بیشتر میان اعضای خانواده، پرداخته است.

مدارا عامل کاهش تنش و ایجاد آرامش

«مدارا» به معنای ملاحظت، نرمی، ملایمت و احتیاط کردن^۱، از ارزش‌های والای انسانی و مورد تأکید دین اسلام است. هرگاه مدارا و سازش به عنوان جزئی از خلق و خوی انسان گردد، بیانگر تعالی روح است. از توصیه‌های اخلاقی اسلام در تداوم روحیه مدارا و سازش میان همسران، پرهیز از توقعات نابجایی است که موجب کدورت، و کینه در بنای عشق خواهد شد. بنابراین شایسته است زوجین در تمام امور زندگی، انتظارات و توقعات خود را کنترل کنند تا سبب

* دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه قم.

۱. محمد بن مکرّم ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۲۵۵.

استحکام خانواده شوند. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره ویژگی‌های بهترین زنان می‌فرماید: «إِنَّ مِنْ خَيْرِ نِسَائِكُمْ الْوَلَدَ الْوَدُودَ السَّتِيرَةَ الْعَفِيفَةَ الْعَزِيزَةَ فِي أَهْلِهَا الذَّلِيلَةَ مَعَ بَعْضِهَا الْمُتَبَرِّجَةَ مَعَ زَوْجِهَا الْحَصَانَ مَعَ غَيْرِهِ الَّتِي تَسْمَعُ قَوْلَهُ وَتُطِيعُ أَمْرَهُ إِذَا خَلَا بِهَا بَدَلَتْ لَهُ مَا أَرَادَ مِنْهَا؛^۱ بهترین زنان شما، زنی است زایا، بسیار مهربان، باحجاب، پاکدامن، در میان خویشاوندان خود عزیز و در برابر شوهرش متواضع باشد، خودش را برای شوهرش بیاراید و از دیگران حفظ کند، از شوهرش حرف شنوی داشته باشد و امر او را اطاعت نماید و در خلوت خواسته شوهرش را برآورده نماید. زن باید در مقابل شوهر، با محبت و صمیمیت ریشه‌ی اختلافات و نزاع را از بین برد و سعی نماید که موجبات خشم و ناراحتی همسر را فراهم نکند و در صورت عصبانیت همسر، با مدارا برخورد نماید».

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حق مرد بر زن را محبت بر همسر بیان نمودند که باید از خشم وی دوری گزیند و آنچه را مورد رضایت همسر است، انجام دهد: «لِلرَّجُلِ عَلَى الْمَرْأَةِ أَنْ تَلْزَمَ بَيْتَهُ وَتَوَدَّهَ وَ تُحِبَّهُ وَ تُشْفِقَهُ وَ تَجْتَنِبَ سَخَطَهُ وَ تَتَّبِعَ مَرْصَاتَهُ؛^۲ حق مرد بر زن این است که [زن] ملازم خانه او باشد و به شوهرش دوستی و محبت و دلسوزی کند و از خشم و عصبانی کردن وی دوری گزیند و آنچه را مورد رضایت اوست انجام دهد».

امام علی عَلِيٌّ در شأن حضرت زهرا عَلِهَا السَّلَامُ فرمودند: «قَوْلَ اللَّهِ - مَا أَغْضَبْتُهَا وَلَا أَكْرَهْتُهَا عَلَى أَمْرٍ حَتَّى قَبَضَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ وَلَا أَغْضَبْتَنِي وَلَا عَصْتُ لِي أَمْرًا. وَلَقَدْ كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهَا فَتُنْكَشِفُ عَنِّي الْهُمُومَ وَالْأَحْزَانَ؛^۳ به خدا سوگند هیچ‌گاه فاطمه عَلِهَا السَّلَامُ را به خشم نیاوردم و او را بر کاری - که میل نداشت - وادار نکردم تا روزی که خداوند او را برد و او نیز هیچ‌گاه مرا به خشم نیاورد و از فرمان من سرپیچی نکرد و هرگاه که به او می‌نگریستم نگرانی‌ها و غم‌ها از من زدوده می‌شد.

این نوع رفتار و مدارا کردن، برخاسته از تعالی روح در پرتو ایمان است که موجب آرامش و سکون در روابط خانوادگی می‌شود. انسان، طالب کمال بی‌نهایت است و هیچ چیز محدودی نمی‌تواند او را قانع کند. اما مقصد تکامل انسان در عالم ممکنات نیست، به همین دلیل انسان هر قدر هم به امکانات و ثروت محدود دنیا دست یابد، عطش کمال جویبی او فرو نمی‌نشیند. در حقیقت نقطه نهایی تعالی انسان قرب الهی است و با رسیدن به آن، انسان به کمال مطلوب

۱. محمد بن علی ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۹، ح ۴۳۷۶.

۲. همان، ص ۲۴۴.

۳. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمّة فی معرفة الأئمة، ج ۱، ص ۳۶۳.

خود دست می‌یابد و به آرامش پایدار می‌رسد.^۱ این نگرش برگرفته از آیات قرآن است که مطمئن‌ترین و نزدیک‌ترین راه دست‌یابی به آرامش را ارائه نموده و می‌فرماید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^۲ آگاه باشید، تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد». خداوند بندگان خود را تشویق نموده که دل‌های خود را با توجه به نعمت‌ها و پاداش او تسکین دهند و آرامش بخشند.^۳ اولین اثر ایمان در دل مؤمن این است که بی‌هدفی و پوچی را از زندگی می‌زداید و با افسردگی و رکود در زندگی مبارزه می‌کند. از طرفی مقابله ایمان با دنیاپرستی در زندگی مادی، موجب دوری انسان از ناآرامی در رقابت‌های تجمل‌گرایانه می‌شود. انسان همواره در دنیا با ناملایماتی مواجه است که اتکاء به قدرت و رحمت الهی که برترین قدرت‌هاست، موجب آرامش قلب هنگام ضعف و ناتوانی در این مواجهات می‌شود.^۴ بنابراین انسان اگر خواستار خوشبختی دنیاست، باید سعادت آخرت خود و همسرش را نیز در زندگی لحاظ کند.

وقتی هر یک از زوجین تحت ولایت الهی و آرامش حاصل از ایمان در کنار یکدیگر قرار گیرند، بهتر می‌توانند در راستای آرامش بخشی به یکدیگر گام بردارند و زندگی زیبایی برای خود بسازند. امام خمینی علیه السلام می‌فرماید:

قلبی که در آن نور توحید و معرفت کمال مطلق تائیده شده باشد، دارای طمأنینه و ثبات و تأنی و قرار است. دلی که نورانی به معرفت حق جلّ و علا شده باشد، مجاری امور را به قدرت او می‌داند و خود و جدّیت و حرکت و سکون خود و همه موجودات را از او می‌داند و زمام امر موجودات را به دست خود آنها نمی‌داند. چنین قلبی اضطراب و شتاب‌زدگی و بی‌قراری ندارد.^۵

زن و مرد ابتدا باید روح خود را به بارگاه الهی پیوند بزنند، سپس در پی افزایش روح ایمان در زندگی مشترک، همسر خود را یاری نمایند، تا در سایه ایمان به خداوند، به آرامش و آسودگی خاطر دست یابد. جدال، ریشه در بدخویی دارد که در هر صورت، حتی به حق، باید آن را ترک نمود؛ زیرا این نوع رفتارها سبب کدورت و تیرگی روابط زوجین و سلب آرامش می‌شود. امام

۱. محمدتقی مصباح یزدی، سجاده‌های سلوک، ج ۲، صص ۲۹۴-۲۹۵.

۲. رعد: ۲۸.

۳. فضل‌بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۶، ص ۴۴۷.

۴. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۲۱۳.

۵. روح الله موسوی خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، صص ۳۶۲-۳۶۳.

هادی علیه السلام فرمودند: «المرءُ یفسدُ الصداقةَ القديمةَ ویحلُّ العقدةَ الوثیقةَ، و أقلُّ ما فیهِ أن تكونَ فیهِ المغالبةُ، و المغالبةُ أسُّ أسبابِ القطیعةِ؛^۱ مجادله کردن، دوستی دیرین را از بین می‌برد و پیوند استوار را از هم می‌گسلد و کمترین چیزی که در مجادله هست، چیره‌جویی است و چیره‌جویی، خود عامل اصلی قطع رابطه می‌باشد».

مدارا عامل ایجاد مودت و رحمت

مدارا به‌عنوان یک اصل تربیتی، نقشی اساسی در استحکام خانواده و ایجاد مودت و رحمت دارد. برای دستیابی به این هدف، لازم است که زوجین در گسترش فرهنگ مدارا تلاش کنند و از این طریق پایه‌های یک زندگی سالم و پایدار را بنا نهند. «محبت» تمایل و خواستن چیزی است که آن را خیر می‌پنداریم.^۲ امام خمینی علیه السلام حقیقت محبت را آتشی می‌داند که از قلب عاشق طلوع می‌کند و آثار آن به باطن و ظاهرش سرایت می‌کند و همان تجلیات حبی در سر قلب، به‌صورت عشق‌بازی در ظاهر درمی‌آید.^۳ عشق به آن معنا که تمام ابعاد وجود انسان، نظر به محبوب و معشوق باشد، مخصوص به خداست و هیچ محبتی نباید در عرض محبت خدا قرار گیرد، اما در طول محبت به خدا، محبت به همسر و فرزندان جای دارد؛ تا آنجا که امام حسین علیه السلام فرمودند: «به محبت رباب و سکینه، خانه‌ای را که در آن رباب و سکینه زندگی می‌کنند، دوست دارم». رباب نیز بعد از شهادت امام حسین علیه السلام، نه در زیر سایه‌ای استراحت نمود و نه آب خنکی نوشید؛ زیرا محبوبش با لب تشنه و زیر آفتاب شهید شد.^۴

علامه طباطبایی علیه السلام ذیل آیه ۲۱ سوره روم کلمه «مودت» را محبتی دانسته‌اند که اثرش در عمل ظاهر باشد و «رحمت» نیز نوعی تأثیر نفسانی است که از مشاهده محرومیت شخص محرومی است که کمالی را ندارد و محتاج به رفع نقص است، در دل پدید می‌آید و صاحب‌دل را به این وادار می‌کند که در مقام برآید و او را از محرومیت نجات داده و نقصش را رفع کند، بر این اساس با مدارا می‌توان باعث ایجاد مودت و رحمت شد.

۱. حسین بن محمد حلوانی، نزهة الناظر و تنبیه الخواطر، ص ۱۳۹.

۲. حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۴۳۹.

۳. روح الله موسوی خمینی، سر الصلاة، ص ۱۱.

۴. اصغر طاهرزاده، زن آن‌گونه که باید باشد، ص ۴۲.

۵. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۴۷.

۶. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۱۶۶.

طبق فرموده امام رضا علیه السلام زنی که به همسرش محبت و عشق می‌ورزد، دستاوردی گرانبه‌است: «وَاعْلَمَنَّ أَنَّ النَّسَاءَ شَتَّى فَمِنْهُنَّ الْغَنِيْمَةُ وَالْغَرَامَةُ وَهِيَ الْمُتَحَبِّبَةُ لِرَوْحِهَا وَالْعَاشِقَةُ لَهُ؛^۱ بدان که زنان گوناگونند، برخی از آنان دستاوردی گرانبها و تاوان [رنج‌های آدمی] هستند و این زن کسی است که به شوهرش محبت می‌کند و عاشق اوست.

اهمیت محبت و مودت که در اثر مدارا در زندگی حاصل می‌شود به حدی است که مولوی در مثنوی، در شعری به معجزه‌ی محبت چنین اشاره نموده است:

از محبت تلخ‌ها شیرین شود	وز محبت مس‌ها، زرین شود
از محبت سنگ، روغن می‌شود	بی محبت موم، آهن می‌شود
از محبت مرده، زنده می‌شود	وز محبت شاه، بنده می‌شود ^۲

مدارا، عامل معاشرت نیکو

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَاعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛^۳ و با آنان به‌طور شایسته رفتار کنید». این آیه شریفه به مردان توصیه می‌کند که با همسران خود به نیکویی و احترام رفتار کنند و در مواجهه با مشکلات، صبور و مداراگر باشند و نیز با همسران خود حسن سلوک داشته و خوش‌رفتار باشند و همواره با گفتار نیک و گشاده‌رویی با آن‌ها زندگی نمایند.

عبارت «وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ؛^۴ و خشم خود را فرو می‌برند و از خطای مردم درمی‌گذرند». صفت گذشت و فروبردن خشم که از جلوه‌های مدارا و از صفات متقیان است را ستایش می‌کند. در حالت «غیظ» که شدت غضب است، عقل و اراده سلب می‌شود و چه‌بسا فرد عصبانی، بیش از استحقاق به خشم آورنده، به او ستم می‌کند و یا دست به جنایت و زبان به سخنان ناروا می‌گشاید. اما کظم غیظ، موجب می‌شود که انسان با نیروی عقل و تقوا خود را مهار کند. درحقیقت کظم غیظ جلوه‌ی تقوا است که اراده و مهار نفس را در پی دارد و از سرکشی و تجاوز بازمی‌دارد، این ویژگی چشم‌پوشی از همگان را به دنبال می‌آورد؛ «وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ». مراد گذشت و نادیده گرفتن نامالیماتی است که از مردم می‌رسد و همچنین

۱. حسین بن محمدتقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۱.

۲. مولوی، مثنوی معنوی، دفتر دوم.

۳. نساء: ۱۹.

۴. آل عمران: ۱۳۴.

چشم‌پوشی از چشم دوختن به اخلاق و رفتار خصوصی مردم و عیب‌جویی آنهاست. این عفو که مرتبه برتر و مقام بالاتر از کظم غیظ است،^۱ موجب می‌شود که سازش و مدارا در زندگی به اوج برسد.

داستان

روزی امیرمؤمنان به بازار خرمافروشان آمد، در آنجا کنیزی را گریان دید. فرمود: چرا گریه میکنی؟ آن زن با زبانی تضرع‌آمیز گفت: این مغازه‌دار مقداری خرما به یک درهم به من فروخته، مولایم آن را از من نپذیرفته و مورد پسندش واقع نشده است، من آورده‌ام تا آن را پس دهم، ولی او قبول نمی‌کند. امام علیه السلام فرمود: ای مرد مگر نمی‌بینی این کنیز را چاره‌ای نیست و خدمت‌گذار دیگری است و کاری از دستش بر نمی‌آید. خرمایت را بگیر و درهمش را برگردان، خرمافروش باز هم نپذیرفت. کسی که شاهد جریان بود، پیش آمد و به خرمافروش گفت: تو این آقا را نمی‌شناسی؟ علی بن ابی‌طالب؛ امیرمؤمنان است. خرمافروش فوراً ادب کرد و خرماهای کنیز را گرفت و درهم را به کنیز برگرداند، آن‌گاه به حضرت گفت: مولای من می‌خواهم از من راضی شوید. امام فرمود: من هنگامی از شما راضی می‌شوم که به حقوق مردم وفادار باشید، سپس درحالی که از بازار خرمافروشان عبور می‌کرد به آنان خطاب فرمود: از این خرماها به بینوایان بخورانید تا خداوند کسب شما را برکت دهد.^۲

مدارا، موجب پاداش الهی و دستیابی به حیات طیبه

آیه شریفه: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنَّىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوَةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^۳ بیانگر این است که هر یک از زن و مرد که عمل صالح انجام دهد و مؤمن باشد، از حیات طیبه بهره‌مند می‌شود و از وسوسه و ناپاکی‌ها (عدم خلوص‌ها) نجات می‌یابد و خدا نتیجه کارش را با بهترین عملی که انجام داده است، به او می‌دهد.^۴ بسیاری از ارزش‌ها و آموزه‌های اسلامی برای زن و مرد یکسان بیان شده است و خطاب خداوند

۱. سیدمحمود طالقانی، پرتوی از قرآن، ج ۵، صص ۳۳۵-۳۳۶.

۲. حسین انصاریان، تفسیر حکیم، ج ۵، ص ۲۹۵.

۳. نحل: ۹۷.

۴. اصغر طاهرزاده، زن آن‌گونه که باید باشد، ص ۱۳۱.

در آیه: «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ»^۱ آن‌ها که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، پاکیزه‌ترین (زندگی) نصیبشان است و بهترین سرانجام‌ها»، خطاب فرا جنسیتی است. طبق این آیه؛ حیات طیبه در گرو انجام عمل صالح است و زن و مرد برای دستیابی به چنین حیاتی باید به میدان عمل وارد شوند.

باتوجه به برکاتی که حیات طیبه برای انسان دارد، خداوند برای هر یک از زوجین راه رسیدن به آن را ایمان و عمل صالح معرفی نموده است و سپس فرموده نه تنها حیات طیبه را به آن‌ها خواهیم داد، بلکه نائل شدن به نتیجه کامل‌ترین اعمال را به همه اعمالشان سرایت می‌دهیم. این مهم، وقتی میسر است که انسان در مسیر دینداری پایداری پیشه کند و هیچ حادثه‌ای او را از مسیر منحرف نکند.^۲ درحقیقت این آیه عملاً راه زندگی همراه با سعادت را نشان می‌دهد و مدارا کردن و سازش با دیگران نقش مهمی در آرامش دارد و هنگامی که زن و مرد چنین نگاهی داشته باشند، زندگی بستر ریزش رحمت الهی خواهد شد؛ همان نگرستی که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا نَظَرَ إِلَىٰ امْرَأَتِهِ وَنَظَرَ إِلَيْهِ نَظَرَ اللَّهُ تَعَالَىٰ إِلَيْهِمَا نَظَرَ الرَّحْمَةِ»^۳ براساس این روایت وقتی مرد به زن خود و همچنین زن به همسرش از روی محبت بنگرد، خداوند به دیده رحمت به آن‌ها می‌نگرد. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پاداش زنی را که به شوهر خود آب دهد، برتر از عبادت یک سال دانسته‌اند و فرمودند: «مَا مِنْ امْرَأَةٍ تَسْقِي رَوْحَهَا شَرْبَةً مِنْ مَاءٍ إِلَّا كَانَ خَيْرًا لِّهَا مِنْ عِبَادَةِ سَنَةِ صِيَامٍ نَهَارًا وَ قِيَامٍ لَيْلًا»^۴ هیچ زنی نیست که جرعه‌ای آب به شوهرش بنوشاند، مگر آنکه این عمل او برایش بهتر از عبادت یک سال باشد که روزهایش را روزه بگیرد و شب‌هایش را به عبادت سپری کند».

مدارا در گفتار پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ محبت و عشق به همسر را در کنار عشق به نماز قرار داده، می‌فرماید: «حُبِّبَ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا التِّسَاءِ وَالطَّيِّبِ وَجُعِلَتْ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ»^۵ از دنیا سه چیز محبوب من است؛ عطر، زن و شادابی چشمان من در نماز است». مواجهه با مشکلات و کمبودهای مادی و

۱. رعد: ۲۹.

۲. اصغر طاهرزاده، زن آن‌گونه که باید باشد، ص ۱۳۴.

۳. ابو القاسم پاینده، نهج الفصاحة، ص ۲۷۸.

۴. محمد بن حسن شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۸۵.

۵. محمد بن علی ابن بابویه، الخصال، ج ۱، ص ۱۶۵.

معنوی ممکن است موجب ناراحتی در زندگی شود، اگر زندگی بر پایه مدارا و محبت استوار باشد و زوجین گذشت داشته باشد، تحمّل مشکلات آسان خواهد بود. در این میان مدارا نمودن از جانب مردان به دلیل اقتدار بیشتر، زینده‌تر خواهد بود، به همین جهت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مورد مدارا در خانواده بیشتر مردان را مورد خطاب قرار دادند و به دلیل صبر بر بداخلاقی‌های همسر وعده ثواب و پاداش داده‌اند: «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِيهِ وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي؛^۱ بهترین شما کسی است که برای خانواده‌اش بهترین باشد، و من بهترین شما نسبت به خانواده خودم هستم». همچنین مردان و زنان را در مقابل بداخلاقی همسران توصیه به صبر نمودند و فرمودند: «مَنْ صَبَرَ عَلَى سُوءِ خُلُقِ امْرَأَتِهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ مِنَ الْأَجْرِ مَا أَعْطَاهُ دَاوُدُ عَلَيْهِ السَّلَام عَلَى بَلَائِهِ وَمَنْ صَبَرَتْ عَلَى سُوءِ خُلُقِ زَوْجِهَا أَعْطَاهَا مِثْلَ ثَوَابِ آسِيَّةَ بِنْتِ مَرْحَمٍ؛^۲ مردی که در مقابل بداخلاقی زنش صبر نماید، خداوند اجر و پاداش حضرت ایوب عَلَيْهِ السَّلَام را به او عطا خواهد کرد. هم‌چنین زنی که بداخلاقی شوهر را تحمّل نماید، خداوند ثواب و اجر آسیه را به او خواهد داد». بر این اساس اگر کسی در مقابل مشکلات و بداخلاقی‌های همسرش، صبر و بردباری پیشه نکند، پیوند عاطفی و رابطه زناشویی آسیب دیده و موجب تنش و ناآرامی در زندگی می‌شود. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حدیث دیگری توهین به مقام زن را نشانه دنائت و پستی دانستند و فرمودند: «مَا أَكْرَمَ النِّسَاءَ إِلَّا الْكَرِيمُ وَلَا أَهَانَهُنَّ إِلَّا اللَّئِيمُ؛^۳ زنان را احترام نمی‌کنند؛ مگر اشخاص کریم و دارای کرامت و توهین نمی‌کنند به زنان، مگر افراد پست». زندگی خانوادگی گاه با چالش‌ها و اختلاف نظرها همراه است و مدارا به افراد کمک می‌کند تا با صبر و گذشت، به جای تشدید تنش‌ها، مشکلات را به روشی آرام و منطقی حل کنند.

مدارا در سیره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

تاریخ سیره نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیانگر رفتار کریمانه و مدارای رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با اهل خانه، مخصوصاً همسرانشان است. برخی از همسران آن حضرت نسبت به همدیگر حسادت می‌ورزیدند و سعی داشتند که توجه و محبت حضرت رسول را نسبت به خود جلب نمایند و با اعمال خود، سبب رنجش آن حضرت را فراهم می‌کردند که موارد زیادی در تاریخ وجود دارد؛ اما آن

۱. محمد بن علی ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۵۵.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۷.

۳. ابو القاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص ۴۷۲.

حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با حسن خلق و سعه صدر با آنان مدارا می نمودند. ^۱ مدارای پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با اعضای خانواده را می توان در روایتی از عایشه، به خوبی مشاهده کرد: «روزی نوبت حضور پیامبر به خانه من بود، صفیه از همان غذایی که من درست کرده بودم، برای پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرستاده بود. وقتی ظرف غذا را در دست کنیز صفیه دیدم، لرزه بر تنم افتاد، به آن ظرف زدم و انداختم. پیامبر به من نگاه کرد و آثار ناراحتی را در چهره اش دیدم، گفتم پناه می برم به رسول خدا از اینکه مرا امروز نفرین نماید». پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «سزاوار آن هستی». عایشه می گوید به پیامبر گفتم: «کفاره این عمل چیست؟» ایشان فرمودند: «مانند طعامش، طعام بده و مانند ظرفش ظرف تهیه کن». ^۲

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نه تنها با همسران خود، بلکه با خادمان منزل نیز مدارا می کردند. انس بن مالک که مدت ده سال خدمت کار ایشان بود، می گوید: «مدت ده سال خدمت کار حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بودم، در این مدت هرگز حتی یک «أف» هم به من نگفتند و در مورد کاری که کرده بودم نگفتند چه کردی و چرا این کار را نکردی. هم چنین کاری که نکرده بودم، نگفتند چرا این کار را ترک کردی». ^۳ پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مورد اذیت همسر فرمودند: «فَأَيُّ رَجُلٍ لَطَمَ امْرَأَتَهُ لَطْمَةً أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَالِكًا حَازِنَ النَّيْرَانِ فَيَلْطُمُهُ عَلَى حُرِّ وَجْهِهِ سَبْعِينَ لَطْمَةً فِي نَارِ جَهَنَّمَ؛ ^۴ اگر کسی بدون دلیل همسرش را اذیت کند، خداوند متعال او را مجازات خواهد کرد و می فرماید کسی که با همسرش بدرفتاری نماید و او را کتک بزند، خداوند به «مالک» مأمور دوزخ امر می کند که در برابر هر سیلی که به زنش زده، هفتاد سیلی به گونه‌ی او بزند».

۱. محمد جمالزهی، امهات المؤمنین فی مدرسه النبوه، ج ۱، ص ۱۵.

۲. احمد بن محمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۶، ص ۲۷۷؛ محمد بن یوسف صالحی شامی، سبل الهدی و الرشاد، ج ۹، ص ۷۰.

۳. اسماعیل بن عمر ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۶، ص ۴۲.

۴. حسین بن محمد تقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۰.

کتابنامه

۱. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البداية و النهاية، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۸ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲.
۳. _____، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۴. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند، لبنان: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۶ق.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۶. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الائمة، تبریز: بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.
۷. انصاریان، حسین، تفسیر حکیم، قم: دار العرفان، بی تا.
۸. پاینده، ابو القاسم، نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ)، تهران: دنیای دانش، بی تا.
۹. جمالزهی، محمد، امهات المؤمنین فی مدرسه النبوه، مشهد: نگین کویر، ۱۳۹۱ق.
۱۰. حسینی همدانی، سید محمد حسین، انوار درخشان، تهران: کتابفروشی لطفی، ۱۴۰۴ق.
۱۱. حلوانی، حسین بن محمد، نزهة الناظر و تنبیه الخواطر، قم: مدرسه الامام المهدي ﷺ، ۱۴۰۸ق.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دمشق: دارالعلم الشامیة، ۱۴۱۲ق.
۱۳. صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و الرشاد، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۴ق.
۱۴. طالقانی، سید محمود، پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲.
۱۵. طاهرزاده، اصغر، زن آن گونه که باید باشد (زن-خانوده-بحران)، اصفهان: لب المیزان، ۱۳۹۲ش.
۱۶. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۰ق.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۱۸. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۹. مصباح یزدی، محمد تقی، سجاده های سلوک، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته، ۱۳۹۰.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
۲۱. موسوی خمینی، روح الله، سر الصلاة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته، ۱۳۷۸.
۲۲. _____، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته، ۱۳۷۷.
۲۳. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق.